هو الرحمن الرحیم

کتابے متضمن تدبیر رفع پریشانی و تنگی و جہالت و خسارت اہل اسلام

رہنمای بسوی دولت — و اصلاح تعلیم درسگاہ

مسمی بہ

# کتاب تدبیر

تصنیف

محمد عبید الرحمن

وکیل فی الخصوص متعلق دار القضای عظمی الانگلیسی واقع الہ آباد مسمّی بہ ہائیکورٹ الہ آباد

و استنیا یافتہ مدرسہ عظمی موسومہ بہ یونیورسٹی کلکتہ

ابن مولوی محمد منعم صاحب سلمہ

المرشد آبادی

الطالبپوری

در مطبع جلالی واقع الہ آباد طبع شد

قیمت فی جلد ... روپیہ

تاریخ ...

واضح باد طبع این کتاب به نفاست صحیحیکه میخواستم با وجود تردد و اهتمام دلاله آباد میسر نشد —
وجه آن همانا بیدردی و بی سامانی و بی اعتنائی و عدم توجه بطرف فرایض است که ما داریم — چنانکه تنها
از آن در این کتاب کرده ام — بدین صفحات — صفحه ۱۵ حاشیه — صفحه ۱۳ حاشیه — و این مساعی برای رفع این حالت
سبب حال است — و با وجود بیکسی خود به تعلق مشاغل دیگر خود رنج بردم — اما با مشکلات مرکبی ها و عده تنگی
بدینجا آمدم — و خسته شدم — عفو تقصیر در نفاست طبع و در صحت از ناظرین مطلوب داریم — او که در راه
بهتری فواید و احصول آن مجبوری با ز بیا ند قابل رحم است —

و بعض غلطیها ناسخ املی حسب ذیل اند — بعد تصحیح حسب ذیل کتاب را ملاحظه فرمایند

| صفحه | سطر | غلط | صحیح | صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹ | ۱۱ | نقصات | نقصانات | ۱۶ | حاشیه | همه بدست | همه در دست |
| ۱۶ | ۱ | تصور کنید | تصور کنند | ۱۷ | * | دفتر دادا | دفتر و اداره |
| ۱۷ | ۵ | فواید علم نافع | علم ابو زید — اما علم نافع فواید علم نافع | ۱۸ | * | فرو گفتم | فرو گفتم و آنکه تعلیم [illegible] |
| ۲۸ | ۴ | انجام ندو دل | انجام نداد دلسی | ۰ | ۰ | ۰ | فتوحات و کارها از آن [illegible] |
| ۳۰ | ۱۱ | زبانهای عربی | زبانهای غیر عربی | ۴۹ | سطر | ترتیب معامله چنان | ترتیب معامله چنان بنا [illegible] |
| ۳۴ | ۳ | بیا کرده | بنا کرده | | | بنیاد کند اوحی [illegible] | کرد اول خود بجا [illegible] |
| ۵۱ | ۱۱ | از دست شا | از دست شما | ۰ | ۰ | ۰ | پذیر شویم [illegible] |
| ۵۲ | ۸ | همه خبر | همه جبر | ۵۲ | سطر | منفیض الدماغ | منقبض الدماغ |
| ۵۵ | ۶ | هفت | هشت | ۵۵ | سطر | زبان و سال [illegible] | زبان و سال در زبان |
| ۶۱ | ۱۳ | سلطان | باب عالی | ۰ | ۰ | ۰ | نام آن خطه [illegible] |
| ۶۴ | ۱۱ | نخواهند گرفت | نخواهند گرفت | ۵۹ | سطر | اراحی | اساحی |
| " | ۱۲ | بی انفاقی | بی اتفاقی | ۶۲ | سطر | نشته جو | کشته جو |
| ۶۵ | ۹ | ازاحاب | از احتیاجات | " | " | گندسنانی | گندم سنانی |
| " | ۱۵ | سالی | سابق | | | | |
| ۶۶ | ۱۸ | شامل کرد | توجه کرده | | | | |

## اشتهار (۱)

دائره تذمیر ۱ از [illegible] ۱۲۹۶ — [illegible] [illegible]

(۴) اندوهم فروغ و بدهم پناه ازو تقویت میخواهیم وهو القوی المعین

آنانکه شرکت دائره تدبیر احسان کنند باختیار کدامی از سه شکل مذکوره ذیل قبول شود

(۱) زر اعانت سه سال یا دو روپیه ماهوار — بقلب خالص و شرط توجه

(۲) من تواضع لله رفعه الله رسول نبی صلی الله علیه وسلم آنانکه در مال یا در جاه یا در علم یا در هوشیاری و بیدار مغزی یا در تعبد بزرگ اند ظاهری در مالی و توجهی که لایق ایشان باشد

اما باید که تکبر بجا و جوهر تقصر نمایند تواضع بی بیت افزاید

(۳) کسانی که باعث یا مصادف بیماری اند — مبلغی کریمانه — و مقدار مستطیع

ارباب استطاعت چون بخوشی زیاده دهند قبول کرده شود — زر اعانت سالانه و ماهوار

پیشگی اول هفته سال و اول ماه — زر اعانت این شق برای مصارف ولیلای ... — قانون علیحده ...

## اشتهار (۲)

وقت خرید کتاب تدبیر بدران خریدار شده و بخط مصنف کتابیده بگیرید — بالای دستخط خاتمه کتاب

هر کتاب که در آن دستخط مصنف متضمن معنی فروخت نباشد مال مسروقه است

## اشتهار (۳)

همه حقوق تصنیف و ترجمه کتاب تدبیر محفوظ داشته شده — حق شرح ... گذشت

قیمت کتاب تدبیر مخصوص برای اعانت مصنف است به بین اشتهار نمبر ۹

## اشتهار (۴)

تقریر به فرو ماندگی و جهالت مسلمانان بنگاله و ضرورت تدبیر آن — قیمت ... هر کتاب ...

## اشتهار (۵)

شرح کتاب تدبیر — مشتمل وجوه تدبیر و آن واقعات از احوال تجربات شخص و ... مشتمل ... تجویز این تدبیر باشد و کوائف و موثر ترکیب آن و دیگر فواید آن — قیمت ... هر کتاب ...

تا آنکه پانزده خریدار در جلد اول نشوند تصنیف نشود — مگر ... که یک یا دو شخص قیمت پانزده ...

## اشتهار (۶)

کتاب تدبیر ملک و اتحاد و ترقی آن — قیمت بعد شرکت برای عوام فی جلد ... و هر کتاب ...

این کتاب بلا امداد گی شرکت که حسب ذیل میخواهند طبع نشود — یعنی شرکت چند کسان که از آن

سی هزار روپیه و کدامی یکی از شکل ذیل موجود نشود — یعنی یک خریدار سی جلد یا چند خریدار جمله سی جلد فی ...

الف ...

## اشتهار (۷)

کتابچه مبارک

تاریخ تنزل اسلام - کتاب بسیار مفید برای هدایت اهل اسلام بسوی عروج و فلاح و امن - جابجا ذکر فوائد و ضرورت آن در این کتاب خصوص در دیباچه صفحه ۱۳ حاشیه ۳۵ - و تفصیل علوم قیمت کاغذ تعیین ما - چون سه خریدار در جداول شوند تصنیف شود

## اشتهار ۸

کتاب تدبیر دولت و جاه و ثروت - و انگهای آن - ذکر آن در دیباچه در حاشیه باشد - کتاب بسیار مفید برای طریقه دولتمندی - قیمت کتاب فی جلد ما - بعد آمادگی پنجاه خریداران طبع جلد آن تصنیف شده

## اشتهار ۹

قیمت کتابها تخمین برای پرورش خودت و بالیدگی و فراغ مصنف است - چون درخت بار آورد به پروند بار خوب و بد اقبالمند این را می تواند فهمید - و برای مصارف موجود داشتن ذرایع هنرمندی علوم

اگر پروانی درخت کرم برآن بار خوری لاجرم

## اشتهار ۱۰

کتابها که تصنیف آن مشروط به تعداد خریداران فهرست نسبت اطلاع شرکت تعداد آن میداده باشند چون تعداد مطلوب کامل شود اقدام کنم - چون اقدام کنم - نه بکنم صفت کتابهای مذکوره بالا و ضرورت و فواید آن در این کتاب در حاشی و متن بیان شده امید میکنم از جمله مذکوره بالا هر کتابی که به تصنیف آن اقدام کنم انشاء الله در عرصه دو ماه یا قریب آن از اطلاع آمادگی بطرز لایق موجود کنم - تا تکمیل آن منتظر ثانی و جلد سوم شود.

## اشتهار ۱۱

کتاب تدبیر متضمن تدبیر رفع ذلت محتاجی و جهالت مسلمانان و تفتیش فلاح ایشان و اصلاح تعلیم در کتاب - کاغذ مناسب ۸ - کاغذ بهتر

## اشتهار ۱۲

کتاب الفرام متضمن اجرا و شکل الفرام تدبیرهای مندرجه کتاب تدبیر ترکیبی که آسان باشد. قیمت کاغذ مناسب - کاغذ بهتر - آنانکه قیمت پیشگی دهند به کم و الفرام یابند قیمت پیشگی تا آخر ربیع الثانی گرفته شود - کتاب در ماه شعبان برات بیابند انشاء الله تعالی

## اشتهار ۱۳

کتاب مبارک - برای عمومی تعلیم حقایق اسلام - برای بستن مذهبها در اسلام - و از هر نوع علم

M.A.LIBRARY, A.M.U.
PE2825
۲۸۲۵

بسم الله الرحمن الرحیم

نیازمندیهای عاجزانه برای موجب هستی و بقای روح من و پشتی پشت من باد - او که
محض به نیرو و استعانت و چراغ افروزی او - این کتاب را بر نوشتم - احسان او را
من میدانم آنچه میدانم و سعید باشم اگر فراموش نکنم -
باید که بر حاجتهای من نظر داری که از هر طرح حاجتمند آفریده
این کتاب در حقیقت سعی ست بسوی حق و غرض او اصلاح جهانست برای
پیدا کردن [عمل صالح] در میان اهل اسلام نوشته شد
و بنظر دیگر کتابی ست متضمن شقی از فن سیاست و تدبیر که مقصود از آن جوی بالی
دولتمندی عوام خلق انفراداً و اجماعاً بوده است اندرین زمان سخنی که بر
اسلامیان ست تدبیری اندیشیدم تا افراد گروه را فراخی معاش و وسعت
و اصلاح خیال حاصل شود و همه گروه بقوت مجموعی از آفات ذلت و پریشانی
مامون شده متوجه کمال شوند

فایده بهری تدبیر
دولتمندی افراد کتاب
تدبیر دولت و جاه در
طریقه ابقای آن
... ها در
دست کما بیاید بیر ملک
تدبیر ابقای آن
به این نهایت ... غلط
تکمیل این کتاب
تدبیر مشترک برای ...
درست ...

و غرض من از تألیف این کتاب تکمیل انشاست آن چراغ [۱] خرد و فروغ بینش
که بلاشک مرسل حق است که گفت آنچه نیکو است مال نیکو برای مرد نیکو ]

تفسیر حدیث شریف نبی صلی الله علیه وسلم نعم المال الصالح للرجل الصالح

**ضرورت تصنیف**

ضرورت چنین تالیفی شریف برای هر کتب خانه در ممالک اسلام
می بینیم بلکه هم در مدرسه برای درس طالبان علم و هم در کاخ سلطنت و بزم سیاست
برای هدایت امیر و هم در خانقاه برای مطالعه فاضل عالم کار آمد است
و ازین کتاب مفید هیچ یکی از دانایان اسلام را شکیبائی نیست

**وسعت فواید**

هر چند که در ابتدا این کتاب تدبیر را برای افاده و دستگیری
اهالی وطن نوشته بودم امّا حقیقت اینست که برای تمام امت اسلام نوشته شد
تفصیل آنکه در هدایت و دلسوزی با عامه مسلمین هند بلکه با گروهی خاصه از ایشان

**سبب تصنیف**

در تحمل مشقت این تصنیف باعث شد و ازین جهت اندرین کتاب

---

[۱] تخصیص امت اسلام نه چنانست که برعایت اسلام نوشته شد و الّا برای طبیعت انسانی تدابیر من آنچنان
محکم اند و موافق ضرورتهای انسان اند که همه نوع انسان را از هر امم که باشند کافی اند و غلط
کرده ام که گفتم برعایت اسلام نوشته شد الحق نتیجه ام که رعایت کدامی است کرده باشم الّا حق و راستی قرآن را
ازان جهت داخل تعلیم داشته ام که در آن همه حق و راستی است من مضمون این کتاب را بمقابله حکمتهای
همه حکماء متقدمین و متاخرین که عبارت از حکماء هنود و یونان و فرنگ و اسلام باشند سنجیده ام کتابی
راست تر و بلند تر ازین در جهان ندیدم که آیات آن رانیح باشند و برین دلیل معنوی تائید قول پیغمبر صلی الله علیه وسلم
میشود که گفت علم است برای تفصیل همین دیباچه دوم کتاب مبارک . پس حق است که درین تعلیم رعایت راستی
کرده ام نه برای چه دانم رعایت باطل هر که باشد و هر چه باشد هیچ نفع نمیدهد بلکه نقصان می زاید بیش بدین همه

همهٔ ایشان مخاطب هستند و جابجا ذکر از وجوه تنزل و حوادث که متعلق ایشان بود کرده ام اما چونکه امید از ایشان کمتری میم و حق است چون کسی در مغاک و تباهیست افتاده باشد چنانکه مسلمین بنگاله اند و چون کسی در حالت فرو تر زندگی کند و ازان مواقع وسعت خیال و بینش حکمت از مشغولی بکارهای عظیم نباشند و اخبار ازان و فکر بر ذکایه بر طریقه قدرت در دل و روشنی نفگنند چنانکه مسلمین بنگاله و هند زندگی کنند و مشاغل روز مره کسی چون جمله بسته خیالات اسفل و خیالات شخصی و نفسانی و دنیاوی باشند دیده دل و بر فواید جمیت عمومی و بچنین امور که اندرین نامه بیان کردم بینا نمی تواند شد و نیز آنکه دل من شوق تمام میخواهد که نفعی ازین تحریر اسلامیان دور دست راجع شود و ایشان که زمام تدبیر سکون خود را بدست خود دارند زیاده لایق بدین هستند

و ایشان که بفضله تعالی گوهر و گنج و سپاه دارند شاید در دو مراد وای فرمایند

---

انسان را نافع است — اما مسلمان که مخاطب شدند ازین جهت است که ایشان زیاده تر محتاج نمایش شدند و در تعلیم مدرسه من داخل کردن غیر مسلم را هیچ عذر ندارم و زیاده بدان ایشان اعتقاد منظور من هستند که از مرکز بدیل سید ایشان نیز درست توجه من است عنقریب راجع میشوم

ش دفعتاً فوقتاً خیال او وسعت حاصل شد — الا در دیدهٔ اعضای خاندان از خیال آنکه آینده هر چه پیش آید دیده ایشان چه خواهد شد و اندیشه باز بری همسایگان واقربین دل بسوخت و هیچ سال امید بدم باز بر گمراهی عالمیان تأسف خوردم هیچ یکی غم دیگری نمیخورد — الا سعد و دو چند که هر یک ازیشان بطریقه خود چیزی کردند و کنند تا آنکه خود نظر وسیع توجه حکمتی به گمانم ولذت بهبادی کارها او زان بر گردیدم و اسباب آن نمودم مسلمانان را دیدم که بحیث تنگ هستند بلکه دیدم که بد اخلاق هستند و جاهل هستند (باقی از کتاب زوال و کارها مصنف به بینید) اندرین حالت این کتاب مبارک را نوشتم تا اصلاح تمدن و معاشرت و اخلاق ایشان شود زیرا چون نظر بعالم و وجوه انقلابات کاشتیم

ش۵ مسلمین هندآباد و بنگاله

ش۵ همین کتاب مبارک دیباچه اول و ندای شیعه بر نقطه کار صفحه ۱ کتاب

ش۵ همین نداء دوم مضمون تنزل مسلمانان و همین کتاب مبارک در فن حکمت اسلام

ش۵ دو مجموعه که هند ابن مسلمانان از آباد قرآن هم غلبه شدند و مخصوص عالی شوند از اداره زین نهضت انگلیسیه و اهالی فرنگ مشتی اند هیچ وزن نمی نهند

ش۵ همین نتایج بار و اندیشها دیگر ۱۲

برآرای آفتاب صبح امید — که در دست شب هجران اسیرم

وانکه

برومند باد آن همایون درخت — که در سایه او توان بر درخت

موقع استحسان این تدابیر کسی داند که مثل مصنف گرفتار پنجه الم باشد و در میدان ... در مرابطه و مجاهده و مکاشفه مشق محنت و لاغری کرده باشد و حکمت نافع را از ... روزگار اندوخته

مگر آتش ست این دل سوخته — که از خانه خود در آن شد افروخته

افسوس که کارخانه تمدن اسلامیان با وجود هزاران معارف که نبی ایشان بدان وصیت کرده بود و با وجودیکه امثله نیکی و بدی در جهان بسیار موجود هستند آنچنان تنزل گشته که ازین حالت پناه بخدا می بریم — خلاصه احوال تمدن اسلامیان این زمان آنکه فضیلت از امارت جدا گشته و امارت از فضیلت جدا گشته و جهالت و تعصب را فضیلت نام نهاده اند و نفس پرستی و تکبر را موسوم با امارت کرده اند

الحال این کتاب را در تمام هندوستان بلکه در تمام جهان شایع میکنم با امید آنکه امت اسلام یا آنانکه متکفل فلاح این امت هستند تدبیر مصنف را پذیرا شوند و بصر حتی در اصلاح در آیند تا در حقیقت خانه خود را آباد و دولت را زاینده و نسوان را

توجه کرده درستی اخلاق ذریعه دولتمندی و هوشیاری و اصلاح است با اسباب چند چون شیوع آن ملحوظ بود

در شاهی آن برای تحریک خیالات و بیان عده با حالی قریه این کتاب را نوشتم

(حاشیه)

۱۱ از سهو مستلذات جسم خوردن و دل گرفتن ... از اقارب و از جاه دنیا ... احوال و کارها و مصائب مصنف

۱۱ مضمون اشتمالات

۱۲ تنزل و کارها ... و انقلاب دنیا ... و دل مغموم شود ... حالات باهمی اکثر و ... اند و دل ... دوم حفاظت حدود ... از مصائب خارجی ... نه بیند ۱۳

... احوال و نمونه های ... کارهای مصنف ... تشریح کتاب تدبیر ... بر مضمون تنزل (الی)

۱۴ دیباچه کتاب مبارک دیباچه کتاب احوال ... مصنف افراد اجزای خاندان اند — و خاندان اجزای قریه و شهر هرجا که خاندان درست باشند شهر و تمدن آنجا ... باشند

(۵) هذا دیباچه ثانی فواید اصلاح و اختلاف در دیگر دیباچه صفحه (۰)

حکیم مبارک و شهر و مامون و اولاد را دولتی کامل و همسایه را صالح و رحیم و در
ولایت را قوی و آباد و خود و مسکن را مستحکم کرده باشند و از دفع شهر و بلایای
و محتاجی هر آینه بر جمله امت اهل اسلام رحم میکنند و باشند که مستحق شفاعت
رسول الله صلی الله علیه وسلم میشوند

**کلام در استحکام و بالیدگی تدبیر**

تدبیرهای مندرج کتاب هذا اگرچه بنظر سرسری بتحقیقت
نمایند الفاظ مستعمله در آن الفاظ روزمره اند - اما وسعت
و نفاذ و استحکام تدابیر بعد غور و تامل بسیار برای روشن ضمیر روشن دماغ صاحب تدبیر
هویدا خواهد شد و هر که برای زمانی امثال این تدابیر را آزمایش کند یا بر امثال آن ثابت
یا امثال این زمانی نظر افگند هر آینه استحکام و قابلیت بالیدگی آنرا در می تواند یافت
هر چند که همه تدابیر مثبته این کتاب دور هستند و تدبیرهای دیگر باید که کسان را قیمتاً

(۱) برای تفصیل شرح کتاب تدبیر

(۱) کسی هر چند که دانا باشد باید که این کتاب را مستغنا بخواند - اگرچه عبارت و الفاظ سلیس آمده - اما محض
لغت دان این همه را در آن نتواند کرد - اگر نظر وسیع بر ترقیات و تنزل امم و بر تواریخ دانشمند قدیم
مثل ایران و روم و یونان - در سیاست ملک و حکمت مدن - و در حکمت امور انسانی خصوص بر علوم قرآنی
دانشان نهانی و باستانی داشته باشد قبول خواهد کرد
اگرچه حوالی بنظر دوم ملاحظه کردم هنوز ضبط عبارت بطور کامل نیافتم - اما هیچ اگر کدامی لفظ یا کدامی جمله
زین کتاب بیکار نیستند
لفظی را نیافته ام که تبدیل حالتی بوزن اوج و حضیض نکند در تکمیل تدبیرها در تبدیل طرز کاری مضمونی نیافته ام که بی منفعتی
خاص باشند و کدامی منفعت خاص را مرکوز و منظور نکردم تا آنکه عبارت آن کامل نیافتم و در سنجیدن کمال و نقص کاری یا وسعت
و تنگی منفعتی زمانی را بکار آوردم که بعض آن کار سالها سال در نظر امتحان بود که برای تصنیف این کتاب بود بلکه از
طبیعت فکر که از عنایت خدا یافته بود هر چه که باشد میدارم دانا قدر شناس باید که سرسری نخواند کتابی با اثر از

باشند و مخصوص هر گروه و هر مقام و هر زمان باشند تا کار تمام شود اما اهم التدابیر
هستند چنانکه آن تدابیر خاص بذریعه این منکشف شوند و اینجا است که این تدابیر را
تعمیم و استحکام و وسعت مکانی و زمانی حاصل گشته حتی که برای تمام هندوستان
بلکه برای خارج ولایات کافی می پنداریم و تا ابد الدهور ترمیم قلیل با بر آورند باشند
والحمد لله با وجود تعمیم آنقدر دور نیستند که از فایده بخشیدن وابستن جز احتیاط قاصر
یعنی مراد آنکه اگرچه تدابیر تا اینجا ختم نمیشود بلکه این هدایت محنت روز افزون است
و تدابیر دیگر در جا ضروری باشند. اما آن همه لغیر اند ازین مقام منکشف نشوند و بی آن
نجاح و کامیابی نمیتوانند یافت - پس همچنیکه درین کتاب نوشتم در اصل بنیاد ترقیات و صلاح است

(ع) پای پیش آمدست و پس دیوار

ظاهر است که وقت تدابیر مقصود بر ظاهر الفاظ نیست که مثل عوام
و مدارس و خوانق و مطابع و مجالس و مکاتب در آن ذکر یافته اند

**سخن بر هوشیاری در فهم تدبیر**

همانا هر کسی را ازین الفاظ بسیار یاد باشند بلکه و تفتیش مقصود بر مقاصد معاشرتی و
سیاستی و تعلیمی است که همه مذکوره بالا را محض ذریعه احیاء و اکتشاف و اعلان آن میگیرند

شماره پنجم بیان تدابیر / تو اید جدیده پیش / تدابیر ایضاح و تدابیر تمهید

وله تدابیر ایضا / تدابیر تدابیر دیباچه / (۲ شده)

---

در طبیعت انسان بر آمده - و این را جای ضعیف ادیبان و دانان و علما بزرگترین انسان شد و نفع آن برای عصر خود هم
که مملو از مشکلات است چه گویم که هیچ یکی مصنف سیاستی بر تر از آن نگوید بلکه بوجوه مشکلات چند نصف این هم نگوید بزرگ
بحمدالله من دانستم فرنگ را - و من دانستم اسلام را - من دانستم عالم را - کسی اگر درین امور نا کامل است بمقابله مصنف کامل
آن بیان که تحسین ادراک و ترقی عظیم کار است ترکیب اجزای التعلیم زیاده تر محل دانش است درین جا آن مشکلات را
رفع کردم که از کدامی قدر تدبیر ممکن شود از فرنگ چیزی آوردم که گوهر بود و گذاشتم آنچه که زهر است
و لطرزی آوردم که کسی از گروه نباشد از اسلامیان بر آوردم آنکه بلند بود و گذاشتم آنچه پست بود والحمد لله سبحان الله والحمد لله

این همه مقدار کرده ام تمّه

ونیز آنکه منفعت جزیل این تدابیر بکمال مقصود در تذکرهی یکی بنا از جمله ابنیه مذکور بالا

پیدا نمیشود بلکه منوط بترکیب آن همه است بطوری که درین کتاب مندرج داده ام

و همین ترکیب باندازه که مخصوص است و موافق مطلوب و مقصود خواهد بود زیاده تر

محل غور ارباب فهم و کیاست است

جسد تدابیر هیچکاره است روحی باید که از انتخاب مردراست دل و دانا درین تدابیر

درو مثل نا حرکت کند

صفحه ۱۰

علوم درکسونگری بزبان فارسی

این امر قدری شرح طلب است که چون این نامه را برای

افاده هندوستان نوشته بودم الحال که فارسی را از هندوستان

دور کرده اند چرا بزبان اردو بلکه بزبان های فرنگ تر ازان عرایس معانی را کسوت گری

نکردم اگر منفعت اشاعت مضامین بعوام اسلامیان و جهلا لحاظ کرده شود الحق

همین طریقه بایستی گرفتن اما چون تعمیق بر احوال زبان میکنم متیقن نمیشود

که این منفعت در حقیقت اصلی داشته باشد ـ جهلای مسلمانان و عوام ایشان

آنقدر از دانش متعذر هستند که از ایشان هیچ امید نمیتوان داشت الا بتوسط گروهی

که بزمره علما محسوب میشوند و در امور مصالح عوام بدیشان رجوع میکنند برای مخاطبت

این گروه اگر زبان فارسی را توسط بگیرم جفا نکرده باشم ـ والبته گروهی دیگر هستند

که اگر از علما نباشند در مصالح فهم دارند ایشان از فارسی بی بهره هستند

علاوه فهمنده را
علاوه طبیعت سالم
غیور و لیاقت فهم
لغات کم از کم در
کتابهای ذیل
نظر باید شد
اخلاق محسنی
خصوصاً ابواب
عدل علوی همت
عزم جد و جهد
اخلاق جلالی
خصوص وصایای
ارسطو با سکندر
اخلاق ناصری
مقدمه و مقاله
اول و سیوم
تقدیرات هند
تاریخ انگلستان
تاریخ یونان
تفهیم درجنایات
و معاملات رشوه
سوره بنی اسرائیل
تاریخ طبری جلد
رابع تاریخ روضة الصفا
مقدمه و جلد آخر
بوستان باب اول
آیین اکبری اعراق
ابتدای حدیث
شریفه باب استحباب الایال
باب حدود

معهذا چون در بهت شنوائی و قدردانی و خواهشگری خواهد شد در دیگر
زبان هم مترجم خواهم ساخت

فوائد فارسی

همین که درینجا در تحسین زبان فارسی باز کردم با بیان وقعت اردو فوائد فارسی را هم اندرینجا مناسب میدانم زیرا چه در تکمیل تدابیر تعلیم اکثر فنون و علوم را همین ذریعه قرار داده ام

از زبان اردو آن قدر منضبط نیست که در هر جا برابر باشد علاوه این نقص نقص دیگر که عظیم است است که درین زمان در زبان اردو آنقدر معارف و معانی و تصنیفات نگشته اند که از تعلیم آن کسی را دانا دل و روشن دماغی نصیب شود و طبیعت را رغبت بر محامد و محاسن پیدا شود و فارسی زبانی است که در آن صاحب دلان

(۲۱) درین کتاب که گفتم فارسی ذریعه تعلیم باشد میدانم که در آن خصوص بعضی کسان اعتراض خواهند کرد که این کاری و تحریکی باشد که خلاف جمله اهم سکنای هندوستان و خلاف مسالک جهانبانی سلطنت انگریزی واقع میشود و نتیجه برد به بازه کردن آنچه فراموش شده تحریک بیجا باشد ـ و آمری ناجمود ـ اما مطلبی اعتراض بیهوده است زبانی است مسلمان گاهی فارسی فراموش نکردند بوجه ترک آن بالکل ترک امور کار کردند ـ و این زبانی است که بوجه علوم خود ما که در آن زبان دارند مدان اند ضرورتا دارند و هنوز کمال بخشته بدین زبان میدانند پس اگر کسی احیاء این زبان را معترض شود در حقیقت خلل در تعلیم مسلمانان می اندازد لااشک تعلیم ایشان بجز این طور دیگر ممکن نیست علاوه بر آن چو دلی که طبیعت متعلم را بذریعه فارسی در تصانیف با بهره حکما و صاحبدلان که بدان خیالات عالی را قلمبند کرده اند ممکن است بعد از انگریزی بهیچ زبان دیگر غیر عربی ممکن نیست و بهترین تبدیل و ترمیم خیالات این را بذریعه بیان ترقیات میتوان کرد که انگلستان را باشد و علاوه مساعی ما را بذریعه فارسی
در صحت حاصل شود که بعضی جهان از مستفید میشوند
یا قیاس سخن دیگر مقابله عربی فارسی را منتخب کردم جواب اینکه مسلمانان هندوستان بفارسی زیاده تر مناسبت میدارند و در تعلیم عربی را شروع نکرده ام

تمته
جامع مستقلقات والد
علی الخلاق با ایقظم
تاریخ بنگاله
سیر المتاخرین
ضابطه فوجداری
تاریخ هند در زبان انگریزی و ترقیات
تاریخ نادری
ذخیره وغیره
در پنج و سال
تفکر و مطالعه
کسی از اخبار
اخبار انجمن پنجاب
... گزیده مفید
... کی گردد
اخبار قسطنطنیه
... روم
... کتابه
اعتراض نوشته خواهد شد

(۲۲) ما مقتدا چون دانا باشند کشتی را بحفاظت به لنگرگاه می برد به شکل اجرای تدبیر

بسیار خیالات خود را قلمبند کرده اند که سالها باید که چنو در پنجاب پیدا شوند۲۲ — وجود و لطافت فارسی بیش از بیان است هر قسم خیالات در آن ادا میتوان کرد هم قوت تکلم در آن بیش است و هم شیرین است و فصیح است که بر طبیعت اثر نیک میگذارد

برتر از همه اغراض آنچه مرا بر اختیار کردن این زبان باعث شد آن نظر وسیع بر درستی حالت اسلامیان بود — ظاهر است هر چند که مسلمانان در اکناف عالم بزبان های مختلف گویا هستند اما هر که خواهد که با همه ایشان مکالمه کند باید که زبان فارسی و عربی را برگزیند

اما ببینیم تا برای وسیع فوائد هندوستان این تعلیم چه بکار خواهد کرد در آن خصوص ببینیم که چون هندوستان از علوم مالامال خواهد شد بالضرورت برای عوام کتاب در زبان های هند مهیا خواهند شد و آنگاه آن فایده دیگر هم حاصل خواهد شد و طریقه تعلیم چنانست که کسان از آن نه متعصب فرهنگ تنگ نظر شوند بلکه واسع و دانا و رحیم شوند به بین تفصیل علوم در وسط کتاب

**اشارات در انصرام تدبیر**

اگر چه مدبر تدبیر بهترین منصرم آن شود۲۳ اما هر دانا دل می تواند که بمقدار آن رسیده بشکلی که مفید مخصوص مقام ها باشد انصرام بدهد — فی المثل اگر بنظر انصرام ولایت مسکونه اسلامیان از خطه های مخصوص باعتبار خارق حدود قدرتی و زبانی و ملکی و طبیعت بعض تقسیم کنند و در آن خطه همگنان اتفاق کرده برای آن انجمنه و جوامع مدارس و مجالس مجوزه را ترکیب دهند و عمارتگری فرمایند و بذریعه آن همان مقاصد

۲۲ کدام نسل فردوسی تواند بود که دل را فراخ کند کدام نسل سعدیست که مصلحت و پند میآموزاند کدام نسل نظامی که بگفتن بوستان وسعت را بلند و مستقیم کند کدام نسل جامی که در دل کرمهٔ محبت کدام نسل جلال الدین رومی که خیال فارسی را پاک نزد اید که محبت پاکی در دل قدم رساند کدام امام احمد غزالی را از کجا آریم مولانا و اعظم از کجا شبلی را از کجا آریم تعلیم انگریزان محض با شد اوشان دان قدیم یونانی و لاتینی را نه گذاریم

۲۳ کتاب انصرام خاص برای انصرام تدابیر نوشتم

اصلی سیاسی و علمی را علت غائی شمرند و بالای همه جا آلی را (بوجهی از وجوه
مصالح فی المثل اعتدال و قوت هوا) صدر مقرر کنند - خیلی محو میشوند
و بالآخر اگر گاهی نظری سوی راقم میکنند من از ایشان دور نیستم [24]

**سخن در تنزل امت اسلام**

اما ماده تنزل و فرو ماندگی و عجز و محتاجی و ضعف و ناکامی و جهالت
و نادانی و ذلت و ناکسی و حسرت و مجبوری و تقلید و افسردگی
و ضلالت و بطالت و بیخبری و بی سامانی مسلمانان درین کتاب فرض کرده
شده است تفصیل حقیقت این امر آنچه متعلق بنگاله بود و بطوریکه در خیال اهالی آن
ولایت شاداب - (وافسوس میکنم که اهالی ولایت شاداب بنده خواب و خور
و دون همت و کم اصفت باشند و از دلایل آنکه قطرا و تعالی هم بر محل جا نیست آنکه متنعم
آسودگان را همت پست میکند و همت پست بلا را بر سر آرد و صاحب آن بسوی
پستی گراید) - میتوانست گنجید در تقریر علیحده [25] که سابق تحریر نموده بود درج کرده ام
و چون از بنگاله بیرون آمده بودم قریب قریب همان حال این گروه
هرجا [26] در مغرب و شمال هند ملاحظه کردم آن مقام که مرکز سلطنت اسلامیان بوده
همچنین در وسط هند دیدم و چون از دیگر اکناف هند خبری بر گرفتم و مردمان آنجا را
بنظر دیدم و سنجیدم در حالت معاشرتی و مدنی همه ایشان چندان فرق نیافتم
در خیالیکه بلندی آرد در هیچ یکی از ایشان نیافتم (الا بندرت)
و بعد از آن که نظر بر احوال ایشان در خارج هند برگماشتم و سنجیدم بوجوه کافی

[24] ایما برای نشان دادن به بعض تحریرات در صفحه ۶۲ و ۶۴ و شغل در اداره در مغرب و شمال هند سابق به بعض استفهام کنید در خارج کتاب و به کتاب تدبیر

[25] به بعض استفهامات در خارج کتاب به کتاب تدبیر

[26] مسلمانان مغرب و شمال هند به نسبت مسلمان بنگاله همت قوی دارند اما اخلاق زیاده ستند و ایرانیان از مسلمانان هند فرصت زیاده دارند و از اکثر جمیع امم مسلمان ترجیح دارند

۵۲۲ بنا دیباچه ها مشتمل به تنزل هیئت وسط کتاب آیضاحات تدابیر وتفصیل تدابیر دعوا بی برجن همه و تشکیل اجرای تدابیر اعلی مقاصد در این کتاب

که مشتمل بر ادراک کیفیت عروج ملکی وکیفیت تمدن وکیفیت قوت فوجی وعلوم
سیاست وعمارتگری ومهندسی وکیفیت اخلاق وعلمی سکنای آنجا وسعت
خیالات علمای آنجا وکیفیت آبادانی وارتفاع ولایت بود که همه آن از شواهد
روابط ایشان با دیگر اهم واز ملاقات کسان آن دیار واخبار تعقب ایشان در
عالم بیان سیاحان انکشاف پذیرفت — می پندارم که دیگر دیارهای اسلام
نیز حالتی فوقیت وفراخ وبلند حاصل نیست واحوال عوام خلایق آنجا با وجود
نعمت استقلال وآزادی شاید رفاه وآرام نیست — صفت انتصار حقوق
وهمدردی واداء فرایض ولیاقت جهانبانی که عظیم ترین صفات اند در
کمتر از پادشاهان اسلام وارباب عمل ایشان دیده میشود واکثری از ایشان غافل
وعشرت ونفس پرست هستند ودر معلومات حفاظت وافزایش ملک کمتر هستند وتوانند
قدر شناسی ارباب حکمت را گاهی موازنه نکرده اند مختصر کلام بحسب تمام درد
با دل پر درد محض باظهار حق بگوییم که دانای وسیع لایق گرامی کردن ملک اند
وکسانیکه این چنین لیاقت دارند کمتر هستند — وکار ملک آنچنانکه از کمتر کس انجام
نیابد هم از یک یا دو کس بلند کار انجام نیابد

۵۲۳ همین خبر اکتساب اعلی مقاصد

نشاید به یکتن جهان داشتن همه عالم از خود نگهداشتن
چو قسمت خوابرا گشتی بنام توریش بدان قسمت افتاده بی نام خویش

۵۲۴ درد پیست درین سینه که گفتن نتوانم وآن طرفه که آن نیز نهفتن نتوانم
درین سخن معذور دارد وبزرگان این مضمون را بزرگی علمی وبه نعلی که نامحمود داشت محمول نفرمایند بلکه بسکه پست همت تغیر تنگی اند

اما عوام مخلوق طایفه اسلامیان هرجا که باشند در حالت تباه دیده میشوند

الحق چون بادشاهان و سرداران و فضلای این نکبت زدگان چنین باشند ایشان را مقامی بهتر نتواند بود - و در چین و در روس اینل و اهون جمله شهرها این مسلمانان اند و در هند و در بنگاله اگرچه دست تطاول بر ایشان دراز نیست

حالت اسلامیان بنگاله و هند

ایشان را حالتی بهتر از ان دیده نمیشود بلکه از تعاون ایشان حالت ایشان بدتر است زیرا چه آنان را گاهی ترقی نبوده و ایشان را قدم سوی تنزل بوده است - همه ادبار زده و مجهول و منکوب هستند - از فاقه و رنجوری و ناداری اکثر خاندانها ناشاد است[۱] - از نادانی تمامی ایشان در رنج محرومی دیده میشوند و ایشان که سابق دولتی بودند[۲] از اسراف و معاصی دولت ایشان رو بزوال آورده افسوس که از اکثری بجز از عمارات از پا در آمده نشان نمیدهند

ایه - پس ایشان بر گفتگو باید رساند که گان تنگی ایشان در ... نبوده سلام ... ایشان را به سند

---

رخصت باید که آنچه است نباید بگویند - اگر نه گفته شود هیچ گاه هیچ یکی از ایشان از ضرر راست لوی ایمن نشود - غور کن بر آیه "ام حسب الذین یعملون السیات ان یسبقونا" سوره عنکبوت قانون خدا گاهی تبدیل نمیشود - (ولن تجد لسنة الله تحویلا) بر جناب آنکه مابوی انچه بهی آید دگرانیم - هرکه چنین راه باید او را دوست داریم - بهتر دوست آنکس ناداشت که گوید فلان خار در راه تست - و این که منکلم بر شماره باید (وجادلهم بالتی هی احسن) تکلم کار

[۱] هیچ دلیل ذلت و گرامی این قوم بیش از این نیست که گدایان درین قوم بیشتر یافته میشوند نظر بعهای ناشایسته هم بسیار اند و در هند هرچند که گدایان از اهل اسلام بیش از هنود اند زیاده تر محل تاسف آنکه کاسب بپیشهای بدعملی و بداخلاقی درین بیت زیاده هستند این محض از عنایات پادشاهان خام کار سلف و امرای نافهمیده آمده است که گرد و چه یافتند! از نسبت گدایان متعلقان سلطنت بود است که غلط فهمی آیات انفاق عمل معکوس بنا کرده و از افعال ظلم و زیادات اعیان بی عقلی و اسراف و جور بر خاست باید که در سوال بقانون های منظمه تنگی کنند تا امتناع نشود و چه از گدایان در هند بیشتر کسان بیجذبات ذلیل بوده اند و اندکی خدمات محقر میدارند هر جاکه دارند و -

[۲] و ایشان را توجه بر درستگی حالت نباشد نه فواید ان دانند - دار اگر چه ان دارند فواید مال صالح نداشته اند - چون بر بنیان که خدمات محقر دارند که جهان درین هند نسب اند و اهل کسان خوانده شوند - گفته شود سعی

۵۳۲ معهذا از بد اخلاقی که دارند در ابتدا و ضرریکی با دیگری کوتاهی نورزند

حریف سفله در پایان مستی ز اندیشد ز روز تنگدستی ۵۳۳

۵۳۴

بیان مجملی از اسباب تنزل

و بدترین حالت آنکه فضلا را درین امر هیچ توجه نیست و چشم بصیر ایشان همه کور گشته و هیچ فکر در وسیع اصلاح تمدن نمیکنند وجه آن بجز ازین نمی پندارم که در معلومات عامه و ضروری نوع انسان بسیار کمتر هستند از آنکه در تاریخ درس میگیرند تا نتیجه امور انسانی دریافته باشند و فن سیاست نمی آموزند تا در اصلاح بین الناس بکوشند و در چار سوی عالم سفر نمیکنند و واقعات انقلابات را نمیشنوند تا بر نتایج انقلابات دیده دل ایشان بکشاید ۵۳۶

هرچند که اندرین تحریر علما متهم گشته اند اما وجه آن بالاخر راجع بسلطنت میشود از انجا که شنوائی از عام رعایا نمیکنند تا بر مصالح خود ها بحث کرده باشند ۵۳۷

۵۳۲ بسوی ترقی کنند گویند برای ما در آخرت بهشت است دنیا برای کافر است ۱۲ معهذا مال بهر طریقه که بدست آید بر رشوت و دغا و بجا ستانی و خیانت و مظالم بر زیردستان و بر رعایا (از ان ازایشان که دنیات دارند) هیچ فرو نگذارند و گر فتن بحیله و مرافعه کاذب را عیب نشمرند و بجرام بیازند و باسراف و تجملات و کینه پروری و نخوت در بحث خلق خدا با اقارب صرف کنند و یکی بر دیگری تفوق جویند — و شرم ندارند چون بجا که ماخوذ شوند مدعای مخصوص که از اعلیات خوانند مصروف شوند و مسجد نشینان را باجرت گیرند تا در بارگاه ایزدی سفارش کنند — و تسبیح گویان آنگاه بلاتامل نمایند و کار خود بکنند و از خدا نترسند — دنیا دنیا ماست و دین ما دین ما چیز لیست و دنیای ما چیزی دیگر است — و خدای دنیا دیگر است — و خدای دین دیگر است — لا اله الا الله مخصوص برای تکلم زبان یافته ۱۲

۵۳۶ یعنی که در تعلیم نشان هیچ بلندی و دست نیست — ذ سبب این کتاب برفع بهره حالت را یعنی حالت امرا و حال فضلا را شامل است و ببینید نیل گلوم ۸۴ — ۵۳۰ بذا مسعود نشی بذا الفصل صفات تدبیر

مرد بلند طبعیت راست نفس را اگر امرا و سلاطین خواهند تواضع و تحمل اقتدار کنند — بلند طبیعت گاهی تحمل اتحقاد نشوند دنیا بگیری

۵۳۲ بهبودی برای آدنی مقام — کتاب اول ۱۰

باکی ازین است — کتاب مبارک — تقریرین مکمله — و خیان نوشته شده — کرکسان نمیتوانی بلکه گرد — بند بسوی اصلاح زند

۵۳۳ مرد عاقبت بین — دانش سعادت که بند بدست

۵۳۴ اگر بر اسباب تنزل — اهل اسلام کتاب — جداگانه نوشته شود و زود — از مدت مذکور خاطر است — بسیار نافع خواهد بود — تا بر علمای اسلام شود — از چشم بصیرت باید در برعلاج — بد و واقع شود و بر بینا — انتشار یابد بر کامله — ز تنگی

۵۳۵ برای صفحات ۲۵۶۷ و ۵۰۹ دو نسخی در آن صفحات

ونمیدانند چگونه از رعایا اساس ملک را قوی میتوان کرد و فضلا را بمقام لایق از عمل ولایت جا ندهند تا کار درست گردد و کسان را شوق براستی و کسب معارف زیاده گردد ۱۳۶

و جملهٔ ستم اند بدین وجه که بفواید اصلاح عالم کمتر غور فرموده اند ولایات معبوضه این گروه روز بروز در حیطهٔ تصرف دیگران در می آید و اساس و بنیان قوت آنها روز بروز خلل پذیر میشود و آنچه زیاده تر تاسف می آرد آنست که نداند که چگونه استحکام آن توان کرد ۱۳۷

لبریز برند از این جهت است که بهترین کسان همیشه از سلاطین جدا بوده اند ببین این شعرا چگونه در کتاب فضلا جای یافته بودند قرب سلاطین ایشان نیز از آن آتش لبان آب بگریزد — حاجی و آگر شده روزگار گویند این است بهاء گفت آنکه ما و این سعدی شنا تا آنکه این چنین معانی را در دماغ رعایا جا دهند چه صلاح و چه ترقی ملک خواهند و در آن است که فضلای ایشان نگذرند این چنین بند مجبور شوند چه خیر و چه بلندی آید بین جا فقط یک اشاره نوشتم در تاریخ تنزل و در کتاب سیاست و در کتاب احوال هند و سیاست مصنف — سوم تعلیم که در میان روسا و امرای مسلمانان است محض تا زیبائت و عجب جاه خلاف اسلام و خلاف حکمت دانسته اند و چون خلاف ذاتی فطری آید نقصانها زاید — آیه کریمه — ام حسب الذین یعملون السیئات ان یسبقونا بندا دیباچه صفحه ۱۵ و دیباچه اختلاف گروهها بند اکتاب صفحه ۳۰ حاشیه و صفحه ۱۵ اجرا تدبیر و صفحه ۱۳۸ قانون نظم خوب نهند ۱۳۹ تاریخ انگلستان آیه کریمه ( من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ) برای این چنین مقام از حکمت مدن و علم سیاست ثابت میشود — و فرموده ( لئن شکرتم لازیدنکم ) به ببینید طریقه تشکر و در تمیز نبیا مصطفوی جهت اخلاق محسنی — و ببینید معنی آیه ( رفع بعضکم فوق بعض لیبلوکم ایکم احسن عملا ) چیست به ببینید حدیث نبوی برای نفر کسان در عمل عمومی جهت بند ا دیباچه اختلاف گروهها ایضا جات تدبیر ۱۴۰ در سنه پانزده صد عیسوی اندلس که ولایتی وسیع از فرنگ است ( اسپین ) و درین زمان سلطنت علیحده دارد از قبضه مسلمان بیرون رفت و از آنجا مسلمانان بمناصل شدند — سابق از آن جزیره وسیع صقلیه بعضی زمین ایطالیه از فرنگ از قبضه ایشان بیرون رفته بود — و قبل از ین واقعه فرانس که مفتوح شده بود هم بیرون رفته بود — این اول ظهور تنزل بعد صد سال واقع شد — اما در زمان قریب از آنا عرصه قلیل بگذرد که غرجستان

اگر مندگیری یکی باد تنم جهانی نو گرند که گویند مسعود بانداز حیم گفتند ببین زیر داخل سیاست سعی ( عدالت ) بدهد کتاب مبارک چه سرانه السعد باس بالعدل و الاحسان در کتاب مسلک سیاست و تدبیر ملک این تنزل بحث دراز است در کتاب تهذیبه و تمدن فرنگ این را جای عظیم است و در سنه تنزل مسلمانان اهم جا خواهید داشت به بعض اشتهارها در خارج

قسم تدبیر

اندرین حالت هیچ تدبیری بجز آن نافع نه پندارم که درین کتاب درج دادم
این بنای کاخی است مستحکم که تا مدت دور افلاک زیان نه بیند و هر که خواهد تواند
که در پناه آن در آید — زیرا که چه تتبع راستی را کردم — همان که نوشتم علاجی است شافی
و درمان کافی مر این حالت را که می بینم بلکه برتر از آن می برد

ظاهر است که شرافت انسانی بر همه مخلوق از عقل است که باو عطا کرده اند و همچنان و را بر دیگر مخلوق
غلبه داده همین ماده است که بتصرف آن ایشان را مسخر کرده و بزور دستی بتوزان
انواع نعمتها را برای خود پیدا کرده و جمع ساخته پس ضرور باشد که هر کرا از انسان
این ماده عقل بیش باشد بر دیگران از نوع خود غالب آید و نعمتها زیاده از دیگران
برای خود موجود کند او شریف تر از همه ایشان باشد — تا آنکه معانی در دماغ
جا نه گزیند علو انسانیت حاصل نشود و معانی پیدا نشود الا بعلوم متنوع
و هر گروهی که در ایشان کسان بر معانی بیشتر باشند و آن معانی را
بکار آرند آن گروه از گروهاے دیگر فایق باشند و کارهاے ایشان را
دیگران زیاده تر روان نشوند

باشاره آن طبیعت انسانی که معنی در دماغ انسان را دلالت فعل میکند
و از قسم معانی قسم فعل بیخیزد تدابیر این کتاب ترکیب یافتند و موجود شدند

و خلاصه تدبیر در مختصر الفاظ درستگی تعلیم در مکاتب اسلامیه است — و
توزیع آن در امت اسلام — و بدان ذریعه رهنمائی به منفعتها

(حاشیه:)
نا تعلیم نو نقد شده فی القلب – عجائب
جناکه در دیگر زبان و دائم تنگ است
بذا انقباضات تدبیر ۱۰ – ۹
بذا تعلیم دوم فوائد تدبیر ۶۲ – ۵۹
بذا تعلیم سوم فوائد تدبیر ۶۴ – ۶۷
بذا اصول درس ۳۴
بذا تفصیل علوم جدید نسبت فوائد علوم ۳۹ – ۳۵

**کتاب در سیاست مدن و نظم و نسق ملک**

ظاهر است که ممالک مسکون اسلامیان را درین روز بدو قسمه تقسیم میتوان کرد آنچه که مسکون ایشانست اما سیاست آن بدست کسانی دیگر رفته که در ملت اسلام نیستند چنانکه ولایات هند و چند جای دیگر درین زمان است برای چنین ولایات تدبیر همین کتاب کافی است و قسمه دیگر که مسکون اسلامیان و سیاست آن بدست اختیار خود ایشان است ایشان را اگر چه این کتاب گزیر نیست لیکن کتابی دیگری میباید در فن تدبیر ملک و جهانبانی رموز و حکمت آن فن آنچه که از خوض حکیمان انکشاف یافته و در عمل نافع بوده است بشرط شمول جمیت ایزدی و حصول وفاق در عرصه قلیل تصنیف میکنم

۲۴۵ و بعد از آن قلم را باز گیرم و رنج خود را الم کنم تا آنکه ارادتی درین همت بینم

۲۴۶ حالت درد انگیز و آنچه از آن مایوسی رو میدهد آنست که فی الحال هر خیالات امت اسلام و وفاق نیست خیالات ایشان صراط راستی بسیار متفرق گشته اند و هر یکی را میلی بجانبی است و هر یکی را حسب خیال خود و علم خود بجید امور منحصر نداشته اند و بدان مشغولی دارند

فواید اصلاح و اتفاق نه در روی ... دو جه مایوسی که ... اند ... [illegible]

از سرحد شمالی ایران بقبضه روس در آمد — عنقریب در حرب قریم قطعات ارض از سواحل بحر الاسود بقبضه ذیل و قاف و بغداد (یعنی دانیه) از قبضه مسلمانان بیرون رفته — هند که ولایتی وسیع است بقبضه انگریزان در آمد — و الجزایر که ولایتی وسیع مغرب مصر واقع است بقبضه فرانس در آمد — کاشغر ولایتی وسیع در سرحد چین بدست چینیان در آمد و مسلمانان مستاصل شدند و بالاخر سمرقند و بخارا و خوارزم بدست روسیان در آمد و باز سالی نگذشت یعنی این کتاب (که دیباچه اش می نویسم ختم شده بود که قریب دو ثلث از قلمرو سلطان روم در فرنگ از دست حضرت سلطان بیرون شدند و مسلمانان مستاصل شدند و مظالم از آن دیدند (باقی در حاشیه

۲۴۳ از قریب سمرقند کاشغر یعنی خطا و ختن و ترکستان توقان قریم روس

۲۴۴ نسخه کلیله و دمنه موافق کار نیست و علاوه آن در سنه عالمی می آرد این کتاب موافق آن زمان بود که پادشاهان بزرگان جنگ میکردند موافق آن زمان حیات بود بعد ظهور اسلام تاریخ و تیشه از موزگار ان مکاری و جنگ نظری در شیب

یعنی بالفاظ قرآن تعبیر چنین میشود (کانوا شیعاً) متفرق گشته اند
حالانکه پیغمبر را نمی دانند که مجمع خوبیها بود و صلاح او حاصل صلاح جمله قوی
انسانی بود و در جمله کارها دخل میداد و بدین خصوصیت که آنچه عظیم ترین و
انفع ترین واهم ترین کار بود یعنی "اصلاح بین الناس" را ان اکثر اوقات
خود صرف فرمودی و این امر بوجه آن بود که اصل همه منافع انسانی است
الحال کیفیت آنست — که طایفه را چی بینیم که بظاهر تزکیه نفس در گوشه ها خزیده اند
ایشان در حقیقت بارابان و جوگیان می مانند و بنظر حکیم آسان گذرانند
که در راه خدا سعی نکنند و از محنت دردمندان خبر نگیرند شعر

صاحبدلی بمدرسه آمد ز خانقاه | بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود | تا کردی اختیار از آن این فریق را
گفت او گلیم خویش بدر میبرد ز موج | وین جهد میکند که بگیرد غریق را

طایفه دیگر اند که بر محنت دیگران روزی میخورند آینان همه فرقه که باشند
در حقیقت جور میکنند و چیزی میگیرند از مردمان و بمعاوضه هیچ نمیدهند
طایفه دیگر که در علم مواظبت کنند ایشان بغرور خود از دیگر امور پروا
نکنند (ع) جهان گو فرو شو بآب سیاه دیگر از ان
مختصر که خود دانند همه علوم را هیچ وزن نمی نهند و نداند که ایشان را هیچ

در آنکه هنوز سلطنت و حکومت مید ارند آنجهان نسلی بعد نسلی باقی هستند که از تحریر ان قلم در
تیج است مضمونهای ایشان از یکدیگر درشت تر هست که اسنے قلم زیاده نوشتن با ... 

حاصل شود و هیچ فراغ
و بلند مطلب هم آید
الغرض اقوام المسلکها
مستقیم خباب خیرالدین
پاشا تونسی وزیر ممالک
تونس که حالی وزیر اعظم
سلطنت روم است کتابی
شریف متواضع است
و تامل از آن محکم شود
و شنوائی صحیح بود آمده است
و کارها آمده و دستیاب
میخواهیم هر چند که آن
کتاب خوب است
هر چند که مقاله در
اخلاق ناصری
اخلاق جلالی
در این فن نوشته اند
و آنچه که خلیفه مامون
در زمان وی از ارسطو
باستکندر ترجمه
کرده شده بسیار خوب
اما هرگز از آن کتاب
دیگر که لایق عمل
و در مرحله سیاست در
حیات انسانی باشد

آفریده شده است و اسلام میخواهد که در همه اغراض شایستگیها آرد نه آنکه همه را سلب کند

طایفه دیگر باشند که در غفلت و بیکاری و تن آسانی زندگی خویش میگذرانند و منتظر مصالح خیالی دور و دراز می اندوزند و اگر قلیلی میدهند محض انفسیلی و بلا توجه باصلاح میدهند و برای عباد الله هیچ فایده نمیرسد نمیدانند که دولت ایشان را خلود نیست تا آنکه جهان مملو از صلاحیت نشود جهانیان ایشان را آسایش نمیدهند - و ایشان از بداخلاقی و بدعملی خلایق در رنج باشند

طایفه باشند که در تجارت و عمل مشغول اند ایشان هم آرام تن و خویش دولت رفعت خاندان میخواهند - نمیدانند که محنت ذاتی و دولت شخصی را قیام نیست و براندوخته ها هیچ اعتماد نمیتوان کرد و تا آنکه صلاح علم و درستگی عمل در خاندان ایشان نباید قیام دولت ممکن نیست - و دیگر آنکه چون بنی آدم نباشند باموال ایشان حرص کنند و بدزدی و باطل خوری و فریب از اولاد ایشان بار گیرند هم آنکه آسودگی را خاصیتی است که اولاد ایشان ذلیل و احمق برآیند چنانکه از محتاجی و عدم استطاعت تعلیم پدران ایشان دیده ایم تفصیل حکمت آن شعر است

خواهی که خدای بر تو بخشد　　با خلق خدای کن نکویی ۱۲

... نه کرده باشی - و آنانکه این چنین شست مقابله با اهالی فرنگ برابر نیابند - پس این همه که بر ما میرود از کجاست - آنچه بر ماست از ماست - ما را توبه از غفلت - از تکبر و نخوت و تجبر و بیدردی و ناقدرشناسی می باید کرد - توبوا الی الله جمیعا

عالی زنبور حکمت قرآنی در اسرار سیاست اسلامی ... فرهنگ بیرون آورده خواهیم رفع شود
اما طالب کجا؟
خریدار کجا؟
قدردان کجا؟
آموزنده کجا؟
... تعلیم اولاد ... شود کجا؟

ببین اشعار در خارج کتاب

۲۵
از طفلی تا حال هیچ نیاسودم - زبانی نیاسایم - از جوانی هیچ برنخوردم - و از چند سال ... از فکر خالی نباشد غم ... کسی چگونه غم جهانی خورد نیاسایم تا آنکه ... همه ... ببین در خارج کتاب

وطایفه پنجم اند که مغرور در سلطنت وجاه وثروت ومال و دولتی که دارند
کوشش بنصایح حکیمان وخردمندان خیر طلب نه نهند - ازین طریق
بی اعتنائی که ایشان می پویند گروه کثیر را زیان می رسانند وخرابی
دو عالم نصیب ایشان میشود - اما وسعت خرابی پایان از وسعت آن نقصانیست
که از دست آن میخیزد - اموال ایشان نه اولاد ایشان هیچ از خدای
ایشان را مستغنی نخواهد کرد - اما در حاضر کار ازان مدد محروم می مانند
که از دماغ بینا و دل دانا حاصل می توانند شد وازین غفلت نقصان عظیم
بدیشان راجع میشود - ازانجا که ظاهر و باهر است که چگونه ازان نعمت عزت
ملک محروم هستند که شاهان فرنگ را حاصل است - آنان که از خرد آزموده
کاران روشنی میجویند واز صلاح جوئی خردمندان متقی وراست بوئی ناظران
قدرت وفراست ارباب دلان کار اندیش تقویت میخواهند - امانت خودها را
بکمال با فریب بکمال انجام میدهند وخلعت تحسین تشابه برکت عدل و
بدولت علما بدر سپردارند - افواج ایشان منصور - خزانه ایشان معمور
آئین ایشان حق پرست ملک ایشان آباد و دل رعیت ایشان خوش
و ایشان که ایمان به تنزیل قرآنی ندارند - اما به جویائی در آنان از سنت
رب آن تنزیل روشنی میجویند و به نصیحت گری تواریخ پیشینیان چنان کنند
که در سوراخی که باری انگشت ایشان گزیده شد باز انگشت نه نهند

حاشیه: کل حزب [illegible] بمالدیهم فرحون در عالم [illegible] وسلامیان نفاق [illegible] بسیار [illegible] ملکوت [illegible] حالت [illegible] که [illegible] ایشان [illegible] کسان دیگر [illegible] نفس [illegible] دنیا و [illegible] بوده اند [illegible] شدن ایشان [illegible] - این حالت [illegible] اسلام [illegible] الی پایان [illegible] شایسته تعلیم [illegible] پیغمبر صلی الله علیه وسلم [illegible] [illegible] داشتند [illegible] [illegible] مضمون [illegible] [illegible] هذا [illegible]

- ایشان در حقیقت بلا افزار نفس مضمون اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم عمل کرده اند و کار ایشان ازین بلند شد

هران دولتی کار چندی گرفت زرای بلندان بلندی گرفت

آخراب اختلاف کنندگان چنین اند اما آنانکه با حق اند و بر دوشتی هم اند چنان اند که خدای تعریف ایشان فرموده که مومنان برخی از ایشان مددگار برخی دیگر اند که حکم میکنند بکارهای شایسته و باز میدارند از کارهای ناشایسته — بر همین گروه متفق در خیر خدای پیغمبر باید که فضل و لطف او شده — خبر اما آن که اختلاف ورزند و یکجهتی را بکار نبرند آنجا که پیغمبر باید — خلاف نکنید که از مخالفت بد دل شوید و برود دولت و قوت شما

و بدانید اگر ازین حالت که داریم نجات خواهیم سامان آن پیدا باید کرد که پیغمبر باید که الله تعالی تبدیل نکند در قومی حالتی را که ایشان در آنند تا آنکه ایشان تبدیل نکنند آنچه که ایشان بر آنند

و کسانیکه درین امر شایسته مدد نمیدهند خطا کارانند — شاید حسرت برند امساک بمقابله چنین کار بلند هیچ نفع نخواهد داد.

زمان حاصلی دریاب دریا که دایم در صدف گوهر نباشد

مال و جاه در معرض زوال است شاید که روزی فرد و برد یا فوج خصیم تباراج بگیرند یا ستمگر بجبر و عنف بستانند و آنچه که از منافع خود باز داشته شوند

کتاب مبارک دیباچه اول و دوم احوال محمدی و قران

نسخه تاریخ ماز گوید در زمان پیغمبر از ین فرقه هیچ نبود پیغمبر هیچ جودا این فرقه در شده جدا هوی و درجات غالبا مختلف نکسان که سلطنت بود که دار ایشان بکفر شد عیسی مسیحیان که جهانیان را خراب دیده دیگر را و برطرف کرده ایشان بکفر محمد مصطفی ندیم که جهانیان را خراب دیده دیگر اصلاح آن زندگی کرد — همین فرق در اسلام و دیگر آدیان حسب همین کتاب مبارک دیباچه دوم

به بیچارگی برباد شود

بده وگرنه ستمگر بزور بستاند ^۴۹

**خلاصه کلام**

چون از غفلت و تساهلی و از خود را در خساره آورده ایم — پس مقصد غرض این کتاب رفع آن حالت است که درین زمان ما را تدبیری بیاورد هم که زر بانبار و اسباب وافر بیاید و دل را مستغنی و دماغ را بینا و دولت را قوی سازد و عالم ما را در اصلاح آرد ^۵۰

تدبیری که اگر ارسطو و افلاطون بودند همین آوردی

پس باید که بالاتفاق درین کار چالش کنیم تا باشد که روزی برخوریم و ثمره او را که درین کار دیار من است

بنی آدم اعضای یکدیگر اند · که در آفرینش ز یک گوهر اند
چو عضوی بدرد آورد روزگار · دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی · نشاید که نامت نهند آدمی

قیامت که بازار مینو نهند · منازل بمقدار احسان دهند
بضاعت بچندانکه آری بری · اگر مفلسی شرمساری بری
که بازار چندانکه آگنده تر · خریدار را دل پراگنده تر

ان احسنتم احسنتم لانفسکم

پس هر که بسبق این مضمون در آید باید بنظر اقربین و فلاح خود ما نذکره و تذکر ان

---

^۴۹ لا تاکلوا اموالکم بالباطل الا ان تکون تجارة عن تراض منکم — سورة البقر کتاب مبارک

^۵۰ وجعل لکل شیء قدرا ... بمقداره ... کلام

^۵۱ در نگاه اخلاقی و رحیمی و سلام انسان اگر بدل افتد و دولت میشود — ناگاهی اگر دارنده را دولت نیاید و بسا لنگان آسوده و مسلم باشند و حرام اند هذا دیباچه

^۵۲ ... این تفسیر از ... اسلامی شود که بنموده فی القرآن حکم مذکور شده اند

^۵۳ این مضمون مطابق حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم است که برای نشان مومن فرموده

^۵۴ نفع ابنای نوع خاص است مومن را — انچه ظاهر عمل عام است به تصر (مومن) و غیره (کافر)

باکرپان فرماید و همهٔ ایشان بر بر یکی و بر جانب تدبیر و اجزای کتاب با معان نظر فگنند
و باز راقم اوراق مراسلت نمایند — نشان راقم اندرین کتاب می یابند

**وصیت**

و وصیتی دارم برای امت که آنانکه در کارها اعتدال نورزند
و گاهی فکر نه کنند و بخویشتن باشی و خوش گوئی خوگراند باید که ازین مردم دست نیالایند
و عالم متکبر — صوفی خود پرست — مالدار جاه پسند — جاهل متعصب — حاسد مناع للخیر —
مرد ناسپاس که نعمت حق را قدر نه نهند — و کسانی که از ظلم و طمع بیجا مال گرد آورند
دین بزرگان ازین مایه دور باشند — و اگر احیاناً بدستگیری رحمت ایزدی شوق فرمایند
بر نفس خود هوشیار باشند و قلیل و کثیر هرچه باشند بزکوة بر آرند صفحه ۶۸

این کتاب محض برای آنانست که طبعیت سالم دارند و غیور اند — آنانکه فکر دارند — آنانکه
قلب ایشان هنوز از اسباب مذکوره سخت نشده — و آنانکه موقع صرف مال شناخته اند که کجا باید

این کتاب در ابتدا نامه و تقریری بود و مضمونها حسب تفصیل میدارد —


| | | |
|---|---|---|
| ۱ | ابتدائی مضمون نامه — ذکر کار روائی سابق و قواعد | ۱-۳ |
| ۲ | تمهید — بدیهیات — اشکال مقصد | ۳-۵ |
| ۳ | بحث در چگونگی تدبیر — ابطال اقسام تدابیر | ۵-۸ |
| ۴ | تدابیر با اجمال — اصول تدابیر | ۸-۹ |
| ۵ | ایضاحات تدابیر اجمالی — حکمت نجاح در عالم | ۹-۱۸ |
| ۶ | تفصیل تدابیر | ۱۹ |
| ۷ | کتب خانه | ۲۰-۲۲ |
| ۸ | جریده اخبار | ۲۲-۳۰ |
| ۹ | مدرسه | ۳۰-۵۰ |
| ۱۰ | اصول مدرسه ۳۴ تفصیل علوم | ۳۵-۳۹ |
| ۱۱ | بحث در شکل اجرای تدابیر | ۵۰-۵۸ |
| ۱۲ | روح و میدان در تدبیر | ۵۰ |
| ۱۳ | شکل اجرای مدرسه | ۵۱-۵۶ |
| ۱۴ | جامع و اجماع فضلا و شکل اجرای جامع | ۵۷ |
| ۱۵ | مطبع و شکل اجرای مطبع | ۵۷ |
| ۱۶ | نظر دوم در فواید تدابیر — درجه وار عالی مقاصد | ۶۴-۵۹ |
| ۱۷ | نظر سوم در فواید جزو وار ازادی مقاصد | ۶۵-۶۴ |
| ۱۸ | اجرا در خطه وطن — عزم اول | ۶۶ |
| ۱۹ | عزم بیدار مغزی کرد — توضیح تفاوت درجات حسنات — امتیاز — بشارت | ۶۷-۶۲ |
| ۲۰ | توضیح تفاوت درجات حسنات | ۶۸ |
| ۲۱ | استمالت | ۶۹ |
| ۲۲ | عزم بیدار مغزی سه کرد — چهار کرد | ۷۲-۷۱ |
| ۲۳ | خاتمه | ۷۲ |


سوره توبه
سوره توبه
سوره رعد
سوره توبه
سوره لقمان
دیباچه صفحه ۱۰
سوره عصر

مضمون آنان که در خدا پی باشند
مگر آنانکه بیباک باشند
و ما بعد نمیکنند
مانکه کنند برای
راستی و نمائید
بدی صبر

سوره شعرا
و بخود نعمت
علاج نفقه و ابساط
گو که هرکه انه
چیزی دستی بداشت
و باید برای آن
باشد خورد او

در حقیقت حریص این آنچه طاقت تحمل مضمون آن ندارد باید که آنرا بطریق احسن و الطریقه بالسنه بدست آرید والسلام

# ابتدائی مضمون نامه - ذکر کارروائی سابق و قواعد

وقتی میداشتم که این مضمون را از کتابی که فی الحال مخصوص بمقامی نماند دور گردانم - امّا در نظرِ غامض بجا داشتنش در کتاب نافع نظر آمد - ازانجا که اطلاع از سببِ تصنیفِ کتاب مبتدیه - و هم علمِ کارگزاری بمبتدیانِ این فن می آموزاند - بنظرِ امتیاز بقلمِ باریک نوشته شد ۔

آن تحریکِ خیالات که بماهِ آسن* کرده بودم شاید هنوز از یادِ جناب محو نشده - دران حین حسبِ تحریکِ مخصوص این رساله اشتهار کرده بودم و به دفعه تکمیل تقریری فروخوانده بودم که فی الحال ذلّتِ مسلمانان از حد گزشته است - و مسکنت و محتاجی شان و فروتری حالتِ قومی شان محتاجِ مداوا گشته - و درانحالت از سامعین و حضّار یعنی اکابر و اعیانِ موضع که آن زمان دران جامع حاضر بودند خواسته بودم که بحث دران کنند که آیا تدبیرِ رفعِ این حالت را اندیشیدن و کردن مناسب ست یا چه - ؟

دران زمان و دران جلسه اعیان و اکابر باتفاق فرمودند بلی عین مناسب ضروریست - و یاددارم که بزرگانِ مسلوق الذکر در استحسانِ چنین مساعی از من زیاده مبالغه کردند ۔

و آن اعیان و اکابر دران حین دریافت فرمودند بلکه از غایتِ شوق دریافت فرموده بودند که آن تدابیر چه توانند بود ـ

استدعا در انصرام و قواعدِ اجرا

فی الحال آن تدابیر را بیان میکنم و امید میدارم که آن جناب از راه بنده نوازی -

(۱) روزی بلکه بروز جمعه اکابر و اعیان و اشراف و فهمیده کسان موضع را در همان جامع خود خوانده این نامه را فروخوانند ـ

* آسن ماهی ست در تقویم بنگاله آنرا در هندوستان کنوار میگویند - این ماه از خریف ست و مطابق نصف ستمبر تا نصف اکتوبر فرنگی میباشد ۔

(۲) رائے ایشان درین امر حاصل کنند۔

(۳) در کاغذ علیحدہ روبکار مع قید تاریخ نویسانیدہ اگر ایشان در رائے با تدابیر مندرجۂ این نامہ اتفاق کنند آن اتفاق را قلمبند نمایند۔

(۴) اسامی حاضرین دران درج فرمایند۔

(۵) آن روبکار را شامل این نامہ فرمایند۔

(۶) تحریر سابق را ہم کتابے جداگانہ نمودہ شامل فرمایند۔

(۷) تحریر سابق را کتابِ اول و تحریر ہذا را مع جملہ روبکار کتاب دوم نام نہادہ شود۔ و ہر یکی در سادہ کاغذ علیحدہ پیچیدہ داشتہ شود تا وقتِ ضرورت بکار آید۔ وچون مثل مرتب شود و از کار موضع فراغت حاصل گردد۔

(۸) این حکم با تفاق اکابر موجودۂ جلسہ دران روبکار صادر فرمایند کہ آن تقریر این نامہ و روبکار مشعر اتفاق یعنی کل مثل متعلق این کار اول نقل شود و اصل نزد جناب باشد۔ و آن نقل را در اطراف یعنی جملہ مواضعِ آن نواح کہ دران گروہے از فہمیدہ کسانِ مسلمانان و ارباب خیر و ہم از اسلام یافتہ شوند یا کدامی بزرگ نامی یافتہ شود گردانیدہ شود۔

(۹) اتفاق آنان یعنے شرفاء اطراف درین باب حاصل کردہ شود۔

(۱۰) برائے انجام این امر در ہر موضع رئیس و فہمیدہ و محترم و بزرگ کسی آن موضع یا چند کسان مسئول خواہند شد۔ یعنی آنجناب آن مثل را بذریعۂ آدم خود و از طرف جملہ اکابر اسلام موضع خود بخدمت بزرگِ موضعِ دیگر و بنام جملہ اکابر آن موضع فرستادہ مکلف کارروائی خواہند شد۔ و آن بزرگ یا بزرگان اکابر موضع خود را بطریق مندرجۂ ہذا جمع نمودہ بر ایشان کتاب اول و کتاب ہذا و جملہ کاغذ را خواہند خواند۔

بعد حصولِ اتفاق بخدمت جناب اطلاع خواہند داد و کاغذ روبکار را داخل سررشتۂ جناب

خواهند کرد کارروائی متعلق این دفعه حسب دفعات ۱-۲-۳-۴-۵- قواعد مذکوره بالا اعمل خواهد‌الله
ضروریست آنکه خواننده نامه قبل خواندن در مجلس او لاً خود مطالعهٔ این کتاب کند و بر مقصد و
فوائد آن اطلاع بگیرد-

(۱۱) در هر موضع نامی چنین کارروائی فرموده شود یعنی آن قدر کنند که جناب متحمل آن
باشند و از ملازمان جناب انجام آن میتواند شد یا آن قدر که دران نفع متصور شود- زیرا چه بدیهی
است که کارِ خطیرِ عمومی بغیر همت عمومی انجام نمی شود-

# تمهید - بدیهیات - اشکالِ مقصد

تدابیر که بدان وعده داده بودم گوش کنید ! ای بزرگان و دانشمندان!
قبل از ان که تدبیر بیان کنم تفهیم چند سخن ضروریست آنرا بدانید یعنی ازانجا که ظاهر است
آن امر که تدبیر آن فرو خواهم خواند یعنی امر رفعِ ذلت و محتاجی مسلمانان مشکل امر است
زیرا چه ماده بسیار وسیع است و در نظر سرسری چنان نماید که سر و پائے ندارد و عموماً
کسان بر خانه خرابی اطلاع یافته از بی ساحلی مقصود و بی پایانی مشکلات و کثرتِ
موانع در عالمِ تحیر شنا وری میکنند- و بیچارگان از نادانی ندانند که علاج دردِ شان
آخر گاهی ممکن است یا چه ؟- و در چنین حالت مردمان تن به تقدیر حواله نموده
چنان مایوس گشته اند که چون به ایشان گفته شود که دردِ شما علاج پذیر است گوینده را
بدیوانگی منسوب کنند و بر سخنان تدابیر ش آن قدر گوش نمی نهند که ملحد بر اصول دین

می نهد - بدانید! که چون تدابیر متعلق امری مشکل باشد ضرورست آن تدابیر خیلی دور و دراز هم باشد و از بستن و تدارک رخنهای کهن متعلق باشد - پس هنگام شنیدن تدابیر معینه که درین بیان کنم - ای دانشمندان بدو امر لحاظ دارید -

چگونگی تدابیر

اوّل آنکه نتیجهٔ تدابیر ما در ساعتی مثل شعبدهٔ بازیگران پدید نخواهد آمد - یعنی فی المثل اگر مقصود شما رفع مسکینی و فاقه و فقر است در سالی بلکه در چند سال این مصیبت را بطور کلی رفع نمی توانم کرد - (اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ رٰجِعُوْن) اگر مقصود اینست که خدمهاء عمل در علاقهٔ گورنمنٹ یکایک بشما دهانم آنهم نمی توانم کرد اگر تدبیر خود مقصود بدان دارم که چند کسان بدان عمل سرکاری حاصل کنند بلکه اگر خواهم که برای گروهی تدبیر حصول چنین عملها نمایم از آن رفع مسکینی عمومی نمی شود - و اگر بالفرض شد این ترقی پایدار نیست - برای آینده باز میپرسم چه خواهد شد - تدابیر ما خیلی وسیع تر از ینهمه هستند و پرواز آن عالی ست -

دوّم آنکه ای اعیان اگرچه ثمر تدابیر چنانکه بیان کردم در حال نمی یابید - امّا بدانید که دور هم نیست - آنچنانست که در زمان قریب حاصل شود - بلکه سبزی میدان امید از رهِ توجه شما ظاهر شود و شادمانی و فرحت در عالم شما از همان روز توجه پدید گردد - و آن افواج نکبت که عالم شما را محاصره کرده گرد شما نزدیک نمیکشد همان روز که همگنان اتفاق کرده بگویند "ما حاضر هستیم" باذن الله چنان دور گردد که کسی دیده باشد - در پایان فصل بارش غبار بخارات مجتمعه از وزیدن نسیم شمال

دور میشود - و روز امید روشن پیدا میگردد و مژده باد شما را! البشارت میرسانم شما را که ثمر تدابیر مذکوره چون بعد زمانی با خوبیهائی فراوان نمودار شود - نیز دیرپاینده باشد و بسیار پایش. و سراسر خوشگوار باشد -

دیگر امر گفتنی اینست که در حالیکه آن تدابیر چنین وسیع و کامل باشد و مقصودشان کاری محض پوچ و چند روزه نباشد! آن تدابیر عجب نیست چنان باشد که خانه نشینان و دهقانان را که بیخبر از احوال زمانه و بیخبر از تواریخ امم و نتیجهٔ مشاغل و بیخبر از وسایل ترقی هستند - در حال ربطشان با مقصود ظاهر نگردد - بی دریافت وسائل ترقی که درین سلطنت بلا مزاحمت ممکن باشد و بی ادراک نعماء الهی و معرفت طریقهائے حصول آن که از دانشهاے دور و دراز بدان پے میتوان برد - نتیجهٔ آن تدابیر یکایک مشاهده نشوند و ممکن باشد که ربطی درمیان حالت موجوده و علاج آن فهم نکنند - معهذا دانایان عالی منش ضرور قدری از دور فهم خواهند کرد - و من میدانم از رحمت انچه شما نمی دانید -

## بحث در چگونگی تدابیر - ابطال اقسام تدابیر دیگر

پس از مضمون این قدر ملخص شود که تدابیر ذهنی من آن نیستند که مثل عوام مدبران بگویم - بروید انگریزی بخوانید! زیرا چه من میدانم خواندن انگریزی کرده طبیعت مسلمانانست - فی الحقیقت ترک حالی تعلیم اسلامی یعنی حدیث - قرآن

ـ اصول ـ هفتم ـ تواریخ قومی ما ـ باعث انهدام بنیان قومیت و علمیت ما باشد و بالفرض اگر بترک این همه زر حاصل شد هیچ لطف نیست نه طبیعت گوارایش کند و اگر بالفرض همه کسان انگریزی بنظر حصول خدمات انگریزی بخوانند ـ میپرسیم که خدمات سلطانی چند هستند؟ و از آن ما را چند خواهد رسید ـ قبله تدابیر من نه نوشت انگریزی نه کدامی حرمت انسانیست ـ قبله تدابیر من موهبت یزدانی و بجا استعمال قوت خداداد است ـ

تدبیر آنست که کاردانی و هوشیاری بیاموزند ـ

تدابیر آن نیستند که گوییم که گرد دربار های حاکمان و امرا بگردید و به خطاب نشان چیزی حاصل کنید ـ زیرا چه این محض پوچ و مهمل کاریست و بیسود است ـ اگر کسی پوچ و بیسود نمی پندارد بلاشک نا کافی ست ـ تدابیر نه آن هستند که بگوییم مثل اشرار فساد بکنید و آنانکه باعث ذلت شما گشتند و دانه از پیش شما برگرفتند ایشان را ذلیل کنید و از آن میان آفتاب امید شما جلوه نماید یا ایشان را دعای بد کنید تا گرفتار عذاب الٰهی شوند ـ نی تدابیر من چنین نیستند فساد در دین غرا ممنوع است لَا تُفْسِدُوْا فِی الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا (فساد کنید بر زمین بعد درستی) ـ بلکه برای صبر صدها اشارات نوشته اند و گفته اند ـ ذٰلِکَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ۔

کیفیت تدابیر مندرجه کتاب هذا

تدبیر آنست که گوییم که اعتصام بحق نماییم و بدریافت رموز قدرت ساعی گشته خود را در صراط مستقیم سعی بیاریم تا بطرز یکه دیگر محتاجان محض بعنایت حق

به پیروی کارهای اندازه کرده شدهٔ قدیر مطلق غنی شدند شما همچنان غنی شوید یعنی بطرزیکه از
رحمت حق جل و علا که عام گشته است و بدان دیگر ضعفاء قوی شدند بدان طرز پی برده
شما هم قوی شوید۔ چون این چنین تدبیرها کنیم پس آن وقت قدر افزائی ما از طرف
سلطان نیز میشود و رفعت ما بر همه عالمیان ظاهر گردد و همین (ان العزة لله جمیعا) ظاهر گردد
قول شاعر۔ عزیز تو خواری نه بیند ز کس ۔ مطابق همین آیه است۔

تدبیر من آنست که اول ببینیم که اصول سلطنت انگریزی چیست و براختیارات
و حقوق که برای رعایا درین سلطنت تسلیم کرده اند و حقوق که برای خود میگیرد نظر کنیم۔
بعد از آن انچه برای ما مباح داشته شده بران غور کنیم که ازان میان کدامی شکل
بهبودی برای ما پیدا آید و ازان میان انچه بسیار محکم و قوی باشد برای خود حلال
پنداشته کار خودها را خودها بسازیم۔ و دران محتاج دیگری خود را نکنیم نه کسی را
دران دست دهیم۔ در مصلحت خودها خودها اندیشه کنیم آنچه مستحق آن انصاف
باشیم آنرا از کسان بازگیرنده طلب کنیم۔ و منافع خود را شناخت کرده برای
حصول آن منافع و توزیع آن با سلامت سعی جمیل با یک جهتی و یک دلی کرده
باشیم۔ و دردهای دردمندان خودها را بسته باشیم۔ بدین طور خدای ما را زود مستغنی
میفرماید۔ و درد ما زائل میگردد۔ بدانید اگر کرد که نیافت۔ حکمتیست از
آیات قدرت و مثل مشهورست۔

برای مصالح خودها منتظر قوم اجنبی بودن خود را معطل و باطل داشتن از

شان گدایان وہمت باختگان وبیدانشان باشد۔ کدامی بیدار مغز این را پسندیده گوارا نخواہد کرد۔

وبدانید! کہ آن اجنب بالفرض اگر بسیار رحیم باشد اورا آن قدر فرصت کجا کہ کار ما وکار خود کاہیر ورا کند۔ اورا آنقدر دانش وعلم کجا کہ دانشمندان قوم خودرا نسبت ضرورت خود حاصل باشد وکدام سوای ماہیدا ند کہ ضرورت ہائی ما چیست۔ وکدام تواند کہ کارہا حسب خواہش ما کند۔ ازین جہت گفتہ اند۔ شعر۔

بغمخوارگی چون سر انگشت من نخارد کسے درجہان پشت من

## تدابیر بالاجمال۔ اصول تدابیر۔

پس ثابت شد کہ منجملہ تدابیر ومصلحت یکی را اول آنکہ قوتہای بدنی ودماغی ومالی خودرا باندازۂ مناسب برائے مصالح قومی صرف کنیم وآنرا بطرزی کنیم کہ بدیگران حتی الوسع زیان نرسانیم۔ یعنی بالفاظ متعارف اگر گوئیم۔ گوئیم طرزی را اختیار کنیم کہ جائز باشد وازان باقوام مجاور ضرر نرسد۔

چنان زی کزان زیستن سالیان ترا سود وکس را نباشد زیان

دوم علم آموزم وآموزانم کہ آن ذریعۂ بینش وہوشیاری اجراء تدابیر دیگرست۔

سوم مصالح را بدانیم ومفاد خودہا را بشناسیم ودران بحث کنیم ومحافظت حقوق خودہا بوجہیکہ معروف باشد کردہ باشیم۔

این امور را تدابیر مناسب و پُر دلی کردن محض مناسب معلوم میشود۔ بلکہ بقای اسلام در ہندوستان و نجات مسلمانان از تلف و ہلاکت مبنی بر تدابیر مستقیم و مستحکم ولیس۔ و درستی پر و بال ہمہ بدین طریقہ حاصل شود۔

# ایضاحات تدابیر اجمالی

**ایضاح اول** یعنی چون چندی بہمت و اتفاقِ جملہ قوم جمعی از ما فکر کنیم و در سرِ حصولِ نجاحِ عمومی باشیم۔ و جمعی از ما یا عمومی کسان مستطیع در اجرای آن افکار و مصالح۔ اموال و ہمت خود ہا را بذل کنیم و جملہ ما باتفاق مومنانہ و دینی بر آن مداومت نمائیم تا کارہای خراب شدہ ما درست گردد۔ و شکلِ بربادی آئندہ دور شود۔ و شکل جمعیت و آبادی رو دہد۔

بدانید! اینمقام امن ست۔ و مرادِ من از مقام امن آنست کہ چون چنین شود صرف ازالہ جراحت خود ہا کردہ باشیم۔ و از نقصانات پاکی حاصل کنیم۔ و از ہلاکت امین شویم۔ قدمِ ترقی بعد ازین خواہد بودن۔ این دفعیہ ادبار است اقبال بعد ازان خواہد آمد۔

بدانید! چونکہ در پیش نگاری الحال جمعی از عقلاء و فضلاء و علماء حیثیت کار

وحسب مستعدی عمومی درکار خواهند شد - بدین طریقه فی الحال خدمت و عهده و عملهای چند و چند برای مسلمانان لائق پیدا خواهد شد - این جا نگاهی است مرکز خیر مرکز جمعیت - مرکز دولت - این تخمیست که آینده بیالد و درخت شود - و بیگانگان را در سایهٔ خود پناه دهد - و بسیار ثمر بخشد -

چون بدین مقام برسیم - دیگران به تبعیت ما شوق بمصالح و مشاغل نمایند واز ملاهی و ملاعب آهسته آهسته محترز شوند و صورت جمعیت روز بروز پیدا شود - و حرکات مفنی نوع انسان[1] و مانع ترقی مثل کاهلی - و بطالت - و ظلم و حسد - وفسق - دفع شود - بدین طور از ابتری و خرابی روز افزون امن حاصل کنیم - چون امن حاصل کرده باشیم - آنوقت باتفاق عام بدیگر وسائل تشبث نموده شود - یعنی عقلاء ما به هیئت مجموعی بر طریقهای ترقی و وسائل معاش خوض کنند تا راههای دیگر پیدا شود و از آن خوض مشاغل بسیار بمنظر نمودار شوند - و افراد قوم مسلمانان بدان مشغول شوند - و دولت - و جمعیت - و قوت حاصل کنند - چنانچه آینده به تفصیل بیان خواهد شد -

**ایضاح دوم**

فوائد علم آموختن و آموزانیدن بشنوید! وچه قسم علم بیاموزانیم - آنهم بیان کنیم - و علم چگونه روزی بخشد - آنرا هم شرح نمایم زیراچه در خیال شما نخواهد آمد که علم روزی می بخشد - زیراچه آنچه شما هنوز آموخته اید هیچ کار نیاید و خیال شماست

[1] حرکت مفنی نوع انسان در اصطلاح علم تمدن آن حرکتها و افعال انسان اند که از آن ضرری بدیگران برسد و اثر آن در آسائش عمومی و بقای انسان میرسد مثل زنا - دزدی - بیوفائی - حسد - کینه وغیره ٭

که آن علم که روز بروز بزرگی می بخشد آن انگریزی ست و آنرا بخواهید آموخت۔ پس این امر هنوز محتاج بیانست۔ که چگونه محض بعلم خانه خیز یعنی بذریعه تعلیم فارسی و عربی بالیدگی و ترقی و فلاح ناممکن باشد۔

بدانید! که هر کرا علم قدرت و مخلوقات و طریقهٔ صنائع بیشتر معلوم باشد۔ وجوه شغل و شکل های معاش برای او میسّر باشند و صورتهای آمدنی او وافرتر نمودار شوند۔

بدانید! هر کرا اسباب دنیا وافرتر بازوی او قوی تر۔

بدانید! که ثابت شده است و هم در نظر صاحب غور راست خواهد نمود که دولت قومی محض از مساعی قومی باشد۔

همگنان از کرده هائے خود بر می خورند۔ صرف همین ست که آن چه نفع دهد آنرا دانستن و بلا تاخیر آنرا انجام دادن باید۔

همین ست طریقهٔ دولت۔ قول نظامی از مدتها پسندِ خاطر من گشته و هنگام مساعی در حصول ترقی مطمح نظرِ من بوده وقتاً فوقتاً رنگهای عجیب بر من ظاهر کرده۔

بعالم کسی سر بر آرد بلند۔ که در کارِ عالم بود هوشمند۔

پیغمبر ما صلی الله تعالی علیه وسلم که داناترین نوع انسان بود این حکمتها را در دینیات بلفظ "علم" و "عمل" ادا نموده۔ یعنی طریقه حصول بزرگی این ست۔

که پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفته «دانستن» و «کردن» وهمین حکمت در کارهای دنیای جاری و ساری گشت دانستن و کردن۔

پس مراد ما درینجا علم نافع باشد یعنی آن علم که از آن کارها آسان شود و از تعلیم این چنین علوم کار شما مع بقای زبان شما و دین شما و ملت شما و علوم شما بالا کردن میخواهم۔ ای برادران آیا این را پسند میکنید؟

ایضاح سوم

این مضمون «فوائد علم نافع» را که از عقل و دین ثابت کردم از امثال و احوال و تواریخ امم ماضی و حال واضح میکنم۔

تاریخ انگلستان را مشاهده کنید که انگریز چند سال پیش ازین چه بودند و حالا چه شدند۔ جز این نیست که محض از فهمیدن مصلحت کار کردن بدینجا بالا رسیدند۔ کسان این قوم بچه فراخی روزی می خورند۔ و معیشت میکنند۔ هرکس از ایشان البته منصب در هندوستان و در ملک خود ندارد مگر از هر طرح روزی میخورند۔ و چنان معیشت میکنند۔ که شاهزادگان و امرای مسلمانان را هم میسر نیست۔ با وجودیکه در ابتدای حالت مفلوک بودند در اندک مدتے جهازهائے تجارت را مالک شدند۔ غله جات۔ و میوه جات۔ و اسباب از ملکی بملکی میبرند۔ حیوانات را سفر میکنند۔ و میفروشند و از آن منفعتهای برآرند۔ جهازها در بحر شور با سامانی میبرند۔ و مردمان را از ملکی بملکی میرسانند۔ و کرایه میگیرند۔ و چون کارهای عظیم از یک کس بانجام نمی باید بشرکت و دیگر تراکیب که در هفته تا ماه باید باسانی انجام میدهند

و برای خود ها انقدر کار ها پیدا کرده اند که غیر قوم را حالا در خدمت خود میگیرند و حسب فتح دین خود را بر ایشان عرض میکنند - و بدینطور روز بروز بر قوت خود می افزایند و آن قدر که ایشان قوی میشوند مسلمانان بباعث غفلت و بطالت و عطلت کمزور میشوند - و اسلام هم همراه آن ضعیف میشود - پس ای مسلمانان غیرت اسلامیه شما کجاست ؟ - !

و بدانید! که در جهان همین یک قوم انگریز نیست - که بهمچنین طور فراخپا و قوی گشته و بدان روزی میخورند - چندین قوم‌ها در فرنگستان هستند - که بدینطور قوی گشتند - و مرفه هستند - و روزی میخورند - بلکه در تمام عالم از شرق تا غرب کامرانیها میکنند - و بر ما بنگرید! که چون بودیم و چه هستیم ؟ -

عرب که ظهور اسلام از ایشان ست هم در اوائل جاهل و صعلوک بدویت و بادون همت بودند - چنانکه تواریخ ازان خبر میدهد - و تواریخ از اینهم خبر میدهد - که چون از تربیت و دانشهای اسلام دل و دماغ را روشن کردند و بدرستی کار خود پرداختند کار ایشان بالا شد - و آنچنان بالا شد که هنوز برتر ازان در جهان نشان ندهند و برکت فتوحات شان — ما نابکار درین زمین سیاه ایم و بوده هستیم - افسوس که از علوم و کارهای نامی شان خبر هم نمیداریم -

ازین طریقه کار کردن و متوجه مصالح خود گشتن پیشتر از ظهور اسلام مردمان شهر روم واقع اٹلی (اطالیا) در زمانی مالک ولایتها گشتند - از فتوحات شان روم

از شرق تا غرب نامی گشت۔

همین حال همه قوم ها شد۔ اگر در قدیم بوده اند و اگر درین زمان بوده اند در عرصه چند سال یعنی از سی سال زیاده نباشد۔ هندوان اینجا (بنگاله) بدین کاردانی ملکی و مقامی حاصل کردند و ما مسلمانان در ادبار ماندیم

پس خیال فرمائید که از اکتساب علم نافع و پی بردن بفوائد که انسان بالا چنین میشود بر آموختن کدامی زبان ترقی منحصر نکرده شده بلکه ترقی در آموختن دانش است در هر کدام زبانی که باشد۔

پس اگر خواهیم از مغاک ذلت رهائی یابیم و کار ما بالا شود۔ در اشاعت علم نافع و حکمت و فنون در میان اهل اسلام بکوشیم و فکر و همت و مال و علوم را بدان بذل نمائیم تا آینده نسل بدان منتفع شود۔ ما را هم فی الحال مشغولے پیدا شود۔ تکلیف بیکاری دفع شود۔ و علاوه آن ما هم بلا شک در چند سال ازین عمل بهره ور میگردیم انشاء الله تعالی۔

**ایضاح چهارم در علت ترقی دنیاوی و نجاح در عالم**

بعد ازین بیان کنیم چگونه محض علم نافع بلا تائید کسی مثل بادشاه کار ما را بالا کند و مفلوکی ما را مبدل بغنا گرداند۔ اگر گوییم خدا مؤید ما باشد۔ او که بادشاه بادشاهانست چنانکه دیگرا را غنی کرده و قوی کرده ما را هم کند۔ شاید اکثر کسان ساکت خواهند شد۔ اما قلب شان مطمئن نخواهد شد

وشاید بدل بگویند عقیده ٔ این امر درست است اما کجا میشود پس از روی
حکمت این امر را بیان کنم۔

گوش کنید! چون بر امور نفع انسان غور کردیم۔ دیدیم که هر شخص نفع خود را
میخواهد هیچ انسان کاری نکند بلکه از جا حرکت هم نمیکند۔ تا آنکه نه بیند که از آن
عاجلاً یا آجلاً یعنی فی الحال یا آینده بوساطت یا بلا وساطت او را نفعی خواهد رسید
درین شکی نیست و یا اندک غور به پایه ثبوت خواهد رسید باید که خواهش نفع [illegible]
هر کس داده اند یعنی کسی چون داند که فلان چیز او را نفع خواهد داد خواه نخواه
بدان میل کند۔ وچون داند که او را نقصان میکند از و میگریزد۔ اما علم نفع
نقصان در سرشت نداده اند بلکه از اکتساب تمیز حاصل شود یعنی علم نفع آموخته شود
ومتعلق به تجربه و آزمایش است۔ البته بعض امور ضروری چنان هستند که نفع آن
ضرورت باشد [illegible] از دریافت آن کدامی تصرف عقل در کار نیست مثلاً
خریدن زمین و دیه و جمع کردن [illegible] که مدار معاش است۔ امر غوبات طبع مثل
پلاؤ و شیرینی۔ مناکحت و غیر آن۔ زیرا چه عقل این همه را به وجه ضرورت بدیهی است۔
اما نفع و نقصان دیگر مراتب خیلی غامض است و ظاهر نیست از تجربه و آزمایش پی [illegible]
می توان برد۔ مثلاً نفع کم خوری۔ آسوده داشتن زیردستان۔ کم کردن [illegible]
۔ نقصان فریفته شدن۔ اوقات خود را در مستی برباد دادن۔ نفع [illegible]
احسان۔ نفع غرض ذاتی را تابع مصلحت عمومی کردن۔۔ این همه صرف [illegible]

[illegible] حکمت [illegible] ذاتی به بیان [illegible] [illegible] سال دوم [illegible]

تجربهٔ ذاتی و نیز از غلطیهای کسان معلوم شود. و تصور کنید! که درین زمان
طریقهای پیدا کردن دولت بسیار هستند. مثل آنکه از علم معدنیات و علم نباتات
- فلاحت - باغبانی - و صنایع - کسان دولت حاصل میکنند - این همه از
کاروانی و نظر بر احوال عالم و پی بردن از فعل به نتیجهٔ آن حاصل شود - یا از امور مختصر
و اشتهارها در کتابها و اطلاع بر احوال و اخبار عالم معلوم شود. بالآخر چون این همه بعد ا
طور معلوم شود و انسان از شوق به نفع که در ذات او مرکوز است بحصول آن شوق
کند و همچنان شوق کند که برای خرید زمین و جمع آوری زر و خوان مرغوبات
و مناکحت کند - که همه حیوانی امور هستند و در حالتی علمی هم انسان را معلوم باشد -

همانا برای همین ست که جناب پیغمبر ما (صلعم) در امور دین علم را بر عمل
فوقیت داده پرسیدند از وی کدام عمل بهترست گفت علم - (از اخلاق جلالی)

پس ثابت شد که محض علم نافع کافی ست - زیرا چه چون مردم بیاموزد که
نفع در چیست در طلب آن بیقرار شود - چون بیقرار شود و ساعی گردد ضرور به
مصابرت و مواظبت در تلاش برای او راهی پدید آید - "تلاش بعلم بکار آید"
- تلاش با علم بکار آید" عنقا البته بتلاش دست نیاید اما اگر آشیان عنقا را
معلوم بودی بلا شک کسان در کوه قاف هم رسیدندی - قبل زین بنگالیان
خیال "تجی" و "تجنبری" در دماغ نمی داشتند حالا که دریافتند که طریقهٔ حصول آن چیست
و از انجا که دانند که حصول آن ممکن ست جوق جوق میروند - و انگریزان بر ایشان

این چند سطر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

عشق میکنند — ای یاران نصیحت من این است که بدانید! و بدانید یعنی
علم آموزید! و علم آموزید! و علم آموزید! — بدیهی است که چون شما بدانید
که در مکان کجا ست ضرور در مکان او در آیید —

گفت پیغمبر که چون کوبی دری　ناگه از آن در برون آید سری

فواید علم نافع و اثر آن در نجاح و ترقی و روزی پیدا کردن از حکمت و
حدیث نبوی ظاهر کردم — از چند مثال خاطرنشین کنم تا اطمینان شما کامل شود
— و تدابیر ما در ذهن شما جا کند — بر احوال بنگاله‌ی سال پیشتر از این لحاظ کنید!
چون هندوان در بنگاله رعیت انگریزی گردند همت شان محض
مقصور بحصول خدمتهای خفیف مثل کرانی گری[1] در دفتر تاجران انگریزی یا بالاتر
از آن در کچهری‌ها بود — تا چون آن مقام را یافتند بالاتر از آن برای حصول خدمات
حکومت ماتحت مثل دپتی مجستری و منصفی و صدر الصدوری کوشیدند — اما حالا
که چندین هزار از ایشان انگریزی دان گشتند — همگان شان خدمت نیابند
— اما طریقهای بسیار برای روزی پیدا کردند و همه بر سر کار و شغل هستند و معطل
نیستند — کسی در تجارت — کسی در صناعت — کسی در تصنیف و آموزگار و کسی در طبابت
مشغول — کار انگریزان از آن بالاتر است — زیرا چه علم شان کامله — کسان

[1] کتابت و محرری در انگریزیها — لفظ هندی دفتر دار گویند

ل تنزل مسلمانان در هند از عزلت و بطالت و بیکاری است — (از تاریخ تنزل مسلمانان) — انسان طبعاً مائل بکار
است — این امر ثابت از آن است که چون او را کاری نباشد بحرکات محض لهو و لعب میل کند — او قادر نیست برآنکه ساکن
بماند — از این جهت چون آسوده گان را کاری نباشد کارهای مصنوعی مثل بازی و غیر آن پیدا کنند — الحق خواهش کار

در کارخانهای نیل - کسان در زراعت چای - کسان در معادن "کوئله" و "سلیت" و سنگ مرمر - کسان در عمارت گری (انجنیری) - کسان در جهاز رانی - کسان در اخبار نویسی - کسان در "ٹھیکه" و کارخانها - کسان در کارخانهای صنعت مختلف مثل پارچه و اسباب چیزی و اسباب آهنی - کسان در تصنیف و هر یکی از ایشان دولتمند و امیرست -

ازین امثال ثابت میشود که هر قومی که علم نافع را کسب میکند بکمتر مدتی ترقی مییابد - و حکمت راستی آن شعر نظامی که خواندم بعینه از احوال انگریزان ثابت میشود - و بطور "تردید ضد" نیز از بطالت و بیکاری مسلمانان و بیهوده مشاغل و لغویات آموزگاری شان و بی هنری شان ثابت میشود - غور کنید که اسباب تعلیم ما چیست - چند الفاظ و چند کتابها هستند که نه کار آمد دین و نه کار آمد دنیا باشند - نه اخلاق را بیفزایند - نه راه روزی صالح بنمایند -

بدانید فلاح مومنان را خود خدا تعالی بر احتراز از لغو نهاده است انجا که میفرماید:
قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (سوره مؤمنون)
و ایضاً فرموده است که بحسب آن بمقصد رسی - لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ

در معنی بطالت داخل است یعنی حرکت "در لا میشه" "در حجی" وزیست است ازین جهت چون کسی را کاری برای گزران نباشد قوتهای "فهم" "ده" "کار" او خود بخود کم میشوند - و چون خلاف آن واقع شود از کار تیز میشوند - و باز آنکه چون کسی را کار برای کردن نباشد از سستی قوت با آنکس بر قوت های خود قادر نمی گردد - و از اینجا که از کمی فهم نداند که حرکتها چگونه منوط بمنافع توان کرد - در زندگی خود با ترقی نکنند و کسان ایشان گاهی فلاح نیابند - چون کسی را یا قومی را کار خوب نباشد بنا از میل بکارهای ناشایسته میشود - (اصول ناشایستگی عجابت ناصبیر است)

* بدین کتاب مبارک مصنف را که بزبان اردو نوشته است یادداشت ایزدی برادر مرحوم من خلیل الرحمن [illegible] مشتمل بر فواید احتراز از لغو واحتراز از معاصی (خصوص زنا) و شرک که اکثر آن در ذلیل کردن انسان بسیار است - فرزند گفتم

# تفصیل تدبیر

پس آنچه من از تدبیر هیچو اہم اینست که[1] (این جمله متعلق در رابع نشر و اعلان حقایق و مفیدات هستند۔ ببین دیباچه)

اوّل۔ یک جریده اجرا کرده شود۔

دوم۔ یک کتبخانه[2] مهیا کرده شود۔ نمونه خانه یعنی عجایب خانهٔ صنایع هنرمندان۔ و بدایع قدرتی۔ و آلات مفیده آنچه لائق آموزگار باشد۔ یا کدامی از رمز حکمت را هویدا کند۔ یا ذهن را بطرف فوائد مشغول کند۔ همراه این شامل خواهد بود۔

سوم۔ یک مدرسهٔ[3] کلان یا لائق انشا کرده شود۔

چهارم۔ یک چهاپه خانه[4] (مطبع) انشا کرده شود۔

پنجم۔ یک جامع[5] قرار داده شود۔ (برای شوره و هم برای صلاة)

ششم۔ قدردانی فضلاء و علماء و عقلاء نموده در جمع داشتن و استمالت ایشان کوشیده ایشان را در کارهای عظیم و مفید عمومی و خوض آن مشغول کرده و داشته شود۔ و دران باره همت ممکنان مبذول شود۔

---

(نشانی آن نقصان تلف حقوق و پژمردگی خود و انسانیت) مثل زمینیکه چون اصلاح آن نکنند بجای پیدا کردن روئیدگی های خوب روئیدگی های ناکاره و ناخوب حاصل میشود۔ (از حکمت طبیعت انسانی)

[1] کارهای خوب بغیر فهم "خوبی" یعنی تمیز درمیان نیک و بد انسان نتوان کرد۔ و این امر یا بغور و فکر۔ یا باستفاده از تحریر و آزمودگی های صاحبان فکر معتدل را می که تفکر های ایشان راسخ باشند حاصل شود۔ حکمت تعلیم و تربیت همین است۔ هر تعلیمیکه دران این جزو تحقیق و تمیز نباشد هیچ است۔ (ماخوذ از دیباچه اول کتاب مبارک)

تا این گروه مواظبت بر دانشمندی کنند و مرکز اشاعت آن بانیِ اسلام و خلائق بوده باشند۔

(فائدهٔ مقصود در ترکیب خاص این همه بدین طرز متفق است ببین دیباچه)

تفصیل فوائد این همه ہشت چہار حسب ذیل است

## کتب خانه

کتابخانه برای آنست که دانش نامها و تواریخ و حدیث و تفسیر و دیگر کتابهای کار آمد و اصلاح آور و شوق انگیز بمعارف از عربی و فارسی۔ و کتابهای ہنر و فنون ضروری مفید۔ و حکمت و فقه و قوانین از ہر قوم و در ہر زبان که باشد جمع شوند۔ آن کتابها که از مطالعه‌شان دانش افزاید و اصلاح خیزد۔ و کار آگاہی اندوزند۔ و نمونه‌ہائے صنائع که از آن شرح کتب ہنر شود۔ و نوادر قدرگه از آن شرح حکمت ... حساب قدرتها شود جمع شوند۔ این کتابخانه و نمونه خانه عام باشد۔ و در تحت حفاظت و انتظام

خطبه بر خوبی ہای قرآن) ۱۲ ؎ تا آنکه تدبیر نشر و اعلان کرده شود اشاعت حقائق و مقیدات غیر ممکن ہست۔ پیغمبر صلی الله علیه وسلم بر جنازه کثیر در ایام حج خطابه میکرد۔ و نشست او و مسجد او همه در حقیقت مدرسه و مجمع اصلاح هم بودند ۱۲ ؎ فوائد ابنیهٔ دوم و سوم و پنجم برین اصول است که مقامی را مرکز کاری کردن تا بوقت معین همه در آنجا جمع شوند و بدان مشغول شوند۔ هر آئینه افزائش و برکت چند در چند نتیجه میدهد۔ ببین آنچه در حاشیهٔ تدبیر پنجم و ششم (اجماع فضلا) نوشتیم ۱۲ ؎ تا آنکه علوم و حکمت و "انکشافات" را از تحریر ثبت نکردند علوم و حکمت را ترقی نبود۔ ببین حکمت یونان۔ چون صنعت کاغذ معلوم شد و ترقی یافت علوم و حکمت

شخصی باشد- این کتبخانه در جای فرحناک باشد - درین کتبخانه جای تخلیه برای کتاب بینان دانش جو باشد- تا کسان وقت فرصت درانجا بیایند و شغل کنند و دل و دماغ را از معلومات پرورش دهند و بیدار کنند و معلمت آموز زند - بعض کتاب متعدد هم باشد- و حفاظت اگرچه ذمه شخصی تنخواه دار باشد- اما جمع آوری متعلق کاردانان و هنرمندان و فاضلان باشد- تا کتابهای کارآمد بیاورد- فضول و لغو کتابها را دخل ندهند- که ازان ونتی در حیات آن تمدن (ونتی یعنی سستی ۱۲) که تنخواهم رو خواهد داد- کتب تواریخ باید که بسیار باشند- تا بر غلطیهای شاهان و ارباب سیاست و دولتمندان که باعث زوال آنها شد- اطلاع شود- باعث عبرت مایان و بازآمدن ازچنان افعال گردد- کتب تفاسیر حدیث و اخلاق و مثل آن- کتب هنر و حکمت و فنون صناعت و مثل آن - قوانین قواعد احکام سلطنت (گزٹ) و اخبار معتبر و دانش آموز درانجا موجود باشد- کتب تمام علوم در هر درجه دقت و سهولت باقلیل تفریح یا باندازه لائق از تفریح مناسب دماغ مختلف کسان باشند- اما کتب درج بیان یا انچیکه مناسب فطرت نباشند درانجا جمع نشوند- اما همراه یک شرح که غلطی ایشان را هویدا کند- و کتابهایکه در طبیعت بیحیائی پیدا کنند- بامنافی صفات حمیده وجود شان طبیعی یا غلطی آرنده

---

علوم و حکمت زیاده تر ترقی یافت- ببین تاریخ اسلام - چون صنعت طبع معلوم شد تثبیت تجربات علوم و حقانیت و فنون زیاده تر ترقی یافتند و از کثرت اشاعت اصلاح جهان بیفزود - که ببین تاریخ تهذیب یورپ و حاضر احوال ترقیات فرنگیان را آموزگن - ۱۲

(طبع یعنی چهاپه ۱۲)

در فهم باشند درینجا بنا شد۔

درین کتب خانه کسان هر امور را بسهولت راه دهند انچه انفع باشد ایشان اقتباس نموده بذریعهٔ اخبار و خطبه و رسالها بدیگران خواهند رسانید و خود هم مستفید خواهند شد۔

در مدت قلیل بدینطور بدین وسیلها علوم حق علوم[1] اسلام و علوم مفید[2] شائع خواهند شد۔ و جاهلان هم از امور دینی متعلق کمال نفس و مصالح دنیاد آگاهی خواهند یافت۔ و فرادان کار آگاهی خواهند اندوخت۔ ببینید چه انفع وسیله هست۔ این کارخانه فی الحال ذریعه روزی بسیار کسان میگردد۔ و حالت قومی بدانشمندی عمومی رو به قوت و نجاح و بهتری نهند۔

## اخبار

این جریدهٔ اخبار که اجرا خواهد شد بطرز مخصوص اجرا خواهد شد۔ از و هم نفع گوناگون در امر مقصود ما پیدا خواهد شد۔

---

[1] این سه گانه تفصیل برائی فهم انکسان ست که نظر ایشان بر عالی معارف اسلامی بنا شده و اسلام را با "حق" و "فائده" مماثل نداشند۔ ورنه در تحقیق ما تمام اسلام از حقانیت و فوائد انسانی در هر باب مملو است

[2] دیگر یک امر که باعث تنزل اسلامی شد آنست که از گناه گاران بعض دارند حالانکه خود گناه گار باشند اعراض کنند و تحمل بر مشقت اصلاح ندارند۔ برین خیال نکنند که فهم انسان اکثر قاصر است و بوجه اشتباه و اغراض متنوع و رنگهای عالم و تراکم مقاصد مختلف و غلطی هاست۔ و رموز حکمت و راستی بر کسی ظاهر نشود۔ الا در بعی غرضی۔ در حالت نظر از۔ در حالت سکون طبیعت قابلیت احتراز از مستلذات۔ احتراز از حرص کذب۔ پس در چنین حالت۔ کینه از عاصی روا نیست طریقه تعلیم و تفهیم جاری باید داشت

متاب ای پارسا رو از گنهگار ٭ به بخشائندگی در وی نظر کن ٭

کینه از غیر مسلم هم هیچ جزو اسلام نیست انچه در زمان پیغمبر بود سزائی بدکیشان مجرم بود که در ایشان

بدانید که نفع جریده بر مضمونِ او و لیاقت و هنرمندی و تدبیراندیشیِ او
منحصر باشد۔ غرض بسیار اخبارنویسانِ این زمان صرف تمسخر یا قصه‌خوانی
بوده است۔ غرضِ ما آن نخواهد بود!۔ غرض ما مصلحت و موعظت و اشاعت
علوم مفیده و بحث در مصالحِ ما و اندیشیدن و اعلان شکل نجات ما از مضرات
و آموزگاریِ عمومی۔ و حصول اتفاق در خوبیها و پیدا کردنِ مستعدیِ عمومی
دران خصوص۔ خواهد بود۔ و همراه آن رسانیدن بگوش گورنمنٹ قبایح
آن امور از افعال و منشای او که مضر ما باشد۔ و آوردن همتش را بدان که نسبت ما
بحقوق ما که چندین کرور در هندوستان هستیم اعتدال پذیرد۔ و مصالح ما را
پامال نگرداند یا از آن غفلت نورزد۔ چنانکه در عرصه شصت سال واقع شده
(کُلُّ اناءٍ یترشّحُ بما فیه) نویسنده باید که چنین مضمونها نویسد۔ و الا در هند
بسیار اخبارنویس در اردو و بنگله هستند۔ از اجرای این جریده نفعهای ذیل
منظور است۔

مقولهٔ بیکن حکیم دانا انگریز ۱۲

بدانید! که از علم انسان را قوت حاصل میشود۔ و کارهای انسان را
نجاح و وسعت کمال حاصل میشود یعنی محقق است که هرگاهیکه کسی را طریقه

---

هیچ خیر نبود و آنچه بود محض حق بود مثل آنچه در کارهای ایزدی دیده میشود "فزود آمدن زیادتی کننده"۔ و این که در این
زمان در خیال جهلائی اسلام است۔ تا حق دست تا آنکه تعلیم نکنم هیچ سزای گریزنده را از تعلیم نباشد۔ علمای که
تعلیم ایشان میکنیم خود مجرم هستیم۔ بلکه خود نمی دانیم که اسلام چیست۔ خود محتاج تعلیم هستیم۔
ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا۔ (همین حاشیه کتبهٔ خیر امته امنه)

کارها معلوم شود آن دانندهٔ کارهای خود را حسب خواهش خود بنجام دادن تواند - و دست و پایش بسته مجبوری نباشد - و روشنی کاردانی دل او را بینا کند - است شرح آنکه گفتیم که علم قوت می بخشد - دست و پا می بخشد ''و علم* روشنی است'' که دیدهٔ بینش می بخشد -

مقوله حضرت عباس

و از علم درینجا مراد علمهای کار برآوردن و نفع حاصل کردنست - و آن زیاده ازان باشد که طفلان حسب طریقهٔ مروجه الحال در مکتب می آموزند -

پس اگر مهتمم و مضمون نگار جریده صاحب سخن و معانی و صاحب تجارب کاردانی باشد - میتواند که خوانندهٔ نامه را به سهل ترین ترکیب و بدون آنکه کدامی کلفت در مزاج خوانندہ راه یابد (چنانکه در تعلیم مکتبی میشود) بکثرت دقایق کسان از روشن طبع و کاردان سازد - از تعلیم مکتبی درین قسم تعلیم خصوصیتی است که آهسته آهسته و بدون گرانی طبیعت دانش در دل می آید - و چون مضامین نصایح با سوانح غریبه و وقت آمیخته باشد بدمزگی مضامین خشک "محض نصیحت" رفع شود -

پس غرض این جریده آنست که دل و دماغ مسلمانان بعقل و هوش قوی شود و همت عمومی بزود ترین ایام بطرف مصلحت مبنی متوجه شود -

و دیگر آنکه چون درین زمان بالعموم کسان از احوال عالم و مصالح خود شان مناسب زمان نا واقف هستند - بدین طریقه تعلیم پیران و جوانان که داخل مدرسه نخواهند شد بآسانی ممکن ست تا کار ترقی اسلام دیری نه پذیرد -

وپدران روشن دماغ شوند قبل از آنکه پسر انرا تباه سازند -

واین جریده برای حصول اتفاق مسلمانان در مصالح اسلام کار خواهد کرد و آهسته آهسته قوم را بدور کردن آنچه باعث نقصان شده و گرفتن آنچه باعث نفع باشد آماده ومستعد خواهد کرد - و به کارهای عظیم همه را موافق ومعاون یکدیگر خواهد ساخت - از برکت نتایج این جریده اسلامیان هر کجا که باشند ملت واحد میشوند

خاص ترین واهم ترین فواید آنست که حقوق اسلامیان هند هست - بباید دانست که خاصه گورنمنت انگریزی آنست که بر غلبه آرای رعایا کار میکند تا فساد واقع نشود - واکثر رعایا در آرام باشند طریقه سیاست همه حکومت فرنگ چنین باشد - وچون فریقی را قوی میند و داند که آن فریق کدامی امر را مکروه دارد از آن احتراز نماید - وچون داند که فریق قوی چیزی را پسند کند آنرا اجرا نماید - اگرچه این امر در کدامی قانون مجریه وقت درج نیست امّا از رموز سلطنت انگریزی ومسلک جهانبانی وسیاست اوست - و بر دانایان قوانین وفن تقنین انگریزی و واقفان از اصول "پولیٹکه" ومسلک جهانداری قوم فرنگ خصوصاً قوم برطانی آشکار است - اصول سلطنت فرنگیان همین است - از کارهای ملکی سلطانی فرنگیان بدان پی میتوان برد - به همین اصول عمل گورنمنت انگریزی در انگلستان که قطعی از فرنگ است در ولایت خاص

اوست است - برین اصول عمل او هم در اینجاست - چون بیند که اغلب رعایا در کدامی امر معترض است آنرا بکند - و چون بیند که معترض نیست آن را بکند - رای و تحریر یک دو کس را هیچ پروا نکند - خواهی اینرا عدل و حفظ حقوق خوانی - خواهی اینرا زمانه سازی دانی - خواهی تدبیر و آداب سلطنت گوئی -

ازین سبب بود که در اوایل تسلط اینقوم چو مسلمانان هنوز بکلی [illegible] شده کمزور نگشته بودند - یا گوئی همینان نالائق و بیدست نبودند که حالا هستند - همه کار سلطانی موافق دلخواه ایشان بود حالا که مسلمانان روز بروز [illegible] ترقی و انجاح را ترک میکنند و از غفلت و کاهلی محتاج شدند و میشوند - و اتفاق قومی در ایشان باقی نماند - بلکه آنقدر همت هم نماند - که زبان بمصالح خود ها بکشایند و در دفعیه آنچه باعث مضرت قومی خودشان باشد توجهی بر گمارند و سعی بکار برند - از جهت کارهای سلطانی خلاف شان واقع میشود - بدین سبب میتوان گفت - در دنیا هرچه کار آمد است لیاقت ذاتی و اخلاق نیست کسی در عالم یار و مددگار کسی نیست هر کسی را عمل خویش نفع دهد - بدین سبب نمیتوان گفت که گورنمنت انگریزی بر ما ستم است - چنانکه باندک توجه کسان بعض (اگرچه همان کسان شخص ممتاز بوده میشوند) از غایت فرح ظاهر کرده میباشند و در جامه نمیگنجند - نه آن میتوان گفت که مخالف ماست چنانکه همان نادان از بعضی [illegible] میگویند - بلکه حال آنست که چون ما بر خود رحم نمی کنیم کسی بر ما رحم نمیتواند کرد

بلکه در آیات قدرت همچنین نوشته اند. هر کسی را عمل او بکار آید! تا آنکه کارهای خود نکنیم هیچ امید بهبودی نمی توان کرد -

الغرض سخن درین است که بنا براین مسلک ملکداری گورنمنٹ انگریزی که حالا مسلط درین مملکت است شنیدن مطالب و شکایتها و حاجتهای رعایا بر خود لازم کرده است و بدین جهت آزادی رائے را رخصت داده -

پس باید که ما این رمز را دریافته نفع ازان برداریم و شما که اند ما این امر را دریافت می نمائید ازین نفع بردارید و بدانید که چون محصول خورده پی بدین برده اید حیف باشد که شما ازین نفع نگیرید -!

بدانید که دولت صرف چالاک را باشد - برخیزید تا کار خود را درست کنید ضمنا بیان کنم که ازین رخصت رائی زنی و عقل سخن شنیدن کمال دانائی گورنمنٹ پیداست[55]

[55] کمال دانائی گورنمنٹ انگریزی ثابت است" - این رخصت رائی زنی برای ملکداری بسیار خوب طریقه ایست ملکداری را بسیار اهم است که حقه انجام نیابد الا باستیاری تحقیق و مشاورت گروه کثیر - (م ع) نشاید به یک تن جهان داشتن - ازین طریقه رخصت رای و رای زنی بے بادشاه را هیچ عیب بیشتر عدل خود بخود ازین طریقه کمال یابد زیرا چه به نظر افشاء کلاء سلطنت در جبار ابر ظلم بر زبردستان اقدام ننمایند - تا خلائق و پادشاه را دشمن نگرده باشند - و یکی بر دیگری ظلم نکنند زیرا چه مصلحت بینی و سخنان حقه سکنائی ملک زان می آموزند - هیچ بادشاه در محافظت رعایا از مظالم اندرونی بسیار کم شود - زیرا چه چونکه اندیشیدن تدبیر در مسئلات ملکی در معاملات اندرونی و بیرونی اهم ترین کار سلطنت است ازین طریقه چشم های وافر دلهای وافر است آنکه هیچ زد بد در کار ملک نگاه دارد ازین طریقه آنقدر استمالت ملک را و عوام برایا را و خواص را حاصل شود - که هیچ گنج و سپاه و از هیچ بزم و رزم و شمه ازان برنخیزد - دیگر فوائد از احقاق حق و انکشاف منافع عمومی و خصوصی بیشمار اند - که آنرا درین مختصر که مقصد دیگر دارد چه شرح دهم - نتیجه این حالت شادمانی رعایا و امن از فساد رعایا باشد - و از جانب دیگر آنکه چون عمومی رعایا را ازین طریقه آسائش و نجاح حاصل شود هر آئینه امت بیفزاید و مالدار و قوی شود - و بادشاه بلا منت منافع آن شریک شود -

[Margin note:] ۵۵ بعد تحریر ۵۵ آزادی رای را در بند تحدید شد
[Margin note:] ۵۴ افسوس که سلطنت آمادگی دیر فا ستن گشت بعد ماده شریف مصرح در منصب صحیح - و تفاریع عالت خود با - دیگر از (ی) - و سفر - و علو ... ممکن نیست ۱۲

انگریزی ثابت است - زیراچه نجاح سلطنت و بقای او درین است و ازین نهر هم برما
کرد بلکه بر خود کرد - کسان عالی منصب که بالای این سلطنت ناظر هستند و بانصرام
امور سلطنت مامور اند - و از وسیع کارخانهٔ انقلابات انسانی واقف
هستند - میدانند که هر سلطانی که کار خود بدیانت انجام نداد ذلیل گشت
و حق جلّ و علا وقتاً فوقتاً بروی او تنزل و خواری فرستاد -
(سبحان الله وبحمده . تعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر)
قیاصرهٔ روم و کیان ایران و بنی امیّه و عباسیان اسلام و مغولیان هند
چون از فرائض خود غافل شدند و همه ابرو خوار و منتزع از سلطنت گشتند هیچ
سلاح و هیچ سپاه محافظت ایشان نتوانست کرد - فی الحال کسی از نشان ایشان نام
هم نمیگوید - و بعضی از ایشان را در مرشد آباد و کلکته و رنگون میتوان دید -
که از ذل و ضعف اهون بنی آدم هستند - میدانید بدین درجه از چه رسیدند
- از ان رسیدند که ظالم حقوق بنی آدم و غافل از فرائض خود گاهی نجاح

(۱) ایران و عرب و روم و جمله پادشاهان اسلام را آنقدر مواقع افزایش و سرافرازی در میان
پادشاهان جهان هستند - که دیگر سلطنت ها را مثل آن حاصل نیست - و وجوه آن چند در چند هستند که عجب ام
که ایشان چه غافل اند - و افسوس که ایام عمر به باد میرود و چون به پیری رسیم آنقدر نمی توانیم که در جوانی
کنیم - و از دست ما چه چیز آید - تا آنکه کشتی ما تباه شد - خصوص از تا پرسانی مثل من سعید است آنکه زود پند
پذیرد - سعید است آنکه در اجرائی تدابیر بعد فهم تاخیر نکند - و زین طریقهاست که خواندیم از اجراء یک حسنه
ده میخیزد و از ان ده صد میخیزد و همچنین بیفزاید - من جاء بالحسنة فله عشر امثالها - و نیز در باده دین تحقیق را
رخصت باید تا غلط فهمی ها مرتفع شود - اما سفاهت و ظلم را دفع باید کرد - ماخوذ از کتاب سیاست و تدبیر ملک -
ببین در دیباچه چه رموز حکمت که درین اشعار سعدی منطوی است اهلی فرنگ خوب فهمیده اند و اتراک و ایرانیان
هیچ ندانند - (شعر) رعیت چو بیخ است سلطان درخت * درخت ای پسر باشد از بیخ سخت *
(از کتاب سیاست و تاریخ تنزل مسلمانان)

نمیباید و هر که خواهد که پادشاهی کند بگو راستی ورزد - عدل بکند حقوق مستحقان رساند و بر خلائق
شفقت نموده احسان کند و کار ایشان را درست سازد (سید القوم خادمهم) جمله ایست پر از معانی
بسیار در فن جهانداری و رموز سروری - رسول (صلعم) فرموده - الملک یبقی مع الکفر ولا یبقی مع
الظلم آمدم بر سر مدعا - ما اسلامیان پنج کرور در هندوستان هستیم و خلاصه شرفای
قوم ما بمقابله خلاصه شرفائی دیگر اقوام در تمام هند از نصف تمام شرفا کم نباشند - بران زیاده کنید
قابلیت و جودت اخلاق ما که در قرآن تعلیم شده و وصول بدان بر ما فرض است تا چون از زمان رفاقت
و رسومات پوچ که از جهالت درین ایام میداریم و هیچ جزو دین غرا و قویم نیست کناره کنیم
- سوای عدل حقوق و احسان و اشاعت خیر هیچ ندانیم که مراد ما هم و مقاصد مذهب ما نیز
گورنمنت باشد - پس چون مشکلات خود ها در جریده های خود باتفاق تصریح نمائیم چگونه گورنمنت
هندیان گوش نخواهد نهاد و اگر گوش نکند آنوقت ظلم کرده باشند و آنگاه میتوانیم که بگوییم
(ان الله لا یحب الظالمین) و اگر بر آیت قرآنی ایمان نیارد صفحات تواریخ و تجربه
امور انسانی هم موافق قرآن ناطق است -

دیگر اقوام از رعایای سلطنت هند بدین ذریعه کار خود میکنند بلکه اسلامیان هند در
مغربی و شمالی هم کار میکنند - افسوس است که اسلامیان بنگاله باوجودیکه نصف خلقت
کل بنگاله باشند ازین ذریعه کار نمیگیرند و حاجات خود بر گورنمنت عرض نکنند و در رفع اسباب
تنزل خود ها از گورنمنت امداد و معاونت نخواهند - ازین جهت بیشتر میگویم که کار خود با جهد

جریدهٔ انگریزی
روزنامه و یادداشت امور

۱ شنوائی و نیوشندگی از عاملان اول ذریعه و بهترین ذریعه دفع جور و ایصال حقوق است و ناشنوائی
اگرچه از صفات کفر است (وهم لا یسمعون ولا یفقهون) هم سبب خیبت و نقصان در عدل است

بکلی هیچ برای شما نمی تواند کرد۔ و هر که از شما در کار شما دخل دهد خطا کار است۔

پس این جریده محافظ حقوق مسلمانان میگاله خواهد بود و بر مصالح خود شان
گفتگو خواهد کرد و حقوق شان را از بازگیرندگان واپس خواهد خواست تا بعد از نتایج و ثمر
آن همه را ترویج گردد۔ و وقتاً فوقتاً چون از وسائل مجوّزه اسلامیان لیاقت کامل یا در فن خاص
حاصل کنند این جریده از شکلهای مناسب برای رزق و مشغولی نشان خواهد داد
برای اتفاق عمومی پیدا خواهد کرد۔ بدین طرز از فلاکت نجات میتوان یافت۔

## مدرسه

مدرسهٔ کلان که انشا کرده شود در آن علوم مفیده بطرز و برعایت اسلام تعلیم نموده
شود۔ بدانید که مسلمانان را عموماً از خواندن انگریزی نفرت است۔ بدانید که این خیال که
بر غلطی و جهالت مبنی بود۔ در قرآن عظیم یا در حدیث نبوی (صلعم) هیچ منع از تحصیل
زبانهای غیر عربی نمی بینم۔ نه قیاس مقتضی آنست که دینی که از خدای همه مخلوقات و همه انسان

۱ فوائد علوم را در ایضاحات تدابیر بیان کرده ام۔

قبل از اهتمام تعلیم انگریزی در مرشدآباد مدرسه بود و هم در کلکته مدرسه بود۔ از اینجا چون مردمان
تربیت یافته بیرون آمدند شائسته و دانا و متحمل و با مروت فراوان بودند و در اوائل تسلط انگریزی چون
تقید بر حال ایشان میشد کسان از اسلام با رعایت اخلاق بودند هم خبر از ایشان یافته ام هم در
بعضی آثار ایشان خود از ایشان دیده ام و پدر بزرگوار من که شائستگی با آهستگی بسیار و صبر و حکمت و
فضل عقل فراوان داشت از آن گروه است و اندیشه آن خود که سخن میگوید حکمت و لیاقت ایشان ثابت
میشود۔ حاصل آنکه ایشان را چون تربیت کنند و در حوائج ایشان تنگی نشود و تکریم ایشان کنند آئینه
مروت و کریمی در ایشان میفزاید۔ تدبیر من بر این اصول است۔ و از تواریخ واضح میشود که هر جا که
مدرسه بوده با فضلا جمع شدند و تهذیب آرام در آنجا و در نواح آن بیفزود۔

برای کافهٔ انام فرو فرستاده شده - آن دین را نفرت از کدامی زبان انسانی باشد -
این محض جمعانیت مسلمانان بود و جاهلی شان از علوم عالیهٔ اسلامیه بود - اما بر اصول دیگر
این نفرت بجاست زیرا چه کتابهای انگریزی اکثر نوشتهٔ عیسائیان هستند که انصاف را دخل
نداده اند - و چنین کتابهایی پر تعصبات و کجی های مصنف است که بر معلمان نو آموز
پدیدان نتوانند کرد - اکثر مصنفان انگریزی از علوم و اخلاق اسلام واقف نیستند صرف
خرابیهای اولاد نا تربیت یافتهٔ هنرمندان ماضی را مشاهده و عیان دیده بر بعض علوم خود
ارکانشان در جهان آراسته کرد - و بر افرادهای دور دراز ایشان را دسترس دنا دانان گشته
انگریزی انجیلیت و جاهلیت به نسبت ما کلام کنند که خون در جوش آید و طبیعت متحمل کلمات
استخفاف نگردد - اگرچه نزد ما از این جاهلی و سفله مزاجی و بدانشی شان ثابت شود - اما
طفلان ضرور فریب خورند خصوصاً آنوقت که از علوم اسلام واقف نباشند - و در تعلیم ما
یک نقصان عظیم آنست که کسان از علوم خود شان بهره حاصل نکنند و از دینیات و تهذیب
اسلام هیچ نمی آموزند -

الغرض نتیجهٔ این نفرت آنشد که تعلیم که از طرف بادشاه میشد اگر ناقص و گر کامل بود

---

له حق آنست که میدانم که اخلاق مسلمانان در اکناف عالم متنزل گشته و خصوصاً آنانکه در هندوستان از ایشان هستند زیاده
تر متنزل هستند چون با ایشان معامله میکنم ایشان را بدترین خلائق می یابم - و هرانم زیاده رنج مرا از ایشان رسید
یا از انگریزان رسید یا از هنود رسید - مبسوط که مرا از ایشان رسید دلیل بر حکمت کامل دکار و هیچ دارای جهان است
اوکه بر نام مسلمانان فریب نخورد بلکه کار ایشان را بیند (شعر) گربه مسکین اگر پر داشتی + تخم گنجشک از جهان برداشتی +
هیچ نیاز این وجه آنست که دشنام دهند بلکه وجه آنست که تربیت کنند - ۱۲

آنرا ترک کردیم - خود هم بطرف اجرای تعلیم مناسب توجه نکردیم - بدینطور تعلیم و تعلم از ما مفقود شد - و در زمانی جاهل برآمدیم و حکمت و تیغ که هر دو باعث فروغ ما در عالم بود هر دو از ما رفت - از علوم هرچه از آن ما بود آنرا گم کردیم - هرچه نو آمد بوجب انقلاب زمانه مفید و ضروری بود - از انهم هیچ بهره برنداشتیم - و نتیجه جهالت هرچه میشود آن بر ما ثبت ذلیل گشتیم - غافل گشتیم - محتاج گشتیم - عاصی گشتیم - نا پرسان گشتیم - لائق آن نماندیم که با ما خطاب کنند و تحمل خطاب هم نمیداریم - لائق محافل و مجالس نماندیم - و کسان ما را دعوت نمیکنند - و کسی از ما سخن نمیگوید الا باستخفاف - خاندان های ما روز بروز تباه میشوند - و مضمون آیات بقوم آخرین تمام میآید - کسان ما از فاقه لاغر و بیمار مینمانند - آثار لعنت و ادبار بر رویهای شان پیدا - مصالح خود را ندانیم - دوست از دشمن فرق نکنیم - بلا ها بر سر ما میریزد - کل گروه های مجاور کار های مضر بنسبت ما میکنند و ازان بیخبر هستیم چه جای آنکه بجواب آن لب کشائیم - بلکه سرکار هم که بوجه رشته رعایا و سلطان که از روی منصب خویش او را بر ما سایه اندازی میباید کرد بوجه بیدانشی ما از ما و از مصالح ما هیچ پروا نمیکند -

پس از نتیجه بی تعلیمی هم ثابت میشود که تعلیم ما بر ما واجب و اگر برعایت اسلام یا بپاس عالیه ما شریک تعلیم مجاریه نه شویم - طریقه تعلیم مفید و مناسب خود را پیدا کنیم تا عطلت ما دور شود - و بسبب آن نفرت که از انگریزی میکنیم در نقصان نباشیم این امر بذریعه یک مدرسه عالی توانند بود - که همه ضرورت ها را کافی باشد -

---

خدای فرموده - خدا نمی پرهیزگار را و شناکنندگان را دوست میدارد - (ان الله لا یحب [illegible]) [illegible] دیگر آنانکه از و میترسند علما هستند ۱۲

بدانید که چه چیز هندوان را در بنگاله بر شما فوق داد محض انگریزی دانی و توجه گورنمنت نبود
بلکه آنچه ایشان را قوی کرد هنرهای انگریزی و دانش و حکمت بود که از آن انگریزی بیاموختند
و چه چیز انگریزان را انجاح و کار شان را رونق داد - همین دانش بود ورنه ایشان هم در ابتدا
حالات خود ها مبتذل بودند -

بدانید که این همه ترقیات این اقوام که می بینید هیچ وجه کافی نبود - و چه آن دانشها
که می آموزند - و چه آن دانشها و علوم و هنر است که ایشان بذریعه انگریزی می آموزند - تدبیر من آنست
که همان دانشها که ایشان آموزند - بذریعه فارسی آموزانم و تدبیر چنان کنم که کتابها در آن
خصوص مهیا کنم - و همراه آن در آن مدرسه دیگر علوم اسلامی هم تعلیم کنم - یعنی عربی و
فارسی را برای خود و حسب خواهش خود قائم داریم - و بذریعه آن، آن فنون و هنر تعلیم کنم -

نظامی چنان کن براه صواب
که هم سیخ برجا بود هم کباب

اینقدر درینجا میباید گفت که از آن تعلیم که فی الحال به تقلید ایام گذشته در میان
ما جاریست هیچ کار نخواهد کشود - نتیجه آن دیده ام که ما را دانش برابر انگریزان و دیگر امم فرنگ
نمی آموزاند - و ما را آن لیاقت نمی بخشند که کارهای ما آنچنان وسیع و روان شوند که کارهای
ایشان میشوند - پس اندرین حالت تعلیم مروجه ما را آنقدر ترمیم کنیم که مفید گردد - پس درین
زمان که جهان و جهانیان را روز بروز از نوست طریقه تدریس را باز گذاریم و در تعلیم طرز نو را
طرح افگنیم که مناسب حال باشد و کار ما را در میان امم جهان بالا کند - اندرین شکل از
کتابهای قدیم آنچه لائق و درست و بلند باشد آنرا انتخاب کنیم و از تصانیف نو و هنر و

فنون را بر آن اضافه کنیم - و درس اینچنین کتابهائی نو و کهن جاری کنیم -

تعلیم پرهیز نو در حقیقت بر هدایت باهره (آیه) الذین هم عن اللغو معرضون [1]
بنا کرده خواهد شد این آیه قرآن آنست که سابق ذکر آن کرده ام و در اینجا فلاح مؤمنان را
منوط بچند امور کرده است که یکی ازان پرهیز از لغو است پس اول قدم ترقی حسب حقی برای
ما آنست که از لغویات پاکی اختیار کنیم و اوقات خود را از ناشائستگی مستخلص کنیم -
و اول قدم درین امر خلو دماغ از تهم و مقاصد لغو است - و رفع سرگرانی از خیالات ناکاره
که حاصل آن حقیقت نباشد - این امر از تعلیم مزکی و نمودن راه بکارهای بلند و شایسته
حاصل خواهد شد -

فردوسی را دو شعر درین خصوص متضمن هر این حکمت بوده است -

دگر گفت آنکس که افزون تر است ستاده　　کدامست و بیشی کرا در خور است

بگفتا که آنکس که داننده تر　　به نیکی و کردارش آید به بر

خلاصه مقصد آنکه علوم مفصله ذیل بسهل ترین ترکیب باندازهٔ لائق و بدرجات
متفاوت برای اقسام طالبان حسب استعداد و وسعت ایشان در معاش و در مقصد
درین مدرسه تعلیم داده شود -

* حسب خواهش [2] قوم فارسی را ذریعهٔ تعلیم فنون داشته شود -

تفصیل فنون علوم محض بطور اشاره و تبیین مقصود حسب ذیل است

* مهید انمن بعض کسان درین امر اختلاف خواهند کرد تا هم اقوی خواهش اکثر گشتگان از قوم موافق آنچه رای ایشان است و ناپسند من درین رائی خیر است ببین دیباجه ۱۲

[1] تهیه علم را دوست بیدا است اینجا آغاز کردم که هنوز بطرز وسیع کسی نکرده ۱۲ منه ببین صفحه (۱۶)

[2] خواهش کار داخل سرشت انسانست ببین حاشیه بر نقد کانه صفحه (۱۸) ۱۲ منه ببین تفصیل تدابیر ۱۲

(۱) علوم ذیل در زبان عربی تعلیم شود —

صرف و نحو و منطق بقدر ضرورت و بلاغت عربی - آداب انشاء و محاورات احادیث و قرآن و تفسیر قرآن و تاریخ مفسرین و محدثین وغیره

(۲) علوم و فنون در زبان فارسی تعلیم شود —

جغرافیه[۱] - حالات دیار و امصار و عجائب اقوام روی زمین و پادشاهان و مملکت داری شان -

(۲) تواریخ[۲] هندوستان خصوصا پادشاهان اسلام این زمین و کیفیت استیلای شان در هند و وجوه تنزل شان و استیلای سرکار انگریزان -

(۳) تاریخ عرب و استیلای شان در اکناف عالم مع مجمل از احوال ایشان و اولاد شان که درین زمان در مختلف ولایات بوده اند -

(۴) تاریخ ظهور اسلام مع بیان اشاعت آن در اطراف عالم و حالات ترقی آن و وجوه تنزل آن درین زمان مع بیان اخلاق اسلام هنگام ظهور اسلام و اخلاق اسلامیان درین زمان و حالت تمدن شان و قوت شان و صنائع شان چنانکه این زمان موجود است

(۵) تاریخ امم قدیمه مثل ایران و یونان و روم مع مجمل احوال حکمای ایشان اندیار وجوه ترقی و تنزل شان -

(۶) تاریخ ترقی تهذیب در فرنگستان -

---

[له] دیگر یک امر که باعث تنزل مسلمانان شد غلط فهمیها در دین بود و بیخبری از قرآن کسان گروه ها برای دین با برادران خود و دشمنی پوشیده ساختند در قرآن علمیت و کسان از فوائد و نعمتها خود را محروم کنند و دانسته که برای حق میکنند حالانکه ناحق میکردند باشند از این محض تعصب ناتی است و سستی کمال در عمل حکمت قرآن می بینیم تا آنکه تفرقه مختلف بالا کل تا قرآن سرشته است درین خرابی خواهد بود -
(از کتاب مبارک)

[له] ازین فن خوف ظلم جابر و خوف جنگی روی دنیا رفع شود - (ارمغان الدوسعید)

[له] بر بنا این فن صحیح و توانین فراخ بنا تمدن بعنوان نهاد بر بنا این فن فهم نصایح قرآنی و دلائل صحت مضامین و وسعت نصایح آن حاصل شود - این فن در اصل صحیح راه سیاست و تدبیر ملک بنماید و قوانین قواعد نظام ملک و حقوق بنی آدم را اساس صحیح بر وسعتی آن بعنوان نهاد ازین فن ضرورت و فوائد دین بطور تر دید دلائل باطل زحکمای غلط فهم ظاهر شود - ازین فن انسان را فوائد اصلاح و تقوی حاندازه آن معلوم شود - ازین فن انسان فراخ دل و نیکو کار میشود - ازین فن تمیز درمیان راستی و نارستی دین بعنوان کرد - ازین حکمت اسلام را شرح حاصل گردد ۱۲

(۷) تاریخ انگلستان ـ

(۸) احوال و تذکره نامی کسان و حکیمان هوشیار دل و دانایان که بقوت طبیعی خود نامی شدند و آثار خیر در جهان گذاشتند تا قصه که جویند ترقی علوم را مفید باشد و باعث شوق طلبا و کاروانی گردد ـ

(۹) احوال پیغمبر صلی الله علیه سلم ـ جودت طبیعی وی ـ علم و سیع وی ـ وجه فضیلت او بر جمله حکما و ارباب مذاهب ـ شواهد تاریخی ـ دلائل نبوت پیمبر صلعم) ـ اوضاع زمانه نزول قرآن ـ کیفیت نزول قرآن ـ

## (۳) حکمت نفس ناطقه انسانی [۳]

(۱) حکمت اخلاق و فوائد آن و تعلق آن در بهبودی نوع انسان ـ تصوف چنانکه در کیمیای سعادت و قول الجمیل و تعلق اخلاق بعقیده و قانون

(۲) علم النفس ناطقه و الهیات و منطق بقدر ضرورت ـ

(۳) تذکره صلحا و کبار ـ

(۴) ماهیت و معصیت گناه ـ معنی اسلام و دین الله ـ ماهیت اسلام ـ میزان راستی دین ـ تاریخ ادیان و مذاهب ـ بحث وحی ـ و وحی بودن قرآن

(۵) شواهد نبوت محمد صلی الله علیه و سلم از حکمت ـ بیان آن وجوه که بدان دین اسلام از همه ادیان صحیح باشد معنی صراط مستقیم

## (۴) فن انشا و قواعد محاورات زباندانی فارسی [۴]

منطق ـ بلاغت ـ شعر فهمی ـ عروض ـ منتخب از نظم و نثر استادان مثل فردوسی ـ و نظامی ـ و سعدی و انوری ـ تاریخ نادری ـ منتخبات انشا

---

[۱] بجای تاریخ انگلستان در ولایات دیگر تاریخ آن قوم بخوانند که با ایشان روابط دارد ۱۲

[۲] این فن برای فهم قرآن ضروریست علم این فن انسان را بسیار آزاد میکند ـ نفع و نقصان افعال انسانی از آن بفهم آید و مع آن عالی پایگاه و درا انسانیت از آن حاصل شود ـ این فن در اثبات عمدگی اسلام رونق «علم کلام» را می برد [۳]

[۳] این فن برای ترقیات در فنون و هنر و حکمت کار آمدنیست و هم در همه حالت کار و بار از وی گریزی گریزی نیست و در همه ضرورت زندگی نفع میدهد بلکه اکثر او قات باعث تفریح دل و دماغ میشود و گونه تیزی طبیعت و طلاقت افزاید و آداب در دماغ از آن پیدا شود ـ ضرورت آن بیش از بیش در فن سیاست و ملکداریست و برای انسان بمقاصد خیر و منافع انسانی جستن است ـ برای این فن سلیقه و تاریخ و علم مدن میزان

پیچیده ۱۲

روضة الصفا و اخلاق ناصری وغیرهم

## (۵) حساب و ریاضی و هیئت

(۱) علم عدد (ارثماطیقی)

(۲) علم الجبر - (جبر و مقابله)

(۳) تحریر اقلیدس - و علم مثلث -

(۴) اصول مساحت - و پیمائش - حساب دریافت کردن بلندی کوه و دشت و مکانات بلند و مقامات دشوار گذار مثل جبال بلند - و وسعت دریا مثل دریای شور وغیره از آلات ریاضی - و ریاضی -

(۵) جر ثقیل - علم حرکت - علم سکون - کاز آن صنعت آلات مفیده دریافت شود - مثل صنعت ریل - صنعت گهڑی - فن متعلقه قلعه شکنی وغیره - انکشاف نجوم و حکم

(۶) فلکیات - استعمال آلات شغل این فن مثل اصطرلاب و دوربین و دیگر آلات ریاضی و مجمل از احوال اجرام سماوی و طریقه سیر آنان در افلاک حساب ایام آن و سال و ماه و تقویم و احکام کسوف و خسوف و حساب آن و وزن و بعد سیارگان و وسعت میدان افلاک وغیره - عجائب فلکیات و بیان اقالیم و در نزد شب حرارت و برودت در آن اقالیم و اثر آفتاب و ماهتاب در مد و جزر (جوار بهاٹا) که در بحر شود واقع شود - و سبب درازی و کوتاهی شب و روز و موسم خزان و بهار و بارش و اثر آفتاب در پیداوار عالم -

(۷) علم مرایا یعنی حکمت و حساب متعلق عکس برگشتن صورتها در آئینه و حکمت نزدیک نمودن صورتها در دوربین و حساب متعلق ترکیب ذره‌بین و عینک و امور بصارت چشم انسانی و رموز انعکاس صورت خارجی اندران - و اسباب کلان نمودن شکلها

سله ماخوذ از کتاب تعلیم این علوم بر انواع کار متمدن و خانه‌داری و غلام انسان بسیار بکار آید بسر توجه بر علوم این شق به مختلف کار ها امداد رساند علوم ابتدائی این شق هم در خانه‌داری هم در تجارت هم در ملک‌داری کار آید استعمال انواع ... کار ... تعلیم روشن میشود ... علوم ابتدائی کفایت شماری ... طبیعت پیدا میشود - یک شق این فن (مساحت وغیره) در ملک‌داری و جهانبانی بکار آید ... این ... یک شق آن در ملک‌داری و در تجارت ... و در بحر بکار آید (حساب سال ماه و تقویم و علم موسم و مد و جزر و وسعت روز و شب) - یک شق برای رفتن در بحر ... ترقیات تجارت (هر آن قوم) ... رفاه ملک ارتقاء ولایت ... حساب سال ماه و موسم ... وسعت روز و شب مقام سیارگان (در افلاک) تحصیل علم فوائد این علوم جز رسی و اندازه ... طبیعت را حاصل شود - معنی قدرت ایزد تعالی چنانکه در قرآن آمده ... آمده و دیگر عقائد مثل عیسویت و عقول ... بت پرستی و آتش پرستی و مردم پرستی و رسول پرستی و امام پرستی با عقل فرا یابد . علم افلاک همت اعالی و دل را فراخ و خیال را وسیع میکند و دل را از خرافات ... بالا کند و تفسیر اکثر آیات قرآنی را از اعلی فنون - این شق و سنت

و دوربین و حساب ترکیب آن - و اصلیت قوس قزح و اصلیت رنگها در اجسام رنگین -

## (۶) حکمتِ منزل

بسیار کارآمد فن است. حفظ آرام فرد [illegible] هر فرد بذریعه چند کلمه حکمت مقصود این فن است و آن آسان کرده شود ۱۲ طریقه

یعنی آداب خانه‌داری - بیان منزل قومهای دیگر مختلف فواید مختلفه خانه‌داری و معیشت و معاشرت تعلق طب بخانه‌داری - آداب محافل و مجالس - فواید زینت و آراستگی - فواید زن و شوهر وفاداران - و آداب آن - فواید شغل - فواید خدم - اندازهٔ سیاست خدم - ضرورت و فواید تربیت طفلان و زنان و جمله دانش متعلق منزل که از دیگر علوم یافت میتوان شد و باعث آرام و معیشت و ترقی و آسایش خاندان باشد - اصول منزل از قرآن -

## (۷) حکمتِ مُدُن

سیاست ملک مسلک جهانداری تعلق آن بقوانین و فقه - تعلق آن بتواریخ - و تعلق همهٔ آن با دیان و تحقیق حکمت و راسی متعلق تمدن و نقائص سلطنتهای اسلام این زمانه - اسباب ترقی و تنزل اُمم - و مجمل احوال ادیان و شرح آنکه دین اسلام از همه ادیان یکی است که شایسته و برحق است - تاریخ اساسی دیگر اُمم نامی مثل یونان و هنود و روم وغیره - اساس سلطنت انگریزی و رموز اعملی تعلیمات قرآنی که در خصوص سیاست و تمدن یافته شوند - حقیقت سیاست اسلام با اهلی دیگر ادیان و باجمله بنی نوع انسان -

---

وسعت معیشت داده موقع آن برای عوام انسان سابق ازین نبود و تربیت علم احمدی علیه الصلوٰة بسیار بلکه اکثر ثابت شد بغیر این علوم کسی نمیتوان فهمید که عیست باری آن همه حکما متقدمین و اکثر حکما معاصرین ناخوانده قرآن و در مغاک جهالت مانده میشوند ۱۲

له این فن شریف است که در آن از آدمی حفظ و فلاح و ترقی مجموع سکنای ولایتی بحث کرده شود - این فن انتظام اجتماعات انسانی است و حکمت متعلق کمالی تمام کرده است - فواید اخلاق بعض علما اند بعض فواید ازین علم ثابت شود و حد اخلاق هم بغیر این فن انکشاف نیز برود این فنی است که از آن سر ان الارض یرثها عبادی الصالحون منکشف گردد و سعی عمل صالح (اکثر زبان زد است اما هیچ یکی ندانسته که چیست) ظاهر گردد و وعده آیت حکمت و فلسفه ثابت گردد یعنی ازین فن بداند که اگر در معاملات راستی ورزند چه بار نفع بالآخر هر فرد را میرسد خواه بعبادت آن نفع هر فردی مقصود باشد و تجربی مثل روز روشن بدلائل قطعی ازین فن این هم ثابت گردد دیگر اگر کسی ضرر میرساند جانکه ضرر آن بالآخر بدو راجع میشود - من عمل صالحاً فلنفسه لیکن هیچ مومن و مولوی و صوفی نمی فهمد الا متکلم در فن و فن اخلاق - چونکه اصل اسلام هر دو کار رعی بهم یعنی او لا عبادت خدای یکتا با شرک پیکری نشود و دوم عمل صالح آنکه فرمود من کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً ولا یشرک بعبادة ربه احداً - لهذا میغه این فن در اسلام این است که خوابیدا فرزنده فی الحال [illegible] عابد نه عالم را رهنما طلب راستی کی کنیم - کسانی خود را عاشق خدا می پندارند و بر خلق نه بخشایند بلکه پوست ایشان می کنند - کسان خود را عاشق رسول الله صلعم می خوانند اما دیدهٔ ایشان از غایت تعلی بر زمین نمی آید - چونکه ایمان ×

له با آخرت مقابله نفع ناجایز فراموش میشود و بهتر خواهد بود که نفع دنیاوی که عمل صالح بداشتند تا اصلاح جهان حاصل شود و هیچ خلائق کم گردد - (دگر باره از دست این دوستان ؛ گریز آدم سوی این بوستان) ۵۲ یعنی تحقیق نقائص ۱۲

## (۸) قوانین فقه

قانون برٹش انڈیا - فقه - شاستر ہنود - قانون بین الملل مختصر احوال قوانین در دیگر ولایات - اصول قانون دیوانی منضامت + مال ملکی تجارتی - قواعد متعلق عہده ہای سرکاری - ولیاقت آن - رواج تجار -

## (۹) طبیعات

(۱) علم نباتات - درختان - بقولات - حبوب - اثمار - دادویات - وگلہا از ہر ولایت و ہر اقلیم که در خشکی و در تری پیدا شوند وحیات نباتی و اقسام فوائد نباتات و نوع انسان را -

(۲) علم حیوانات بری و بحری وطیور وستور وسباع وجمله اقسام آن وفوائد ایشان انسان را در مختلف اقالیم وولایات وطریقه گرفتن نفع از ایشان مجملاً وجمله عجائب متعلق -

(۳) علم معدنیات - سنگہای کار آمد - وفلزات که از کان بدر آیند واحجار نفیسه وطریقه بر آوردن شان وجمل احوال وکیفیت معادن در اکناف زمین

(۴) علم کیمیا وتراکیب اجسام وتشریح آن - علم عناصر یعنی حکمت آب ہوا علم انحلال اجسام وبخارات و ہوا وغیره که از آن تماشای عجیب مثل شہاب ثاقب وروشنی ہا در ہوا که دیده شود بیان گردد - وحقیقت آن عجائب که در روشنی ہای (گیس) وغیر آن میکنند دریافت شود وعلم کیمیای حیات انسانی وترکیب جسم انسانی خاصة وترکیب اجسام حیوانی ونباتی ومعدنی عموماً -

ازین فن چون متعلق واقف حوالہا ولایت دیگر که بدان تعلق داشته باشند واسنده در حفظ مال وآبرو واز جان وجسم قدرت حاصل کند وکارہای اداران ولایت بخوبی روان میگردد ۱۲

ہر شق این فن برای پیدا کردن دولت در ملک رونق تمدن مثل صناعات بسیار کار آمد است بلکه گاه باشد که صناعة که مدار آن بدان است بغیر مدد از طبیعات ہیچ ترقی نیابد ۱۲

ازین فن بسیار نفع متعلق صحت انسانی دریافته شده وہم بر مشاغل از روشنی شہر وغیره آن انسان را حاصل شده ۱۲

ریاح که از انحلال آب وہوا واشیاء مخصوص مثل (کوئله) وکال حاصل شود

(۵) علم برق وفوائد آن ـ طریقهٔ نفع گرفتن از آن ـ واستعمال آن در مختلف کار های انسانی ـ

(۶) علم حرارت کیفیت حرارت و برودت واصل واحد اختلاف حالت جسم باشد ـ انتشار حرارت واقسام وجوه آن مثل حرکت وشعاع آفتاب وآتش وترکیب اجسام مثلاً آب ـ با سنگ خشک نرم حرارت پیدا میکند ـ عفونت اخلاط در جسم حیوانی حرارت پیدا میکند مثلاً بخار وغیره وغیره ـ حرارت جسمانی حرارت حیوانی ـ درجهٔ اثر حرارت بر اجسام مختلف ومختلف درجه قبول آن در مختلف اجسام ـ ودیگر اثر های حرارت بر اجسام مثل تحلیل اجزاء مثلاً اثر حرارت بر آب وشکر ونرمی جسم مثلاً چربی وغیره ودیگر اثر ها غیر آن ـ اثر پشمینه جات وپارچه در حفظ حرارت ـ آلات متعلق حساب حرارت ـ

(۷) طب ـ تشریح ـ حفظ الصحت ـ تواریخ طب ـ احوال نامی طبیبان مثل جالینوس وبوعلی سینا ـ حکمت اعتدال حیوانی ـ خواص اشیاء نباتی وحیوانی ـ ومعدنی بر حیات انسانی ـ
یعنی طبی وغیره ۱۲

(۷) طب ملک ـ وفن آبادی دیار یعنی آنقدر از طبیعیات که در سیاست وجهانبانی درکار شود ـ

(۸) تعلیم قرآن متعلق اعتدال وجوهت حیوانی ـ اخلاق ملک ـ

## (۱۰) صناعت

(۱) فلاحت یعنی زراعت ـ اصول در نباتات و در طبیعیات بیان شود فروع در ینجا بیان شود ـ مثل ترکیب وفن وجمله معلومات متعلق زراعت منفرداً ـ نیل ـ چاو ـ برنج ـ گندم ـ جو ـ کادرس ـ نخود ـ ماش ـ سرشف

---

حاشیه:

له این فن های رسانیدن خبر بکار آید ـ وان در تجارت وسیاست ملک حفظ امن خلائق بکار میتوان آورد ۱۲

عله این فن هم در صناعت بکار آید هم در ملک داری وآبادانی شهر بکار آید ـ

[illegible]

عله [illegible]

عله (ماخوذ از علم سیاست) چون تربیت یافتگان کودکان خود را با نواع دانش خصوص طبیعیات وفن هنر ها هستند سرور یافته پرورش داده اند بدین قدر توجه کنند همه صناعت رو بافزایش وپاکیزگی آرد

کنجد وغیره - حبوب - واقسام ترکاریها مثل گوبهی وگاجر و دیگر خورش ها که زیر زمین پیدا شود مثل ادرک وآلو واروی یا در آب پیدا شود مثل سنگهاڑا وکسیرو یا بالای زمین مثل کدو وخیار وغیره یا میوه جات مثل انگور انبه وامرود ولیچی وبادام وپسته وخرما ونارجیل وتال وانناس وکیله وسیب وچرونجی ولیمو وترنج وغیره هم وجمله دانش متعلق زراعت مثل اسباب طبعی وموسمی ضروری هر قسم پیداوار در اقالیم مثلاً صلاحیت زمین ومقدار تابش آفتاب وآب در بعض ولایت وبرف در بعض ولایت شناخت زمین واندازه حرارت وبرودت پیداوار وتراکیب کم کردن وزیاده کردن آن وعدم یا فتن مزاج هر قسم پیداوار وترکیب باعتدال داشتن مزاج آن وترکیب جود وکثیر کردن آن - ترکیب اصلاح زمین وغیره امور -

(۲) تجارت[1] - احوال پیداوار ملکها نباتی ومعدنی وحیوانی وضرورت هرکدام وخواهش ازان در کدام ولایت که باشند وکدام قوم زیاده خواهش کند - احوال ترقیات صنعت هر اقوام که ازانجا اسباب ضروریات بسیار نفیس کار آمد بتوان آورد - وبیان طریقه آمد ورفت از ملکی به ملکی وخوی واخلاق اقوام وطرز رسیدن ومعامله کردن با ایشان - و تراکیب که تاجران در فروخت مال میکنند - کتب سیر تاجران وسیاحان - جغرافیه متعلق تجارت واصطلاحات ورواج متعلق تجارت خاص در گروه های تاجران - حساب متعلق تجارت - حفظ الصحت ومعیشت متعلق سفر - قانون متعلق کمپنی وایسوسی ایشن (اجتماع کاروبار ومجالس خیر) وقانون شرکت (وبیمه) واشتهار دهی[2] ودیگر تراکیب حفظ مال ودر ارسال از جای بجای -

(۳) علم جهازرانی[3] - خطرات دریا وحزم متعلق آن - راه های دریا

---

وهم ملک را فائده میرسد وهم افراد را میرسد وتمدن در افزایش وسوی فتح آرام در خانه داری جمله افراد بیشتر حاصل گردد -

هرگاه که جمعی از شریف همین ناظر شوند ضرور بتاصناعان تا ایشان کم مایه کم نگردد بلکه ایشان زیاده از سابق مطلوب باشند -

پدر بزرگوار پیغمبر ما بطعام از اهتمام مستورات بسیا خوب می پزد یاورچیان برابری آن نکنند کاری که شریف لطیف طبخ کند با کار سفلگان برابر نباشد -

صناعت درین ولایت ازان ابتر است که کسان تربیت یافته صناع بدان توجه نکنند -

[1] فوائد این فن ظاهر است ۱۲
اکثر دولت ومرفهات است ازین شغل شاغل باشد اصلاح ان ضروری است

[2] مثلاً کمیشن (ایلام) وغیر آن فروخت مال بذریعه اشتهارات دراشتهارات بذریعه تصویر صنایع مال هنوز در راه باشد در جهاز باشد وپیشتر از رسید فروخت میکنند

[3] فوائد این فن هم ظاهر است در تجارت در تعمیرات عالم واکتساب فضائل و

ودیگر التزامات ودانش متعلق آن - بیان آلات اصطرلاب ودیگر آلات وساعت وفوائد مقناطیس - وحساب دریا متعلق جهاز رانی وفوائد وقوانین متعلق سفر دردریا -

(۴) فن تیاری روشنی گیاس وماهیت آن - ترکیب حاصل کردن آن - آلات متعلق آن فوائد واستعمال آن طریقه روشن کردن شهرها وجمله معلومات انجام آن ومحاصل آن -

(۵) فن تیاری برف وادوات آن -

(۶) اصول جمله آلات عظیم - آلات بخاریه (کل ریلوے) طریقه حرکت دادن آن وروان کردن ریلوے ودیگر کلها متعلق بیماشی ... وکلها که در کارخانهای نیل وریشم وآهنگران وغیران مستعمل میشوند اصول این همه در فن جر ثقیل ذکر شود - درینجا تعلیم استعمال وتیاری مفیده مخصوص نامی مراد است -

(۷) اصول وفن نجاری - بیان آلات متعلق آن واقسام اجود وانفع آلات آن مع فوائد هریک ازان - احوال صناع نامی وتاریخ ترقی این فن - طریقه تیاری پالکی واقسام گاڑی وخانهای روان وکرسی های روان ودیگر سواریها - هودج - محمل وغیره - اسباب خانه داری صنادیق ومیز کرسی - الماری - انواع واقسام منقش ومجلا - ساخت ووضع وقطع هیزم در ترکیب مکان نقش عمده حسب دروازه ها وغرفها وجهلها و ... - فن مجلا کردن هیزم وکشیدن رنگ روغن بران که باصطلاح پالش وبارنش میگویند وطریق ساخت همچنین روغنیات حافظ وجلی هیزم - ودیگر معلومات متعلق خم کردن وسخت کردن ومحفوظ داشتن

سه گرمی

که روشنی شهر در شب در حفظ جان ومال واصلاح تمدن فائده می بخشد ۱۲ گیاس - ریاح اند که از اختلاط هوا وآب ودیگر اشیا بعمل حاصل شوند

که ازچنین آلات نوایجاد صنائع روز بازار نو است واهل فرنگ بر اهل اسلام غالب مدند ۱۲

سه راه آهنی فارسی ... سکة الحدید

بسیار مدد ترقی در تجارت وتغلب انسان در عالم باشد - ... این فن بدست صاحب جهاز ... ونوح کشتی وسفر ... ومسلمانان ...

(۸) فن و اصول آهنگری – آلات متعلق آهنگری – طریقهٔ جنس کردن آهن و تراکیب مختلف متعلق کارآمد کردن آن – تیاری انواع و اقسام اجناس ازان – فن مجلا کردن آن – فوائد آن در تعمیر تیاری چهری بکارد و اسلحه و توپها و بندوقها و پستولها و طپنچه ها و پیچ و تار و میخ و غیره – و اساطین و اجزای و آلات که برای خانه ها و جسور و جهازات و گروسات بکار آیند و انواع و اقسام اجناس آلات ازان که در اقسام مشاغل و مکاسب مختلفه بکار آیند –

ط۱ آهنگری و نجاری ضروری اوائل تمدن و عمارت گری های عظیم است ۱۲

چهری هندی کارد

(۹) علم تعمیر – اقسام و اوضاع تعمیر انواع مساکن مثلاً سرای لائق خلوت و لائق دربار لائق جوامع لائق زنان لائق طرز جدید زندگی – احوال نامی و تذکره معماران نامی گرامی و ریاضی دان بیان عمارتهای عظیم روی زمین و آثار قدیمه که ازان کدامی حکمت این فن ثابت شود – ترکیب و حساب شکلهای مستحکم – حالات هموار کردن زمین – گرفتن ارتفاع – امتحان راستی دیوار و امور غیرهم متعلق عمارت گری – علم تحریر و جر ثقیل و حساب ریاضی متعلق آن – تعمیر مساکن انواع از سنگ و چوب و گل و سنگ – تعمیر اسقاف انواع از سنگ و چوب و خشت و آهن و غیره – تعمیر جهاز و کشتی های جنگی و تجارتی و سواری مع آلات نجاری و غیر آن طریق پیدا کردن روشنی و هوا و صحت در مساکن – اصول آن در ملک های سرد و ملک گرم سیر و ملک رطوبت والای کوهسار – اصول و فن نقب زدن و حفر کاریز و نهر و تالاب و چاه و تعمیر سرک و پل و استحکامات جنگی و قلعه جات – بلندیها هموار کردن و حساب هموار گرفتن – مختلف نقشجات مکانات – کشتی و جهازات سواری و غیره – و بیان آلات متعلق تعمیر و دیگر معلومات مفیده متعلق تعمیر –

ط۲ پیچ فن برای صحت انسان و جود نشاء و زیاده ازین که مدنیت این فن آب طب میدهد و ضرورت معالجه را رفع کند – و بجای استعمال آن هم در ترقیات و کمالات انسانی نافع باشد – و بجای استعمال آن در ملک ما دلتن دلستن و لاثیت نفع دهد ۱۲

دربار هندی
بارگاه

سرک شاهراه طرق

(۱۰) علم مساحت و پیمایش - کارہا متعلق تھاک نقشه و مساحت زمین و کاریز و نهرها و دریا و مقامات دشوار گزار و آلات مخصوص آن و پیمایش و دریافت شکلهائے اجسام پیمائشی بر اصول ریاضی -

(۱۱) فن و اصول شیشه گری یعنے ترکیب صنعت شیشه - بیان اجزائے کیمیاوی (یعنی ترکیبی شیشه) اقسام شیشه و خواص فوائد هر یک صنعت دوربین - خردبین - و عینک و آلات ریاضی تاریخ ترقیات این فن صنعت آئینه - فانوس - اقسام (لالٹین) و فائدها حافظ روشنی و شیشه های مدور - صنعت تبدیل سرار و فوائد شکلهائے شیشه و ترکیب شیشه در پیدا کردن و زیاده کردن و دراز کردن روشنی آنچه از علم مرایا ظاهر شد صنعت بوتل و کنٹر و گلاس و شیشی عطر - طشتریها - پیاله - ظروف مختلف الانواع و اقسام مفید و خوشنما -

(۱۲) فن تعمیر شهرها و قواعد صحت و علم صحت متعلق آن یعنی تعلق طب کمسٹری به تعمیر -

(۱۳) باغبانی این فن علاوه فلاحت و زراعت باشد - درینجا مراد خوبیهائے متعلق بستان و فن آراستگی باغ و قطع چمن و خیابان و قواعد صحت متعلق آن باشد - پرورش درختان پیوند - قلم درختان -

(۱۴) صنعت طبخ و فنون متعلق حفظ الصحت و تراکیب اطعمه و اثر تراکیب اطعمه در طبیعت انسانی مع ضروری رموز طبیعیات متعلق این فن - و طبخ در طب - ساخت مربیات حلویات و اشربه فن عطاری یعنے شناخت جودت و نقص اسباب تفریح ادویات - فن کشید گلاب کیوڑه - عطر - ماء اللحم - تراکیب جوارش - معجونات وغیره

لہ
در آبادانی شهرها و دیار و در کار لشکری و ملک داری و ملک گیری بکار آید و دیگر فوائد بیشمار دارد ۱۲

ته
علم کیمیا و علم طب را ازین فن نفع شد و انسان از بیماری سل و غیره خصوص بهجت و رونق مسکن حفظ ضرر باد و حفظ روشنی که مر انسان را نافع است ازین فن بوده است

له
بسیار خوب فن است عشق و تصرف بسیار زاید ... - ثمر بخشد هم گل بخشد هم زر بخشد - هم صحت افزاید و طبیعت را انبساط دارد - هم تفریح طبیعت آرد - و اگر از علم نقاشی دهند مسئله مفاد بیکرار برارد دهند بهجت و خوبی در منزل و شهر می آرد ۱۲

سه
شهرها در ولایت اهل اسلام فی الحال لائق سکونت نیستند و ازین نقصان در جودت و کثرت خلقت اسلام رو میدهد ۱۲

له
صنعت طبخ را با فن حفظ الصحت و فوائد تراکیب فوائد بیشمار اگر آموخته شود در جودت انسان و دگرگونی حالت و کار گزاری خواهد افزود ۱۲

(۱۵) فن کارزار و علوم متعلق ضبط عساکر و تدریب عساکر - اگر کارزار را تابع حکمت داشته باندازهٔ لائق بموقع مناسب بکار آورده شود از نافعترین ضروری ترین فنون است و محافظ همه خیر است - حافظ ترقیات

(۱۶) اصول تار برقی و آلات متعلق آن -

(۱۷) اصول فن خیاطی[ملہ] - اقسام دوخت - اقسام وضع و قطع تو چنانکه در اقوام مختلف باشد - زینت و آراستگی ملبوسات متعلق دوخت و وضع - و فوائد مخصوص هر یکی از اقسام دوخت -

(۱۸) فنون متعلق چرمینه[عہ] - فن کفش دوزی - اقسام کفش - در جهان مستعمل است فوائد هر قسمی از آن - موزه ها و پوست ها و پوشش ها - صنعت صنادیق و کیسه ها و مشک و بوتل و غیره اسباب پوست فن دباغت پوست و اقسام و انواع آن و رنگین کردن و پایدار کردن و زیبا کردن و نرم کردن آن که بقیمت عظیم فروخته شود - مثل سابر و غیره که از مراکش بسیار زیباد خوشنما و نفیس می آید - تیاری کاغذ پوست که باصطلاح انگریزی (پارچمنت) باشد

(۱۹) اصول فن ملمع گری و زرگری زراندودن از نقره و طلا - مجلا کردن ——— و نقاشیها از زر بر ظروف شیشه و ظروف چینی و غیره ——— صنعت اسباب زیبائش و زیورات نقره و طلا خوشنما - و جواهر نشاندن بر آن - و ظروف نقرئی و زرین و منقش و بیترکیب مجلا کردن آن -

(۲۰) صنعت ظروف برنجی - مسی - مثل دیگ - رکابی - انبیق - ظروف کیمیاوی - ظرف کشیدن عرق و جوهر اشیا - و همه اقسام ضروری که در ملک خود یا دیگر جا باشد -

[ملہ] فن ساخت لباس مناسب هر وضع کار و مناسب هر حالت زندگی بسیار مدار ترقیات انسانی و صحت وجود است طبیعت انسانی در صنعت او درکار است و باشد و حضرت رسول را مثل فن تعمیر و دفع کند - ۱۲

[عہ] این هم مثل ساخت لباس و تعمیر بنیاد تمدن است ۱۲

[عہ] مراکش ولایتی است در حد مغرب متصل اندلس (یعنی اسپین) و فرانس که در قبضه مسلمانانست

(۲۱) فن تیاری ظروف چینی - اقسام و انواع در دغلیات متعلق آن و رنگ کردن آن و منقش کردن آن و تحریر برای زر و غیره حمایة اقسام که ضرورت آن کسی را باشد یا در خیال صناع ایجاد شود -

(۲۲) فن بافت[۱] - اقسام ریشم و پشمینه جات - پنبه - پوشش‌های پنبه - کتان - رفو - چکن - نقاشی و غیره دستکاری متعلق آن -

(الف) زر کاری (در بافت)

(ب) بافت ریشم و ساٹن وغیره

(ج) بافت دری قالین وغیره فروش از پنبه و ریشم و پشم -

(۲۳) فن شوب مخصوص پشمینه جات و ریشم و برقرار داشتن رنگها - رنگریزی خوب و حسین و پارچهای پنبه و ریشم و پشم -

(۲۴) فن طبع کتاب اقسام طبع -

(۲۵) فن فوطوغرافیا - تصویر عکس - و آلات آن[۲] احوال نامی هنرمندان و رموز این صنعت -

(۲۶) گهڑی[۳] سازی ریاضی متعلق آن - تاریخ ترقیات آن و دیگر آلات ساز نواختن وغیره مثل پایانه (ارگن) بین -

(۲۷) بیطاری یعنی طب حیوان مثل اسپ و گاو وغیره -

(۲۸) صحافی (فن جلدگری) انواع و اقسام جلد و بندشها - رنگین خوشنما - مجلا - زرنگار - منقش - مطلا - مجدول - ملمع کردن کتاب -

(۲۹) فن سنگتراشی و نقاشی - و تصویر و تحریر بر سنگها - و قطع نگینه‌ها و احجار نفیسه برای زیورات -

(۳۰) فن تعلیم و تعلم - قابلیت دماغ متعلم - فی الحال و استادان مسلمانان

---

[۱] فن بافت را مثل فن تعمیر در حفظ نوع انسان و افزایش او تعلق بسیار است - اما اعتراف در آن است که برای خیالی زینت او را انسان را صنایع کنند ۱۲

[illegible] ۱۲

[۲] این فن کار بیان و عبارت از نظر میدهد - و در تفهیم صورت عجائب قدرت و صنعت بسیار کار آمد است - در جواز عمل بدین فن کلام است اما در تحقیق چنان مینماید که هر منافی آن پیغمبر نسبت این فعل بود و محض مصلحتی - و چون وجوه مصلحت از انقلاب ایام برخاست ضرورت احکام بمصلحتی برخاست ۱۲

[۳] قدر ساعات (گهڑی) او دا[نند] که قدر وقت دانند و حیات انسانی را ضائع کردن نخواهند*

این فن آگاهی ندارند۔ وازین جهت اوقات طفلان ضایع میشود۔
بر تعلیم این فنون[له] اعتراض میکنند که صنعتهای بسیار محقر هستند۔ لائق توجه شرفا نیستند۔ البته این قسم کار که در دیهات میشود یا هندوستانیان میکنند لائق شرفا نیستند۔ اما چون کار حسب اصول ریاضی کنند و عقل و تمیز را در آن دخل دهند این صنعتها بدان درجه نماند که درمیان قوم کمینه می بینید آنوقت کارهائی بسیار عظیم و بسیار نفیس و لطیف برمی آید۔ که اعجوبهٔ صناعان جهان باشد چنانکه از فرنگستان آرند۔ و وجاهت صناع ازان ثابت شود۔ و آن وقت شرفا بدست خود کار نکنند۔ بلکه نوکران کار کنند۔ و شرفا مالک کارخانه و ناظر و مهتمم کارخانه و حاکم بر نوکران خود باشند یعنی آن طور شود که در نیل یا در کارخانه های عظیم در کوٹهیات نیل و ریشم در دیهات یا در کارخانهای صنایع اسباب و شیشه گری۔ چهاپه و پارچه و کفش و فروش دری وغیره در کلکته کسی مشاهده نماید۔

اگرچه مجملاً ذکر از فوائد آن سابقاً در تمهید این تقریر قبل بیان تدابیر رفع ذلت کرده ام۔ معهذا درینجا بامثال واضح میکنم۔ در اله آباد کفش گر یست انگریز که دو کان شن در مکانیست لائق کرایهٔ ماهواری صد و بیست روپیه۔ کفشها قیمتی تا هشت روپیه دیده ام تیار میکند۔ و کفشهائی دیگر شنیده ام بسیار گران قیمت باشد مثل سی روپیه و چهل روپیه۔

یکی خیاطی ست که دو کانش در مکانیست درمیان باغ واقع است لائق کرایهٔ صد و بیست روپیه باشد و قریب (۴۰) درزی را دیدم در رواق کار میکنند که مشاهرهٔ شان دوازده پانزده و زیاده میباشد۔ و علاوه آن صاحبان پرتمیز از قوم انگریز اندرون باشند۔

---

[له] فوائد این فنون۔ از غور بر ایضاحات تدابیر ذهن نشین خواهم شد و حسب اصول وین تعلیم مفید است زیرا چه کسب صالح ازین پیدا شوند و فوائد آن برای ضرورت تمدن و زندگی لائق در ضمن هر یکی لطیوه مختصر نوشته ام ۱۲

"گاڑی" سازلیست که کارخانه اش آلات بخاری وغیره قابل دیدست که اکثر آن بذریعه بخارات حرکت یابند وکار دهند - در کارخانه گاڑی های قیمتی دوازده صد ۱۲۰۰ و هیجده صد ۱۸۰۰ و دو هزار و زیاده تیار باشند و مکانات نفیس و پر تکلف دارد -

دیگر کاریگر و ٹھیکه دار را دیدم که در میان پنج شش سال سه کوٹهی عمده و نفیس برای خود تیار کرده و خوش باشی و متموّل و دیگر تاجران اینجا را چه بیان کنم - کسی در کلکته زیاده ازین مشاهده میتوان کرد - باید که کسی آنجا رود و عجائب دوکان هملٹن کمپنی که زرگر ست - و دوکان کک کمپنی که گهڑی ساز است - و پیچی کمپنی که کتاب فروش ست - و ولسن کمپنی که مسافر خانه و ضیافت خانه میدارد و غیره و غیره مشاهده بکند -

در کلکته از مضمون این نامه هنالها برای دانش افزای خود میتوان یافت -

## (۱۱) و یکی ازین زبانهای ذیل

(۱) از زبانهای قدیم اقوام دانشمندان - سنسکرت - لاطین - یونانی - عبرانی - مع کیفیت ترقیات علمی و تمدن و معاشرت ایشان -

(۲) از زبانهای حال متعلق هند - هندی - بنگله - تامل - تلنگی - گجراتی - مرہٹی - افغانی یعنی پشتو - برہما - اردو - مع کیفیت تمدن و خصائص ایشان -

(۳) زبانهای بیرونجات - انگریزی - فرانسیسی - ترکی - جرمنی - روسی - چینی - جاپانی - عربی - مع کیفیت تمدن و معاشرت و خصائص ایشان -

گاڑی - گردونه

کمپنی - جماعه تجار

له
... زبانهای این ولایت از بهر آن ... اهم - تا در معاملات تمدن هیچ ... ارتفع نشود - از زبانهای اجنب ... از بهر آن میخواهیم که کسیکه تجارت و سفر و اشاعت اسلام خواهد در هیچ جا نباشد - و ازین همان دانستن زبان آنقوم (از قدیم باشد یا از حال) اولی است که در دانش و عروج بالا نامی بوده است - (عروج بی دانش ممکن نیست حقا باید که بیند) زیرا چه زخود بهتری جوی و فرصت شمار که با چون خودی گم کنی روزگار
۱۲

یا ہر زبان کہ آئندہ مناسب خواہد نمود یا برای معاش در وطن یا در ممالک اجنبی یا برای سفر و سیر در دیگر ولایات خواہ بطریق تجارت خواہ برای حصول علوم و زیادہ کردن معلومات مفیدہ و بیدار کردن ہوش و آموختن فنون یا برای اشاعت اسلام و آموزانیدن اخلاق باہرہ قرآنی و رسانیدن قرآن بہ اقوام جاہل ضروری معلوم خواہد شد۔

اگرچہ سابق انکار از تعلیم انگریزی کردہ ام اما بر دانشمندان و فطین واضح میسازم کہ بسا امور در قوم ہای شائستہ قابل دانستن ہستند و خیالات را وسعت و متانت بخشند از نظر بر معلومات کثیر میشود۔ و ہم اینکہ اگرچہ ایشان شائستہ ہستند معہذا ایشان ہم علما و حکمای خود ہا میدارند۔ بسا چیزہا ہم در دانشہای خود ہا میداریم کہ ایشان را بیاموزانیم و غلطیہای ایشان را رفع کنیم کہ از ان ہم نفع ما و نفع ایشان و فرمان اجب الاذعان خدا را کہ با احسان بہ شریف ترین وجہی بہ بہ طریقہ تعلیم تعمیل میتوان کرد۔ و قابل غور است کہ اغلب رنج جناب پیغمبر ما (صلعم) برای تعمیم احسان بود کہ بر خود گوارا کردہ۔ و از احکام دینی ما یکی از عظیم ترین ستودہ ترین اینست کہ آموزگار حکمتہای قرآنی کہ ہمچنان کدامی جامی توان آموخت بر دیگران کہ جاہل باشند عرض کردہ شود۔ برین امر شرف امت اسلامی در قرآن منحصر فرمودہ۔ از انجا کہ فرمودہ۔

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

**ترجمہ:** ہستید شما بہترین امت کہ برآوردہ شدہ ست برای انسان کہ امر میکنید بہ شائستگی ہا و منع میکنید از منکرات و ناشائستگی ہا و ایمان میدارند بر خدا (٤ پارہ — رکوع ١) سکہ

٥٥ مسلمانان عوام می پندارند کہ دوستی با غیر مسلم منافی اسلامیت است و غیر مسلم نجس میدانند و در حقیقت چنین نیست عجب باشد کہ ہمہ عالم را بنا فعلی منفور ساختہ علمای اسلام بر پا تحقیر کنند۔ حکمای فرنگ این را دلیل بر بطلان اسلام تلقی کنند اما ہر دو از نظر ناکافی بر آیات قرآنی است و بی وقت مستند ناقص و مشروح و کم عقیدہ اہل آن عوض نکردہ اند صورت فتنہ کہ در آن بوجوہ موجودہ آن زمان منتج گشت از راہ غلطی لکنیا و در ایام مابعد نقصانات بادشاہ و قتلہ ما ان این را شرح و تشریح کلمی تحقیق باید نکرد نہ شد این امر را امروزی در کتب سابق تحقیقہ مفصل آمدہ نوشتہ شدہ از حکام ہر چہ کہ پیغمبر کرد کار صحیح ارای قوی العقل بود ترتیب معاملہ حیات

٥٥ عظیم ترین غلطی علمای ایشان نسبت بہ نبوت و اخلاق گرامی نبی آخر الزمان و بعض دیگر امور است برای تفصیل رای حکیمانہ ببین کتاب مبارزہ ١٢

و چونکه در تعلیم انگریزی مضرت ببینید پس جوهر مضرت خود را به بینید که چیست - در این امر بیان میکنیم که تعلیم کدامی زبان بعد تعلیم قران و حدیث و تفسیر مضر نخواهد شد - بلکه از آنجا که در قرآن سراسر حکمت آراسته است وسعت تعلیم باعث زیادتی ایمان خواهد شد و در یقین خواهد افزود و به غلطی دلائل عیسائیت مطلع شده آنرا بر جهانیان اظهار خواهید کرد و نمونه آن این خادم را به بینید - ازین جهت نفع آموختن دیگر زبانها هم ملکی و هم دینی است -

## بحث در شکل اجرای تدابیر

[روح دمیدن در تدابیر] بعد تحریر این نامه و هنگام طبع این کتاب بصورت موجوده الحاق این مضمون و همین یک سر ترقیات اهم برای اخوان باصفا مناسب دیدم و آن اینکه چون طالب ترقی باشند و از تدبیرهای مجوزه من که الحق متین و راسخ اند بر صلاح و فلاح راجح شده باشند - اگر چنین "اتفاق تدابیر" را حسب اشارات پیدا کرده باشند - نظر در شناختن مردم بیش از بیش دارند تا کارها سپرد ایشان کنند بالا بر آمدن و زیر آمدن راهمین یک راه است -

برای این مردم شناسی و جدا کردن دوست از دشمن مصابرت با ید ورزید و رنج و آزمودگی را کار باید کرد - و الحق جدا کردن دوست دانا از دشمن و قدر شناسی او قبل از آنکه وقت فوت شود - اول امر در ترقی ست و بختالشان طالع سطوت است - یک وجه تنزل مسلمانان محض ناقدر شناسی جوهر بود و دیگری عدم توجه شاهان در صلاح آن مردم (ماخوذ از کتاب تنزل مسلمانان) و مقصود این کتاب محض صلاح ناس ست تا مردم خود بیدار شوند

منفعت تعلیم انگریزی محض ... تا رشتی ... های حکیمان ... آن گروه ... ... ... ... دو وجوه ... ... تعلیم ... میشود

... سرکاری و ... ... مسلمانان ... ... ... ... که ... ... الحمد لله رب العالمین ... ... ... ... ...

**شکل اجرای مدرسه**

ظاهر است که اجرای چنین مدرسه یکباره ممکن نیست اما فی الحال بکمتر از آن شروع کنیم وقتاً فوقتاً چون همت عمومی مسلمانان جوش خواهد زد بدین شکل خواهد رسید. و وقتاً فوقتاً که کسان از فوائد آن برخوردار خواهند شد و دیدهٔ دل شان بینا خواهد گشت در وسعت آن خواهند کوشید.

ما ضروریست که بهر نهجیکه باشد تدبیر اقامت آنرا مد نظر داریم زیرا چه فوائد آن برای امت بیشمار اند. اگر همچنین صنعتها حسب اصول آموزانیده شوند. و آموزنده از علوم جدیده هفت شق اول واقف باشد. آن صناع مثل عوام صناع ملک ما نخواهد بود که بدست خود مزدوری کند بلکه مالک آن کارگاه خواهد بود که صدها کسان در کارگاه شان مشغول خواهند ماند. و ترقی فن علم از کارگاه او خواهد شد و آن شخص صرف صناع و مالک کارگاه خواهد شد نی بلکه از عظایم و کرایم رکن امت اسلامی خواهد بود. به بینید راجع آهنگران انگریزان چه قدر مشهور است و پارهٔ آهن که از دست ایشان پشیزی نمی ارزد از فیض هنر او بقیمت فروخته میشود. قلم تراش و چهری و چاقو از دو روپیه و دو روپیه هم میدهند.

اگر اعتراض کنید که درین فلاکت خود ها صدها نوکر از کجا بیاریم. برین اعتراض از انجا که طریقهٔ کارهای دنیا میدانم خنده زنم و بگویم. چون علم دانید صدها از آن پیدا خواهید کرد.

جریدهٔ اخبار و محفل برای این انتظام تجویز گشته و یک شماره برای اطمینان شما میگوییم که چون اخلاق عمومی درست گردد و راستی و دیانت و حکمت بیاموزند چنانکه تعلیم علوم

استعمال [illegible] گردد [illegible] افزایش [illegible] عمومی [illegible] میشود

مالیه در جمیع شق اول مقتضی است - تجارت از شرکت میخواهد یافت شرکتها
مستندی همه تجارت و صنعت عظیم است - چنانکه چون علم تمدن بیاموزانم واضح شود که بقا
باعث کل عظمت قومی است -

واگر کسی این اعتراض بکند که ما کجا و این صنعتهای دور دراز کجا یعنی بقول شاعر -

صلاح کار کجا و من خراب کجا ‌ ‌ ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا

جوابش بگوییم که همه کارهای عظیم در دنیا آهسته آهسته میشود اگر غور بکنید - دولتمندی آ نیست
که بدانید و شروع بکنید در کردن آن -

همه خیر گر بنگری لخت لخت ‌ ‌ به سختی برون آید از جای سخت

یقین بدانید! انشاء الله تعالی و بدانید که مدتی به بینید عطلت و بیکاری عمومی رفع
شود و محتاجی قومی زائل گردد - آنگاه کسان از قوت بازو و هنر خود روزی خورند و
مسکین و پریشان حال مثل امروز نباشند و هم ملک اسلام ببرکت ایشان توانا گردد
- هر کدام از شما که کدامی شهر بزرگ مثل کلکته را دیده باشد بداند که از تجارت و صناعت چه قدر
کارخانهای عظیم در ملک هستند و چه قدر کسان بر آن مامور هستند - و کسی که کتاب
(الف لیله) را ملاحظه نموده باشد بداند که چه دولت مسلمانان دران زمان خصوصا شهریان
بغداد از تجارت میداشتند - و تاریخ دان داند و چه قدر کسان از مسلمانان در چنین
کارها تا سنه پانزده صد عیسوی آباد بودند - و بدانید که تمام دولت فرنگ بر تجارت منحصر
است و به همین دولت رعایا شاهان فرنگ آن اولوالعزمی ها میکنند که بمقابل ایشان

شاہان اسلام ہمہ خاموش ہستند۔

---

ظاہر است کہ آنقدر زر کہ برای چنین مدرسہ کافی بود فی الحال جمع نمیشود۔ اما اول از آہنگ میکنید۔ آن ہیچ توقف بر ہمت ارباب خیر و بر فہم شان منافع اینچنین مدرسہ را باشد۔ اگر فوائد این را بدانید و قدر این تدبیر را شناسید و یک جہتی را کار بند شوید و حسد کہ مانع ہمہ ترقیات است دور کنید۔ اجرای چنین مدرسہ و چنین عظمت دور نیست۔ و ہنوز مسلمانان باوجودیکہ انتہا بر سر معرفت و بیرون دویست حوصلہ نیستند۔ ہمگنان ہنوز مغلوک گشتہ اند۔ و بحساب صدہا و ہزارہا خیرات میکنند صرف فہم باید یعنی محض اینقدر در کار است کہ مغزہای خود را بیدار سازند و بدانند کہ بچہ حالت رسیده اند و خواہند رسید۔

و ہم باید دانید کہ اجرای مدرسہ مذکور بتمامی اجزا و اعضای آن در یک وقت ضرور نخواہد بود زیرا کہ طالبان ہمہ عالی علوم فی الحال دستیاب نخواہند شد۔ مدرسہ فی الحال بسیار خورد خواہد شد اما بمصلحت و طرز مذکور این نامہ ترتیب داده خواہد شد تا آئنده بکمال خود برسد۔

---

فی الحال ضرورت اشغال ذیل زیاده بوده است۔ چون مدرسہ خورد اجرا کرده شود ہمراه آن این کارہا باید کرد۔

(۱) یکی انتشار کتابہای لائق۔

(۲) انکشاف و جمع آوری کتب مفیده۔ تواریخ و حکمت و ریاضی آنچہ در عربی و

و فارسی تصنیف شده اند و در زمان فروغ[۱] سلطنت اسلام مستعمل میشدند۔

(۳) ترجمه آنچه درین امر در فرنگستان تصنیف شده اند۔

(۴) اجزاء پرچه اخبار که از آن خبر این همه مساعی بسلمانان رسانیده شود و اتفاق شان پیدا کرده شود۔ و در معلومات شان افزوده شود۔

---

ظاهر است که اینچنین کتابها در میان ما جمع نیست اما یقین بدانید که از آن هیچ وقت حرج در کارروائی ما نخواهد شد۔ ممکن است که در عرصه قلیل موافق کارروائی جمع شوند و آینده وقتاً فوقتاً تصانیف لائقه پیدا شوند۔ اگر چه تفصیل بیان نکنم که چگونه جمع شوند۔ معهذا برای اطمینان و زیادتی یقین شما بیان میکنم که آنچه از دانا دلی انگریزان پیدا شده و قابل پسند باشد در کتبخانه خود خریده بیاوریم و آنچه درین عرصه در زمین ایران از دانا دلی هوشمندان آنجا تصنیف شده یا در روم یا در مصر در مکتبهای سلطانی و خدیوی تعلیم میشود۔ خریده بیاوریم۔ آنچه در میان ماست از آن انتخاب کنیم زیرا چه بیشتر از کتب[۲] سابق لائق آموزگار هستند۔ و برخی دیگر تصنیف کنیم و برخی از زبانهای دیگر ترجمه کنیم۔ و در مدتی قلیل از مساعی عمومی کار ما روان شود۔

والی الله ترجع الامور۔

---

ظاهر است که علوم و فنون کثیره[۱] در اینجا در شمار آورده ایم که از آن تحقیقات بجز بیست طویل[۱] ...

[۱] ابتدا این نکرده شود که اطفال و طالبعلم زیر بار ... الدماغ ... کرده شوند که رفتن و ملائمت پیدا مغزی و صلاحیت و وسعت خیال و مصلحت اندیشی کارفرمائی و کارفرمائی قابلیت حاصل شود۔۔۔

[۱] مراد زمان هارون و مامون و خلفای عباسیه و سلاطین سامانیه

[۳] در بیروت و در مصر کتابهایی که در آنجا طبع شده اند۔ تصانیف کسانی که در زمانهای گذشته بوده اند ... بعض کتابها در تاریخ و در حکمت و در اخلاق مثل اخلاق ناصری و روضة الصفا و تاریخ نادری و آئین اکبری و دبستان مذاهب

ازین قسمی دیگر شما را پیش آید که اینقدر علوم در چه مدت بیاموزند در جواب آن ما تعیین شان بلا تفصیل میگوئیم که ترکیب اندازه آن طور کرده شود که در عرصه قلیل بیاموزانیم تا باعث ملالت پدران و تشویش پسران نگردد و مقصد اصلی سجاح دنیاوی فوت نشود — آنقدر مدت که ما در تعلیم میگیرند از آن زیاده نگیریم

---

اطفال را از سال هفتم در عمر شان شروع کنانیم — در شانزدهم [illegible] (بحسن ایزدی) درین مدت ده سال درین علوم الزامی در دو زبان فارسی و عربی فارغ کنانیم و بعد از آن در دو سال تعلیم یک زبان دیگر [illegible] تا در اوائل سال نوزدهم قابل کسب گردد [illegible] و در سی و چهار که [illegible] تا قبل ترویج و ترقی [illegible] کرده باشد و در تشویش و فلاکت رنجهای گوناگون که مدت ما را حالا خراب میکنند گرفتار نشود — علاوه برین در حصول ترقیات از جامع و اخبار و کتب خانه دل و دماغ را قوت و نوری بخشیده باشد و از سعی ها و اخلاق و تجربات و تنبیهات خود خود را و خاندان را و قوم را مالامال میکرده باشد (و التوفیق من الله رب العالمین) آنگاه بستان اسلام در دنیا خنده میکرد و [illegible]

---

له باقی تفصیل [illegible] انشاء الله این امور در کتاب [illegible] بیان خواهد شد
علاوه آنچه [illegible] نوشتیم یک قسم تعلیم برای عوام الناس [illegible] زبان [illegible]
[illegible] میباشد که در مکاسب ایشان خلل نشود — و ایشان را کسب لایق [illegible]
از اصول دین و معلومات مفید تعلیم میباید شد تا دیانت داری [illegible]
و هنر در میان ایشان زیاده شود —

محامد می افزاید و آنگاه دل ما شاد شود۔

---

از شرح بالا فهمیده ظاهر شود که هشت شق تعلیم لازمی خواهند بود و سه شق آخر اختیاری خواهند بود ــ سه آخر صرف برای رزق و دولت ست و هشت اول برای پرورش دماغ و افزایش هوش و حصول انسانیت و معلومات معاد و مجمل کاردانی عالم باشد۔

از صنائع صرف اصول در مدرسه تعلیم شود۔ و این بذریعهٔ نمونه هائی که از اکناف عالم و از استادان فن جمع کرده شود و بذریعهٔ کتابها مخصوص کرده شود۔ و برای تکمیل طالبعلمان را در کدامی مدرسهٔ دیگر بفرستیم یا پیر استادی در کارخانهٔ اجنبی بکنیم و با مالکان کارخانه درین خصوص کدامی معاهده کرده باشیم یا آنکه در وقت مناسب کارخانها از ما قائم شود و آن کارخانها بجای مدرسهٔ اصول باشند یا جائز است که طالب فن برای حصول کمال در ولایتی دیگر سیر بکند و ایشان را از طرف مدرسه درین خصوص مدد داده شود۔

| کابینه | جریده برای تعلیم پیران و جوانانست مدرسه برای تعلیم طفلان نوجوانانست، |
|---|---|

جریده برای اشاعت و آموزگاری مصالح و رفع بد اخلاقیها و حصول اتفاق عمومی در ایست، ــ جامع برای محافل و مجالس از جهت شوری در مصالح قومی هم برای پیدا کردن همدردی و اتفاق برادرانه و برای جلسهٔ مذاکرهٔ علمیه هست تا وقت ضرورت کسان دران جمع شوند و ازین جمعیت مقصود مذکورهٔ بالا حاصل شود۔

---

## جامع و اجتماع فضلا

کتابخانه که در جامع یا در مدرسه خواهد بود آسایش‌گاه شایسته خواهد شد تا در وقت فرصت کسان بجای بیهودگی و معصیت مشغول گشته هم راحت حاصل کنند و از عجایب علوم بهره‌اندوز گردند. و چون کسی استطاعت خرید کتابهای گوناگون بیش نیست میسر نشود به صرف قلیل از اتفاق عمومی برای دوام هر یکی را موقع مشاهده آن حاصل گردد

تشکیل جامع: جامع و کتب‌خانه و مدرسه در یک مکان قرار یابد یا قریب باشند و همین جا عیدگاه خواهد بود و جمعه خواهد شد تا مقصود شارع هم به کلی انجام یابد.

---

## مطبع

تشکیل اجرار مطبع: چهاپه‌خانه کارخانه ضروری است و هو یده همه مقصود است. برای اجرا اخبار و اعلان مصالح و برای طبع کتابهای مفیده که تصنیف شوند و ترجمه شوند یا منکشف شوند و امثال این کار متعلق است. از این چهاپه‌خانه بیچارگی و مجبوری در نشر و اعلان دفع خواهد شد و علاوه بران فائده حاضره به بینید که کسان بسیار درین نوکر هم خواهند شد و ازین کارخا

همین مسئله بر تفصیل اخبار ۱۲

(۵) این موقع احسان و اکتساب ثواب است از ین صلاحیت بسیار خیزد. نظافت در آب و آئینه نیز و لباس صفا را باید تمیز. فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما

(۶) از اجتماع فضلا بکاری بلند با یام معین در جائی معین و اشتهار و نیوز انکشاف می‌پذیرد و کسان را غیرت می‌افزاید [illegible] این اجتماع چون بکاری لائق باشد محافظ نیکی‌های گروه انسان و محافظ جودت قومی می‌باشد نکبت و ادبار را دفع کند و عادتها و ضلالتها را دفع سازد [illegible] اصول‌های گورنمنت که صحیح [illegible] را نافع است همچنین [illegible] و مجالس انجمن نافع [illegible] این همه محل و دانش [illegible]

جماعت در صلوة و غیر [illegible] چه نوشته است

اما جهل امت اسلام از حکمت [illegible] و تعصب و نفسانیت و بدبختی [illegible]

اجماع محروم [illegible] ۱۲

نتائج عالی هم حاصل خواهند شد که مالک سلطنت یا هر کسی که صرف آن عطا کند او را حاصل باشد

---

باقی البحث این پرچه

بدانید که درین پرچه بحث از آن نیست که مسائل اینکار چگونه مهیا خواهد شد و کتابها کدام کس مهیا خواهد کرد - کتابهای فنون از غیر زبانها کدام کس ترجمه خواهد کرد و ترجمه چه فائده خواهد داد و این همه تدابیر چگونه اجرا میتوانند یافت و کدام کس متحمل اجرای اینکار خواهد شد و کدام کس باعث برین سیم خود خواهد گرفت و اگر بگیرد لیاقت آن بدارد یا چه - از کیفیت کمیت اکثر تدابیر درینجا بحث نیست - درینجا همه اعتراضات روا ندارند بلکه اینوقت فرض کنند که همه ممکن است و منصرم حقیقی را به یاد آرند که این خادم را توفیق عطا سازد - و در شما مادهٔ نیوشندگی و توجه پیدا شود - بعد از آن بحث درینجا صرف درین امر فرمایند که آیا نسخه موافق مرض و لائق مریض است آیا تدبیر کافی تدبیر دفع بلاها است که ما را حامله کرده است و غرض آن هستیم یا بحث کنند که کدامی تدبیر بهتر ازین تواند بودن که منافع و سهولیت انجام آن ازین بهتر تواند بودن -

## نظر دوم در فوائد تدابیر جزوی از عالی مقاصد

بدانید که منافع این همه که نوشتم در خیال خود احصا کردن نمی توانید و اگر خواهید که گشت کنید بجای از خانه بیرون آئید و سیری در اکناف هندوستان و شهرهای کلان و دار السلطنتهای هندوستانی بکنید تا آنکه از احوال سلطنت و سیاست انگریزی در هندوستان واقف بگردید -

واگر از هندوستان بیرون رفتن توانید و گرد ولایتهای دیگر گردید نور علی نور -

تا بدکان خانه در گردی هرگز ای خام آدمی نه شوی ؂

وسعت خیالات از کثرت آزمائش میشود و خیلی ازان در سیر حاصل گردد

کمترین منافع اخبار حصول اتفاق در مجاهدست و دفع نفاق و بداخلاقی هاست -

بدانید چه حکمتها درین شعر مذکورست

دولت همه ز اتفاق خیزد بیدولتی از نفاق خیزد

اگر آن اتفاق شما را حاصل شود گویا تمام ادبار شما دفع شد -

کمترین منافع اجرای اخبار این ست که اگر یک زبان و یک دل گشته بالاتفاق یکی از حقوق واجبی خود از سلطان خواهید و در تائید دعوی خود اظهار لیاقت بکنید و رفق و ملائمت را کاربند شوید - و بوجوه کافی لائق در بناء معدلت دعوی خود را خاطرنشین بصاحب نشان عالم بکنید مثلاً برای اجرای فارسی[1] یا اردو در بنگاله بخواهید بحصول آن کامیاب شوید گویا اکثر خدمتهای سلطانی بدست شما آید و آن محرومی که فی الحال ازین خدمتها دارید رفع شود و علوم عالیهٔ شما زنده گردد و مع آن کبیدگی و انقباض رفع گردد و روح شما خوش شود و بدبختی شما رفع شود - و کم از کم بدانجا میرسید که در اوائل عملداری و تسلط انگریزی بودید

له تبدیل زبان فارسی برای بنگاله در سنه ۱۸۳۷ء از کارهای سلطنت انگریزی چنان مضر مسلمانان بنگاله آمد که بیان از حد احصا خارج است - این امر بمقابله کتابهای گرامی عهده داران سابق ازان سنه ۱۸۳۵ء تا بعد ازان سنه ۱۹۳۵ء دریافت خواهد شد - و از آنکه چه نفرت از بنگالی کسان هنوز میدارند - عنقریب از سنه قانون رجسٹری لازمی بمجبوری ترک تحریر دستاویزات خانگی در فارسی کرده - و خطوط نویسی را هنوز در فارسی ترک نکرده اند - الا قلیلی بمجبوری و نتیجهٔ آن محض اضلال و ذلالت و افتادگی و بربادی حاصل شد -
(رح) محنت است پس از جاه و تحکم بران ؂ له به بینید صفحه (۶۰)

یا اتفاق شما لیاقت خود را ظاهر کرده باشید این هم از کوشش پذیرای گورنمنٹ شدن را میتوانند که طالبعلمان این مدرسه را خصوصیتی در حصول عهده های سرکاری مثل طالبعلمان مدرسهٔ سرکاری حاصل باشد۔

هان اگر آن وقت برای حصول خدمات سرکاری برای شما بگویم یقینی بدانید که بکمتر کوشش حاصل شود و اینچنین کوشش را لائق خود می پندارم زیرا چه آن کاری عظیم و مفید و گران باشد۔ [1]

مرد باید که هراسان نشود ۔ مشکلی نیست که آسان نشود ۔

و بدانید و فهم کنید که منشای گورنمنٹ هم چنین مینماید که کار خود ها را درست کنید تا انتها حقوق شما بماند

**عالی مقاصد** کمترین از منافع مدرسه اینست که لیاقت کارها حاصل کنید تا کسب قادر میگردید که تمام عالم خریدار شما گردد۔

کسب کمال کن که عزیز جهان شوی — کس بی کمال هیچ نیرزد عزیز من

هرکجا چشمه بود شیرین ۔ — مردم و مرغ و مور گرد آیند۔

هنر هر کجا یافت قدری تمام — بدولت خدای برآورد نام ۔

[1] این ذریعه یعنی ذریعهٔ جریده و ... را انقدر نافع می پندارم که سال ... یعنی در اواخر ... صد و هفتاد و پنج پنداشتم که بعض یک جریده عالی پایگاه از دانشمندی های شخصی ما هر از کاردانی ... پایه ... آوری در عبارت انگریزی ترتیب داده بعبارت لائق و را هم خروج کرده شود برای نگاه ... در هند و ضرورت ایشان از و زمین ملک کافی خواهد بود و در آن خصوص رقیمی دراز نوشتم الا هیچ معمولی ... و مسلمانان را توجهی بدان دیده نشد۔ آن نامه هنوز بخط برادرم مرحوم خلیل الرحمن موجود است۔ ۹۳

روز وصل دوستداران یاد باد
یاد باد آن روزگاران یاد باد
من که در تیر غم بیچاره ام
چاره آن غمگساران یاد باد
اللهم خفف ... العظیم
... الفقیر الرحیم

بدانید که چنانکه مرادیافت شده کسانی[1] در ممالک اسلامیه مثل ایران و افغانستان
و کاشغر و مصر و روم و شام و عربستان هم هنرمند و جید و با براعت اخلاق عالی یافته میشوند
برای کارهای عمارت در آنجا طالب هنرمندان و مهندسان عیسائی میشود - چون نهر سوئز[2]
که در ملک مصر واقع است و انفع ترین و اعظم ترین نهرهای جهان است کندیده میشد همگیه
معماران و مهندسان فرانس بوده‌اند و حالا نفع آن نهر ایشان میگیرند - بحال که حضرت شاه
ایران را این خیال درست که ملک خود را مثل مملکتهای فرنگ ترقی کند و از عمارات
مفیده مملو سازد - میخواهد که ریل و تار برقی در ملک او جاری شود - صناعان فرنگ در دیار
او برای گرفتن ٹھیکه حاضر میشوند - کاشغر که در نهر سنه که یکی از ممالک قویه اسلامیه بود از مدتی
با فغفور چین جنگ میدارد - چون در سنه ۱۸۷۲ع برای پیدا کردن اتحاد با گورنمنٹ انگریز
هند امیر آنجا سفیری در کلکته فرستاد و سفیر چند عدد بندوق از کلکته همراه برد و مستدعی
که صناعان اینجا را در ملک خود ببرد و حالا بعد وفات امیر یعقوب بیگ امیر کاشغر که چینیان
کاشغر غلبه کرده‌اند از بیسر و سامانی آلات حرب و از بی هنری رعایا و شهریان خود که صناعات
لائق میدارد بسیار در تردد است - در جنگ روم و روس سلطان چقدر تفنگها
و باروتها از صناعان ولایت امریکه خرید و ملک خود را از زر خالی کرد - هندوستان
چقدر زر برای حاصل کردن ضروریات و زیورات و اسباب با نگریزان و صناعان
فرنگ میدهد - واز بی هنری مسلمانان اینست که چون در ولایت حیدرآباد دریل

---

[1] در دریافت احوال اسلامیان بیرون هند مرا بسیار دقت واقع شد اکثر استناد من سفرنامهٔ انگریزان رفیق ایشان و احوال ام دیگر ثبت بر لیاقت شان با اسلامیان یا ملکهٔ ذاتی بازاران خود متشدد ۱۲ [2] در هندی اجاره را گویند و نیز کاری که انجامش به حسب سپرد کسی کنند ۱۲ [3] ماخوذ از گزٹ گورنمنٹ هند ۱۲

جاری شد چنانکه آن صناعان انگریزی یافتند و در انجای اشغال بسیار آنگریزان عام
کارخانهای مفیده و تعمیر و غیره امور متعلق باشند و از مسلمانان انجام آن نمیشود۔

پس غور کنید که از بی هنری صرف نه شما مفلوک هستید بلکه ایالتها و سلطنتها و
حکومتها از برادران شما روز بروز از زر خالی میشوند و مفلوک میشوند و ضعیف میشوند۔
و چونکه مسلمانان درین ولایات هم مثل شما بی هنر و بی دولت هستند و در درستگی حالت
خود ها توجه ندارند۔ و قومهای دیگر درین عصر روز بروز ترقی در تمدن و دولت میکنند۔
همه ایشان در نسبت روز بروز زیر می آیند و در واقعه عجب نباشد که در تلاطم انقلابات
غرق شوند و مضمون یات بقوم آخرین نفاذ یابد۔ بترسید اگر علم دارید! بشنوید اگر
گوش دارید! بکوشید اگر همت دارید! ۔ اگر هنر آموزید و لیاقت حاصل کنید در حکومتهای
برادران شما که هنوز باقی ست بجای کافران[1] شما میرید و حاوی میگردید۔ غلبهٔ کفر[2] کم میگردد
آن سلطنتها برکت شما از آفات و تلفات محفوظ میمانند و به تعلیم شما دانا میگردند چون
آن سلطنتها قوی میشوند آبروی شما بیفزاید و برای شما مامن و ملجا باشند و اگر خواهید که از کفار

---

[1] رنج من نه از انست که غیر مسلم چرا کامیاب میشوند بلکه رنج من در انست که نور حقایق که مرکز آن قرآن است روز بروز از عالم پوشیده میشود و تمام عالم از نعمتی محروم میماند۔ و رنج دیگر انست که مسلمانان چرا جاهل و تباه میشوند۔ اگرچند درین امر قصور عیسائیان نباشد۔ انچه بر ماست از ماست ۱۲

[2] از استعمال این لفظ رنج میدارم۔ از انکه نخواهم که از من گرد ملال در خاطر آنانکه مسلمانان نیستند برسد۔ اما ایشان از درین لفظ رنج نباید کرد۔ بلکه محض غفلت را در کنند مراد ازین لفظ جز این نیست که ایشان در تیرگی خیالات که از قصور تحقیقات باشد هستند۔ و کافر محض پوشنده حق را گویند۔ اما سخن در انست که من که حق بینی و رحمت عام را شعار خود میدانم و از علوم ایشان هم واقف هستم چگونه میتوانم این الفاظ زیبا

بیرون نروید در بنگاله هم برای شما هیچ کمی نیست قدم شما در اینجا قرار یافته استخوان آجداد
شما در اینجا مدفون است رزق از آن زمین میخورید و املاک هم دارید آنچه در کار است آنست
که همت بالا کنید و خدا را حمد بگوئید و قدر خود را بفهمید و مقام خود را ببینید و هوشیاری را
کاربند شوید و در کسب اخلاق عالی و علوم و هنر و فنون توجه فرمائید۔ چون علوم تحصیل
کنید درین زمین برای شما هیچ کمی نخواهد بود۔ زمین بسیار وسیع و شاداب است ضرورت
هر قسم صنعت درینجا ست اسلامیان هم بکثرت درینجا هستند و املاک هم دارند اگر آنچه خدا از
روزی ایشان عطا کرده بدان دستگیری یکدیگر در انجاح مرام هر یکی بکنید و معاون یکدیگر
در کارهای تمدن باشید معیشت بسا لائق و پسندیده میکنید۔ صرف کاهلی را دور باید
کرد و کار و صنایع و تجارت می باید آموخت و اگر ببرکت مساعی شما هنوز بقیه بنگاله مسلمانان
شوند عجب نیست و چون ملت واحد گردد هیچ مصیبتی از شرشان شما را نباشد و محبت
و فلاح از مشرق امید طلوع میکند۔

بدانید که این همه مالیخولیا نیست که فرد خواندم ایمان ما کامل است زیرا چه دانا و

باشند۔ گو هیچ آزی باشند در حقیقت اظهار حق بر همه اغراض راجح است۔ و همان رحمت و مهربانی ایشان
مرا بر اظهار این امر راغب میکنند۔ در تحقیق وسیع من که بروشنی حقائق و حکمت کردم و غرض از راه نداهم
اسلام هم را مراد از آنچه در قرآنست سراسر صدق و نافع نوع انسان یافتم که برابر آن در هیچ یکی جاد بده
قلبشود۔ و چون صدق را صادق میباید محمد را صادق یافتم (صلعم) و این استنباط از حکمت از جانب دیگر
موافق تاریخ صادق کردا صادق او یافتم که دلیل بر اخلاق عظیم اوست۔ حق است که به نسبت نبوت محمد
هنوز چشم جهانیان نکشود۔ بالیشان تحقیق این امر عظیم از حکمت تمیز معلوم نگشته و بال این اهمال
بر امت او صلی الله علیه وسلم می آید ۱۲ برای تفصیل ببین کتاب مبارک جلد اول و دوم و سوم ۱۲

شناسائی قدرت و انقلابات هستم و مراد آیه کریمه ان الارض یرثها عبادی الصالحون را میدانم
که چیست - اگر مقاصد دلی عبدالرحمن بر می آید و تدابیر اندیشیده ادراکسان از
امت اسلام حامی شوند قلم را آن چنان قدرت و دل را آنچنان دانش است که
روزی چنان میشود که تمام یوروپ فرنگستان مسلمان میگردد - کارخانه قدرت همین است
که راستی همیشه فروغ میخواهد و مقبول میشود و اسلام همه راستی است اما مردم میخواهیم که
تا من کار بکنند.

## نظر سوم در فوائد تدابیر ادنی مفاد و مصالح و منافع

بدانید که شاید این همه بشارت در خیال کسی نگنجد بلکه بخیال دانایان هم
جا نماید - اما این قدر هر کسی باور کند که از چنین کارگزاری جهالت ما رفع خواهد شد -
کارهای خود را و مصلحت های خود را خواهید فهمید - بیکاری دور خواهد شد - دولتمند خواهید
شد - تمام شما تجارت بخواهید گرفت - اسلام را عزت خواهید نهاد - از اتفاق
تمام مسلمانان به مصالح عمومی شما مسلمانان لیاقت شما سلطان ظاهر خواهد گردید - بی اتفاقی
سلطان که محض بکروه دلسوز است دور خواهد شد و دیگر که بسیار انفع است که بداخلاقی
و بداطوار بیهای عمومی دور خواهد شد - عقلان از تباه گشتن ایمن خواهند شد - هنرها
در میان مسلمانان شائع خواهد شد - و برای آینده راه ترقی گشاده خواهد گردید -

یکی از مفاد اخبار و کتبخانه و جامع این است که درین زمان در سلطنت انگریز
بند از خدمات گرامی قدر مثل ججی و مجستریتی رفع میشود - و حقوق بسیار مهم و تنها نیاز اعطا

میشود مثلاً آزادی تعلیم یعنی هر که خواهد هر گونه تعلیم یابد در مدرسه میسر است در هند هم در انگلستان و آزادی رای مثلاً اگر کدامی تکلیف بر شخصی یا بر قومی گزرد میتواند که فریاد برآرد و در اخبارات حسب قانون مصرح نماید آزادی تمدن و معاشرت قانونی یعنی بعض قوم و بعض انگریز که بوجه حاکم بودن تکبر و جبر میکنند و از انصاف و همگی [illegible] نخوت خود بعزتهای شرفا هیچ پروا نمیکنند همه بطرزی رفع میتوانند شد قانوناً این گروه شان منکر و غیر معروف و ممنوع است۔

و در حصول عزت و انجاح مطالب زیاده تر آنکه چنانکه سابق گفتیم ججی و مجسٹریٹی و عهده های جلیل القدر هم مثل عهدهات انگریزان از [illegible] طریقه یافت خواهد شد۔ اگر مایان مجمعی از دانایان و کارگزاران که از چنین امور ماهر باشند و از جمله ماهر میتوانند شد قائم کنیم۔ ایشان خبرها و کوائف آن را بذریعه اخبار بعام مسلمانان رسانند و بر تدابیر حصول آن از جهت بهم آوری مساعدت قومی بحث کنند و دران اتفاق قومی پیدا کنند۔ تا خواهشمند و مستطیع از آن منتفع شود۔ و اگر کدامی امر بد سوم نماید و اگر بنای آن بر توهم باشد چنانکه در تعلیم انگریزی سابقاً بود دانایان و علما تحقیق آن نمایند و توهمات رفع کنند زیرا چه گفته اند "الوهم بلا خطرة ایمان" توهمات ما را از کسب بسیار منافع باز داشته چنانکه در امر انگریزی دیده شد چقدر نقصان یافتیم و چگونه بیچ و مفلوک گشتیم۔ سابقاً چقدر کسان در عهده جلیل القدر و عهده های متوسط سرکاری مامور بود بدین حالا چگونه از دست ما همه عهده ها بیرون رفت۔ آن دیندار کجا ستند که گفتند انگریزی مخوانید بلکه

[1] مرشدآباد و یادو که عنقریب دار الحکومت مسلمانان در بنگاله بود در عرصه قلیل جناب اتفاق ادعاد که [illegible] از مسلمانان در کدامی محکمه در محل سلطانی مامور نبوده قریبا قریب سی [illegible] نیست تا [illegible] ۱۲

[5] هنود اکثر [illegible] مسلمانان [illegible] باشند و [illegible] ایشان [illegible] ۱۲

آن هیچ نکردند ایشان را باید دید و بنمایند که از عقلمندی ایشان نوبت ما بدینجا رسید و نشانند الفقر سواد الوجه فی الدارین۔ شدیم و بسیار مسلمانان از جهالت و فقر از دین هم گشته‌اند و خبر کاد الفقر ان یکون کفرا ثابت شد۔ و اگر در کدامی امر فی الحقیقت مضرتی یافت شود از تدابیر رفع آن و طریقهٔ عرض آن بر گورنمنت بحث کنند۔ بدانید اهمال و اغماض و غفلت مضرست گویا ترک منافع ازان لازم آید و بخلاف آن طریق دولت چالاکی هست و چستی۔

مناسب چنان مینماید که مدرسه‌ها حسب اقتضای مصلحت جا بجا قائم شوند که تا یک مدرسه باشد خیلے کلان باشد۔ بدان طرز باشد که بیان کردم و طالب پور مرکز و صدر همه باشد بسبب آنکه وطن خود هم در انجاست و شاید همه مهمات را مرا بالضرور متکفل شدن خواهد بود اگر اهالی کدامی موضع زیاده مستعدی را اظهار کنند و جهت مصارف تعمیر مکانات زر مناسب عطا کنند اقامت صدر مدرسه در انجا ممکن باشد۔ از طرف این قسم صرف در طالب پور احتیاج نیست زیراچه عمارات عالیشان در انجا بکثرت بوده‌اند و بنا میشوند و انشاء الله تعالی خواهند۔

و دیگران هم مناسب مینماید که آنقدر از اضلاع که اسلامیان بجا اتفاق کنند و رائی ارباب همت بدان قریبا بدان شامل همین انتظام گردد۔ فتح سنگه بردوان سوری راجمحل مرشدآباد هوگلی دیهات شمالی بدین ناحیه دیناج پور میدنی پور کلکته ڈھاکه از جبال سوری و راجمحل تا دریای گنگ فی الحال حلقهٔ مساعی ما تجویز میشود۔ اما اول در عمل صرف از فتح سنگه و مواضعات قرب جوار شروع کرده خواهد شد۔ بعد ازان بهمت اعیان و اکابر این خطه همت بطرف بردوان و سوری و مرشدآباد شامل کرده خواهد شد۔ البته عمل اخبار ما منبع ما تا دور و دراز خواهد رفت چه عجب که بیرون از هندوستان هم فرستاده باشیم و بذریعهٔ آن وقتاً فوقتاً اضلاع کثیر را جدا معینه در حلقهٔ عمل مدرسهٔ ما جامع خواهد آمد انشاء الله تعالی والیه ترجع الامور۔

له از مسکینی سیاه‌روئی دو جهان نتیجه گردد ۱۲

له قریهٔ شریف از مضافات مرشدآباد که شهریست دور او اخر هزار و یکصد و... دارالحکومت اسلامیان در بنگاله بود و در قطعه واقع است که جمعی کثیر از شرفائی اسلام در آنجا سکونت کنند ۱۲

**حزم ۵** بدانید که از شما بسیار کسان خواهند بود که به بعضی از امور مجوزه من نظر خواهند کرد و چنانکه عادت ناکسان باشد کسی را حسد هم خواهد شد. خدا نکند که درین حالت چنین شود. اما حق این است که اینهمه برای نفع شماست. شاید این وقت هم بهوش آیند. و آنکه درین امر بدل مدد خواهد کرد بهمت و مساعی خود حسنات بیکران خواهد اندوخت و بقدر احسان و اندازه معاونت خود خود را در صفحه تواریخ نامی خواهد کرد و مستوجب شکر نسل آینده خواهد گشت زیرا چونکه اینکار از انقلابات عظیم زمانه باشد و از سوانح بابری و فتوحات سبکتگین و بهادری نادری و کاردانی و آئین پژوهی اکبری کم نباشد بلاشک انصار و معاونان اینکار نامی شوند و مشکور اقران و آیندگان باشند. مال مسلمانان برای چنین کارها میباشد.

الغرض در صورت پسندیدگی عمومی کسان و اعیان فتح سنگه بعد رسیدن نکاتها شعر اتفاق

در چه آینده تدابیر انصرام و فراهمی زر و اجماع کتابها و ترجمه آن و اندازه افاقت در سه بیان خواهند شد

## حزم بیدار مغزی توضیح تفاوت درجات حسنات

## استمالت بشارت خاتمه

اینقدر گفتن درینجا ضروری میدانم که مقصود الیٰ نیست. انصرامش لازمی ست بلکه عزم عین ست. خیلی از همت ها برای تربیت اطفال بمصرف میلادر بدو ز خرج میکنید نتیجه آن هیچ نمیشود. طفلان ضایع میشوند و الش از مادر و پدر دور میشود! اگر پرسید که زر از کجا آریم میگوییم که زرها ضایع میکنید هر کسی دو روپیه چهار روپیه وار باب استطاعت صد و پنجاه روپیه برای تربیت طفلان ما بطور صرف میکنید و هم اوقات خود را ضایع نمائید اما پسران شما با علما آنچه آموزانیدن میخواهیم هیچ نمی آموزند آنچه فرداً فرداً میکنید با تفاق بالاجماع بکنید

(۱) در حال غرور حسد از حو... مسلمانان شریف ... خصوص دیهاتیان ... بفهم این امر از جهالت و بیکاریست اگر ... خدارا براه دانشمندی سلوک شدند ... دیگری حسد نکردند ... این امر تا صحیح ... حرمان ایشان خواهد افزود والسلام علیکم ورحمة الله

(۲) حصه از مرشدآباد که دران فریه طالب ... واقع است ۱۲

(۳) کتاب انصرام

نتیجه خوب پیدا نشود - و نیز میگوئیم شما گوئید هنوز بفضله تعالی محتاج هم هستند در تقاریب محض برای نام آوری[1] متحمل صرفهای گران میشوید - که اثر آن بجز ساعت باقی نماند در مصارف بیجا و محض برای نفسانیت[2] نه برای مصلحت صدها و هزارها صرف میکنید و ارباب خیر شما سالانه هم از در نمیرانید - اینکه همت شما بدان طلب میکنم صدقه جاریه است حسنات آن بخلاف دیگر حسنات روز بروز در تزاید باشد -

**توضیح تفاوت درجات حسنات**

اگر شما چیزی سائلی میدهید و آنرا باعث ثواب آخرت می پندارید غور کنید که قدر آن بیش ازین نیست که گرسنگی کسی در حال رفع میکنید یا حاجت او برای مدتی روا میکنید - فی الحال من شما را در حسنات طریقه مینمایم که از آن کسان تمام عمر از فیض شما بفراخی روزی خورند بلکه چند کس دیگر را هم پرورند و حاجت ایشان در تمام عمر ایشان برآمده باشد و از ذریعه شان حسنات دیگر هم خیزد پس سلسله خیر غیر متناهی از چنین خیرات بنام شما نویسند و اگر ثواب آخرت میخواهید زیاده برین چه انفع شکل برای شما باشد و اگر ایصال ثواب بروح کسی میخواهید در بنجا بدهید که سلسله غیر متناهی حسنات بدیشان میرسیده باشد - این موافق عقیده کسانی گفتم که ایصال ثواب بعد از مرگ باور میکنند مرا عقیده خلاف آنست -

برگ عیشی بگور خویش فرست - کس نیارد ز پس تو پیش فرست

زان پیشتر که بانگ برآید فلان نماند

پس غور کنید که در میان آن صدقات که میدهید و در میان این که من میگویم چه فرق است -

[1] کسان این اطراف را شوق هست که هر کسی خواهد که در عروسی پسر و دختر خود در شمار رسومات از اقران خود گوئی برد ۱۲

[2] مراد نفسانیت اینست که فخر کنند برادری بخوشی فخر میکنند ۱۲

بعد مقدم رفع ازین مجاورت خواهید

صفاهست درآب آئینه نیز *** ولیکن صفارا بباید تمیز

**استمالت**

از چنین سخنان عقبی قطع نظر کرده میگوییم که تکلیفیکه طاقت تحمل آن ندارند درین کار

نبید هیچم اگر این قسم تکلیف داده شدی بجا بودی - زیراچه در هر اسم شادی نکاح دیگر

اعیاد و بیاداری و در نذر و نیاز که در جواز آن کلام ست چنان عالی حوصلگشته اید

که اسباب معیشت را فروخت میکنید - تا برای احیاء و اعزاز اسلام و قوی کردن مسلمانان

در بنگاله برای پیدا کردن معیشت و فراخی رزق صالح برای اولاد همت شما چه اقتضا

خواهد کرد و برای درستگی کارهای اصلی شما - شما چه میخواهید -

بدانید! خادم برای این امر همه تن حاضر هستم - بدانید! که اگر این

مضمون را در ده رمز دانستم بعد تحریر مدتی زیر نظر داشتم و قبل از تحریر این تدبیرها

غور و تفکر کردم نه در بیداری نه در خواب از شما غافل میباشم نه در طفلی غافل بودم

نه الحال غافل میباشم و در هر زمان فکری تازه را بر محک امتحان نهاده ام - اما

آنوقت بلکه قبل از تحریر بدان هیچ شکلی که مناسب وقت باشد و قابل عمل باشد و عموماً مفید

باشد و انصرام یابد و شاهد مقصود از جلوه گر شود در خیال نمی آمد زیرا چه این معاملم

آنست که دانش کثیر میخواهد و اینکه نوشتم از موازنه مسالک جهانداری سلاطین کبار عالم و

اسرار سیاسات ایشان و معرفت آیات قدرت و وجوه انقلابات انسانی نوشتم در آن

خصوص اخبار و ادوار امصار و عالی علوم اسلام و گرامی رموز ترقی انسانی کمع

آنهمه اساس طرز ملکداری انگریزی را بسیار سنجیدم و استنباط خلاصه قانون های مجربه

---

٥١
در آخر سنه ۱۲۹۲ هجری

در ابتدای فصل ربا
۱۲

٥٢
تا زیب بنای منبر ردی زرد
غم بینوایان رخم زرد دکرد
ببین دیباچه ؛

٥٣
هر که ترقی خواهد کار برای
خود چنان پیدا کند
که بر حقوق دیگران
تجاوز نشود
۱۲

وقت را دریافت کرده این تدبیر را اندازه کردم و بنایش بطور مناسب مستحکم بر عدالت
و احسان و راستی و کاردانی و قوت و حوصله و سعی جمیل و توکل بر حضرت خالق نهادم
و از و انصرام آن میخواهم (و الی الله ترجع الامور)۔

ای یاران همت بالا کنید و بدانید که هیچ امر در دنیا نیست که تدبیر لائق آن
کرده شود و دوران کامیابی حاصل نگردد۔

پیش چوگان همت عالی | کمترین گوی آسمان باشد
چنین زد مثل شاه گویندگان | که یابندگانند جویندگان

بشارت

بدانید تدابیر اگر مناسب باشد مقصود بکمتر مدت حاصل گردد۔ اگر نامناسب
و بعید باشد در حصول مقصود مدت میکشد۔ انچه هنود را در چهل سال حاصل شد شما
در ده سال حاصل شود این از انجهت تدابیر ما بر بینش مصلحت و عقل بروشنی تواریخ
امم اندازه کرده شدند و ایشان که اول کارها شروع کردند مثل نابینایان بغیر اندازه
کردن اصول کردند۔ شما اجماعا شروع خواهید کرد۔ ایشان انفراد کردند بلکه مثلی بسیار
عظیم می آورم کسان شهر روم در اٹلی (اطالیا) در ششصد سال ملکی عظیم یافتند۔
پیمبر ما و اصحاب او در چهل سال آن ملک یافت سبب این چه بود۔ تدابیر همه محکم بودند
و آموزانندہ تدابیر خود خالق بود و منزل وحی تعالی شانه۔

و بدانید بسرعت بمقصود رسیدن را هیچ بنا بد الاتفاق و چستی در اجرا تدابیر۔

دو دل یک شود بشکند کوه را | پراگندگی آرد انبوه را

LYTTON LIBRARY

بدین طور از ضرورت خواندن انگریزی که عموماً طبیعت شما مکروه دارد مستغنی میشوید و بدین تدبیر از هلاکت امین میشوید۔

حزم و بیدار مغزی انگریز

ای یاران چون همت عالی بطرف ترک تعلیم انگریزی فرموده اید همت را قدری بالاتر کشید۔ بر نصیحت این خادم دلسوز شما برغبت و توجه گوش نهید و آن کنید که از مضرت ترک این چنین تعلیم خود را برهانید و این تعلیم که بمنزلهٔ نعم البدل آنست یعنی نفع تعلیم اسلامی را با نفع تعلیم اجنبی و فنون فرنگ ضم کنید تا همه نفع برای شما بماند۔ و تا توانید درین امر بکوشید۔ بدانید که سنگ آمد و سخت آمد۔ اگر زیاده برین تاخیر میکنید وقت فوت میشود و حالتی شما را خواهد آمد که علاج هم نشود و نتوان شد۔ بدانید که انگریز که عیسائی اند برای شما که مسلمان هستند این همه نخواهند کرد۔ و چرا خواهند کرد امراء شما برای شما چه کردند و چه میکنند کار خود را از خود خوب میشود۔ هان اگر بادشاه اسلام با دانستگیها بودی شاید کرده بودی مگر بران افسوس بکنید (الحمد لله علی کل حال) ای یاران چون مجمع خوبیها و کمالات خواهید شد آنگاه منافع خواهید یافت۔ آنگاه طلب از هر جانب برای شما خواهد آمد در حقیقت شما را طلب نخواهند کرد بلکه لیاقت شما را طلب خواهند کرد۔ شما را دوست نمیدارند بلکه نفع خود را دوست دارند۔

تفصیل این اجمال آنکه از معارف و دریافت حقیقت بمنافع میتوان رسید یعنی چون راه نفع را بدانید که کدام است ضرور بمقتضای طبیعت توجه بآن سو خواهید کرد و چون توجه

[Margin notes:]

واضح باد که فنون که فنون فرنگ هرگز منافی اسلام و حکمت های قرآنی نیست بلکه موید و موضح قرآن است۔ و دیگر آنکه خالق فعل انسان هرجا خالق انسان باشد و از آنکه قدرت چنین است که از فلک یکی و دیگری اشاره میگیرد در اینجا مقولهٔ لقمان مرا یاد می آید چون از او پرسیدند ادب از که آموختی گفت از بی ادبان ۱۲

ببایدید که انسان که با تاج و تخت اند اشارات مرا بچه طور متنبه میشوند۔ و با من که جدائی خود را در کار ایشان کرده ام و میکنم و در استحکام ولایت اقبال ایشان میکوشم چه احسان میفرمایند بل جزاء الاحسان الا الاحسان ۱۲

خواهید کرد خواهید یافت دولت که مجموع منافع است بدین طور حاصل شود چون دولت حاصل خواهد شد ضرور قدر شما خواهد افزود - اخلاق عظیم که زیور اسلام است کمتر کسان را دیدم که دارند - مذهب جمله ظاهر بینان این است که دولت را عزت می نهند در حقیقت انسان محتاج دکم مایه آفریده شده -

هر کجا چشمهٔ بود شیرین * مردم و مرغ و مور گرد آیند

همین است تفصیل آن آیهٔ قرآن (ان العزة لله جمیعا) قدرتش را باید درویش بگوئید - بوسیلهٔ ترک اکتساب ره هم او تعالی میدهد اعتصام بوسیلهٔ قدرتش نمایید

آخر بدانید که انگریزان از صد سال بیشتر در هند چه بوده آنچه شما را است در آن هم نبوده - بدانید که اصحاب پیمبر ما را در عرب چه بوده - از مال دنیاوی آنچه شما راست آن هم نبود - چنین زد مثل شاه گوشندگان که پاینده گاند چو شندگان *

بشنوید گوش کنید - امری نهایت سودمند در آخر میگویم - تدبیر چند که عمده باشد بر صفحهٔ کاغذ هیچ شود نخواهد داد - سود آن بعمل آوردن پیدا خواهد گشت و آنقدر خواهید یافت که خواهید کاشت - ...

حرم وبیدار مغزی سوم تقریر *

ای یاران - چون حقیقت فلاح و صورت نجات را دانستید که چیست همگی ... بکنید و کار امروز را بفردا مگذارید "

... تدبیر ما که در تقریر سابق بدان اشاره کرده بودم - والسلام علیکم *

تمت بالخیر

ادهم

میلان جو بر ... وجود ... چون ... ... گرگ ... ... صحیح وار ... زبان ... باشند ... زبان

۱۲ چون کار ... است را درست ... باقی را بر خدائی بر بگذارد ... باش و ... خو ... خواهی دید ... موقع راه ها پدید خواهد آمد و کار ... خواهد شد تا ... ۱۲

تمدن و آسایش معاشرت مسلمانان — برای توسیع خیالات مسلمانان — سهل‌ترین طریقه بیان — وسیع حصه — متشابه — چند آیات — مبتنی در دو متن — قرآن شریف — که در اصل حقیقت دین اسلام ازان واضح شود — و مقام اختلاف چیست —

در زبان اردو سلیس — لایق اطفال و مستورات — و ابتدائی تعلیم پیر و جوان در حقیقت این اعلی رموز اسلام — کتاب لباب شریف و بسیار مفید مسلمانان هندوستان — و هم برای دریافت حقایق اسلام غیر مسلم وسیع طبع را بکار آمد

در تصنیف این کتاب بر خرابیها که مسلمانان را لیست کرد از روشنی حکمت و اشارت حکما و تدبیر این عصر لحاظ کرده شد — و در رفع آن از حقایق و معارف قرآنی کوشیده شد — و ازینجا ثابت کرده شد که حقایق اسلام و حکمت صحیحه جدا نیستند — و اسلام عین مجد و معادن ترقیات و فلاح انسانی است

آن مشکلات که در ترقی تمدن و معاشرت پیش می آید بسهل طریقه در رفع آن کوشیده شد قابل غور ارباب سیاست از اسلام یا آنانکه بر مسلمانان حکمرانی کنند قابل غور است — خیرخواه رحیم مسلمانان

این کتاب را بطرزی نوشته شد که در طبیعت خواننده هیچ گرانی نیاید — و غیر مسلم خواننده را ناگوار نشود بلکه رغبت و شوق افزاید — همچنین جاهل ناخوانده را بهد

این تصنیف نهایت منتظر درخواستهای شرکت هستم — قیمت بر کاغذ مناسب ۵۰ و بر کاغذ نفیس ضرورت شرکت پنجاه خریدار — قیمت پیشگی للعه و سه

چونکه این کتاب برای نفع خاص و عام هر فرقه ساکن هندوستان نوشته شد نفع آن هر چند که با فواید برسد مناسب است و قیمت تمام کتاب در حقیقت بالا از مقدرت عوام است لهذا هر حصه این کتاب جداگانه هم فروخته خواهد شد و قیمت اصل کتاب یعنی جلد چهارم که گویا جمله مسلمانان را مثل غذا در کار باشد بسیار کم داشتم

اجزای کتاب معه مختصر احوال مضمون هر جلد و تفصیل قیمت پیشگی و ما بعد هر یک حسب ذیل است

(۱) جلد اول موسومه دیباچه اول کتاب مبارک — این کتاب هم جلد و نظلت دو وحشت و خوض در اسباب تنزل بر مراز کتاب تدبیر است — درین سبب تصنیف کتاب غرض کتاب مبارک بیان شود — مجملا وجه تنزل مسلمانان بیان کند — تحقیق حالت علمی و اخلاق ایشان بیان کند — رسوم بد و غلط کاریها و غلط خیالهای ایشان بیان کند — و تحقیق این امر چگونه درستی اخلاق و درستی خیال دولت و عزت آرد — و معنی درستی اخلاق در باب هند و مقام آن — درستی اخلاق و درستی خیال لازم و ملزوم — حالت انسانیت مفید و بلند حالت است نوابد دین را بیان کند — معنی دین — و احاطه — و مقام دین — غلط فهمیهای ملحدان را رفع کند — غرض احاطه الهام را

ALI... MUSLIM

بیان کند در حکمت بسیار دور و دراز می رود - بجز ارباب همت و ارباب مغز که الراغب فهم قرآن و دانش

را گرفتن آن را می دهم

طرز نو اردو تیار

بعضی اسباب تنزل از کتاب تدبیر رفع شود - بعضی اسباب از این جا رفع شود -

قیمت ۵/ بر کاغذ مناسب - ۸/ بر کاغذ نفیس پیشگی ۴/ و ۶/ - برای امادگی در طبع جلد دوم

(۲) جلد دوم موسوم دیباچه دوم کتاب مبارک متضمن بر مختصر احوال محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم

نبی آخر الزمان - کیفیت نبوت و تحقیق احوال مختصر قرآن - کیفیت نزول قرآن و تحقیق آن

تحقیق درجه مصطفی در نوع انسان و تحقیق اینکه چگونه خیر البشر و چگونه سید المرسلین است - اخلاق و شمایل

کارهای آنحضرت - تحقیق در حضر و سفر که علما و دیگر درباره او کرده اند - اثبات نبوتش از دلایل جدید

- تحقیق در خوبی قرآن و در بیان کتابها از روی فواید و بلندی و راستی - کاغذ مناسب ۸/ - و کاغذ

نفیس ۱۲/ - پیشگی ۶/ و ۷/ - و چون بعده خریدار شوند طبع شود طرز نو اردو طیار

(۳) جلد سوم موسوم دیباچه سوم کتاب مبارک - بغرض تسهیل فهم قرآن - و ادعیه نماز و تسبیح

برای آنانکه عربی و فارسی ناخوانده اند - قواعد صرف و نحو و حال و منطق و بلاغت بسهل ترکیب و طرز نو -

موافق طبعیت آنانکه گاهی صرف و نحو نداشته اند

از این ترکیب محض نادان از عربی بحث ساده با عربی مناسبت پیدا کند - یا در قرآن مناسبت

پیدا کند

طرز نو اردو تیار

اطفال و مستورات مسلمانان را بسیار بکار آید - مصلیان را تسبیح خوانان را و عابدان را بکار آید

و مبتدیان عربی را بکار آید - مسافران عرب را بکار آید - طالب العلمان صرف و نحو را تسهیل کند

اشتهار - آنانکه تکمیل اردو و خوش گویی الفاظ اردو - روزمره خواهند ایشان را بکار آید -

بر کاغذ مناسب ۸/ و بر کاغذ نفیس ۱۲/ پیشگی ۶/ و ۸/ - و چون هشتاد خریدار شریک شوند طبع شود.

(۴) جلد چهارم کتاب مبارک - این اصل کتاب است متضمن چند آیات بینات از قرآن شریف

به تفکر و تامل بنهایت تحقیق کرده شد - در حسن اخلاق و حسن معاشرت - و صلاح و ترقی تمدن - کثیر المنفعت

بالفاظ قلیل - معه صرف و نحو و لغت و هر گونه تفهیم و تسهیل لفظ - و اردو سلیس آن - و بیان نکات

دیگر فواید دینی و معاشرتی و ملکی و سیاستی و اخلاق و سعت خیالات در ضمن هر آیه - کتاب بسیار مفید

قیمت ۱۲/ کاغذ نفیس ۱۶/ پیشگی ۱۰/ - شرکت هشتاد خریدار برای طبع طرز نو اردو تیار شده

(۵) جلد پنجم لمعات کتاب مبارک - مشتمل فرهنگ اصطلاحات قرآنی - و نیز در معنی الفاظ آن تمهید

تفسیر و رفع اعتراض ملحدان در اثبات تنزیل و دلایل حکمت جدید فرهنگ (تفسیر بلا ریب فیه) قیمت ۵/ کاغذ نفیس

اشتهار - نفع بهر از این کتاب تدبیر و دیگر تصانیف مصنف ده روپیه تکمیل می یابند

CALL No. { ۲۹۷۶۰۷ ف ۱۲ع ک ت ACC. No. ۲۸۲۵

AUTHOR عبید الرحمٰن احمد

TITLE کتاب تدبیر

Acc. No. ۲۸۲۵

Class No. ۲۹۷۶۰۷ ف Book No. ک ت ۱۲ع

Author عبید الرحمٰن احمد

Title کتاب تدبیر

| Borrower's No. | Issue Date | Borrower's No. | Issue |
| --- | --- | --- | --- |
| | | | |
| | | | |

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.